
زوجي الكوثر


بسم الله الرحمن الرحیم

فروغی از کوثر : زندگینامه حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)

نویسنده:

الیاس محمد بیگی

ناشر چاپی:

زائر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فروغی از کوثر: زندگینامه حضرت فاطمه معصومه(علیها السلام)

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدبیگی الیاس ۱۳۴۱-

عنوان و نام پدیدآور : فروغی از کوثر: زندگینامه حضرت فاطمه معصومه ع / مولف الیاس محمدبیگی

مشخصات نشر : قم زائر ۱۳۷۹.

مشخصات ظاهری : ۱۵۴] ص مصور (رنگی .

شابک : ۴۰۰۰۰ ریال : ۹۶۴-۶۴۰۱-۲۸-۷ ؛ ۹۰۰۰ ریال (چاپ هفتم) ؛ ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ هشتم)

یادداشت : چاپ قبلی زائر: آستانه مقدسه قم امور فرهنگی ۱۳۷۴.

یادداشت : چاپ هفتم: ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ هشتم: ۱۳۸۶.

یادداشت : کتابنامه ص [۱۵۳ - ۱۵۴].

موضوع : معصومه س بنت موسی کاظم ع) ، ۱۸۳؟ - ۲۰۱؟ق -- سرگذشتنامه

موضوع : معصومه س بنت موسی کاظم ع) ، ۱۸۳؟ - ۲۰۱؟ق -- شعر

موضوع : قم (استان -- زیارتگاهها

رده بندی کنگره : BP۵۲/۶ /م ۶ف ۴ ۱۳۷۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۶

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۹-۵۹۳۹

سخن ما

گر چه از نظر فلسفی زمان ها و مکان ها از جهت زمانی و مکانی هیچ امتیازی بر یکدیگر ندارند; ولی از منظر دینی و با توجه به تأثیر ارزش های الهی، برخی از زمانها و مکانها از قداست و مکانت ویژه ای برخوردارند و نسبت به دیگر اجزاء زمانی و مکانی امتیاز خاصی دارند: که برتری شب قدر از هزار ماه عبادت و شب مبارک بودنش به برکت نزول قرآن کریم بوده و این

بروز رخدادهای آسمانی و ظهور نشانه های الهی است که برخی از روزها را «ایام الله» ساخته است. چنانچه با نزول آغازین آیات نور بر جان پاک نبوی و ابلاغ رسالت محمدی (صلی الله علیه وآله وسلم) توسط فرشته وحی، کوه حرا، جبل النور و تجلیگاه جمال و جلال ربوبی شد و شهر مکه و کعبه معظمه با حضور پیامبر رحمت شکوه و عظمتی دوباره یافت

و هجرت حضرتش به شهر یثرب آن را مدینه النبی ساخت.

و این قیام خونین و حیاتبخش حسینی در سرزمین نینوا و قداست و طهارت ثاراللهی حضرت سیدالشهدا بود که کربلا را بر کعبه برتری داد و تربتش را طینت عرشی و عطر بهشتی عطا نمود. و اگر از شهر قم در قاموس سراسر نور اهلبیت، به عظمت و بزرگی یاد شده به آن جهت است که، همواره این دیار مقدس مرکز نشر فرهنگ و معارف نورانی اهلبیت و خاک پاکش مهد تربیت رجال بزرگ و نامدار علم و دانش بوده و آسمان رفیع فرهنگش با سیمای فرزانگان فقه و حدیث و معارف دینی فروزنده است. درخشش نام قم و قمی را در پرتو احادیث و اخبار امامان معصوم و دلباختگی مردمان خداجویش به آل رسول جستجو باید کرد. اما این همه نبود جز از برکات هجرت کریمه اهلبیت و اجلال نزول و غروب غمبار آن نجمه آسمان ولایت در دیار عاشقان امامت; او که بارگاه رفیعش جلوه ای از بهشت برین و مدفن شریفش مطاف عرشیان و ملجأ و معبد صالحان و نقطه امید دین باوران است. توجه به موقعیت خاص شهر قم و مشاهده بی کران معنویت و شکوه این کوکب دری آسمان عفاف حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) بود که برخی صاحبان فضل و قلم را بر آن داشت که دلباختگان خاندان عصمت به ویژه نسل جوان را با گوشه ای از آن عظمت آشنا ساخته و آثار ارزشمندی را در این رابطه به جامعه دینی ارایه نمایند. که از جمله آنها است اثر گرانقدر جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای الیاس محمد

بیگی (صادقی) تحت عنوان «فروغی از کوثر» که در بر گیرنده پیشینه های درخشان شهر قم و جلوه ای از زندگانی و فضایل و کرامت های حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) و مطالب متنوع دیگری می باشد .

ما خادمان فرهنگی آستانه مقدّسه کریه اهلبیت خدای را شاکریم ، در سالی که به نام امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) نامگذاری شده ، توفیق تجدید چاپ و نشر این اثر را به ما ارزانی داشت . در پایان از مساعدت تولیت معظم آستانه مقدسه حضرت آیه الله مسعودی و معاون محترم ایشان جناب آقای فقیه میرزایی در جهت تحقق این مهم تشکر می نماییم؛ امید آن که همواره توفیق الهی در جهت ارایه خدمات فرهنگی بیشتر به جامعه دینی رفیق راهشان باشد.

صفحه۶

صفحه۷

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار

آشنایی با موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی ، سیاسی ، اجتماعی هر سرزمین گر چه به جای خود ارزشمند بوده و بر اطلاعات عمومی انسان می افزاید ; ولی شناخت بعضی از سرزمین ها به خاطر نقش اساسی نخبگان و فرهیختگان آن سامان ، در پایه گذاری و ترویج فرهنگ و معارف حیاتبخش دینی و تحکیم عقاید اسلامی و سوابق درخشان آن ، از ارزش و اهمیت مضاعفی برخوردار است . که یکی از این سرزمین های ممتاز ، شهر قم می باشد ; دیار مقدّسی که در طول تاریخ اسلام از بزرگترین مراکز نشر معارف حیاتبخش شیعه به شمار آمده و تربیت یافتگان مکتب فقه و حدیثش احیاگر مظاهر فرهنگ غنی اهلبیت(علیهم السلام) بودند ; و مردمان خدا جوی آن طلایه داری نهضت های علمی ، فرهنگی ، سیاسی و

رهبری قیامهای حق طلبانه مردمی در برابر حاکمان ستم پیشه را به عهده داشتند . بدینسان اهل قم ، قیام را عینیت بخشیدند و قم در طول تاریخ چونان خورشیدی تابان درخشید و نور و تحرک آن آزادیخواهان مسلمان را به حرکت درآورد و نام قم در دنیا مرادف با قداست و پایداری و شجاعت گردید . و به خاطر همین جایگاه عظیم ، قم در قاموس سراسر نور رهبران معصوم(علیهم السلام)بعنوان حریم امن ولایت و کاشانه آل محمد و سرچشمه جوشان علوم و معارف خاندان رسالت معرفی شد ; و مردمان خدا باورش پیروان راستین اهل بیت و یاوران مهدی امت و زمینه سازان حکومت جهانی حضرتش شناخته شدند . و شکوه و عظمت این دیار مقدس ، آنگاه فزونی یافت که خاک پاکش ، بارگاه ملکوتی بزرگ یادگار آل رسول و عصاره فضایل آل بتول « حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها » گردید ; و هجرت زینب گونه و رحلت جانسوز حضرتش در این سرزمین ، حرم اهل بیت بودن آن را تفسیر نمود ; و باجلال وجمال فاطمی خود، قم را تجلیگاه انوار تابناک ائمّه هدی(علیهم السلام)قرارداد.

و سرانجام قم ، این پایگاه عظیم ولایت علوی و حوزه فقاهت جعفری بود که خاستگاه انقلابی بی نظیر ، به رهبری پیشوای حکیم و فرزانه « حضرت امام خمینی(قدس سره) » گردید که حکومت اسلامی به بارآمده از آن ایران زمین را نقطه امید مستضعفان سراسر گیتی و شهر قم را مرکز ام القرای جهان اسلام قرارداد.

حکومت الهیی که امروز به رهبری حضرت آیه الله خامنه ای دام ظلّه راه تعالی و

ترقی خود را طی می کند این همه ، انسان را بر شناختی عمیق و همه جانبه از پیشینه درخشان این دیار پاک و معرفت و آگاهی فراگیر از ابعاد مختلف شخصیتی بزرگ بانوی عالم اسلام حضرت فاطمه معصومه(علیها السلام)وامی دارد که بدون شک اهل قلم و نویسندگان متعهد ، در جهت ارایه چنین شناختی به جامعه ، رسالتی عظیم به عهده دارند ; چنانچه تاکنون در این رابطه آثار ارزشمندی ، توسط برخی از صاحبان قلم نگاشته شده است ما هم در حدّ توان عصاره ای از این آثار گرانقدر را در ۹ بخش گردآوری نمودیم و این اثر را با عنوان « فروغی از کوثر » که چیزی جز حاصل عنایت آن حضرت نبوده به روح بلند آن زینب دوران اهدا می نماییم به آن امید که مورد قبول افتد و همواره لطف و کرم آن بزرگوار رهین را همان باشد . و از آنجا که مجموعه حاضر به عنوان اولین اثر نگارنده ، خالی از نقص و ایراد نیست نظر اصلاحی همه عزیزان را با جان و دل پذیراییم .

و ما توفیقی الاّ بالله

الیاس محمد بیگی « صادقی »

صفحه۹

بخش اوّل : پیشینه های درخشان شهر قم

پیشینه تاریخی شهر قم

بعضی قائل به قدمت شهر قم بوده و آن را از بلاد باستانی دانسته اند و به شواهد و قرائنی هم استدلال نموده اند از قبیل ذکر « زعفران قمی » در کتابی که مربوط به عصر ساسانیان است و آمدن نام قم در شاهنامه فردوسی ضمن بیان حوادث سال ۲۳ه . ق و اینکه قم و ساوه به دست « تهمورث پیشدادی » بنا نهاده شده است .

ولی این شواهد و قرائن

مدّعا را ثابت نمی کند برای این که موقعیّت جغرافیایی و طبیعی سرزمین قم در عصر ساسانیان برای بنای شهری در آن جا مساعد نبوده است و ساخت چنین شهری بدست تهمورث از افسانه های باستانی است که هیچ ارزش تاریخی ندارد . و ذکر نام قم در شاهنامه دلیل بر این نمی شود که در سال ۲۳ه . ق هم آن سرزمین به همین نام بوده برای اینکه فردوسی در اشعار خود نام محلّ فتوحات را به اسامی معروف زمان خودش معرّفی کرده است نه به اسامی زمان خود فتوحات و در اسناد تاریخی و گزارش فتوحات ایران به خلیفه مسلمین از سرزمین قم به عنوان (شق ثیمره) نام برده اند .

صفحه ۱۱

بنابر این شهر قم هم ، مانند شهر نجف و کربلا و مشهد مقدّس از شهرهای نوظهور اسلامی است که موجبات موجودیّت آن را باید در جهات مذهبی ، سیاسی جستجو کرد .(۱)

هجرت خاندان اشعری به قم

قم از بناهای اسلامی است که با ورود اعراب اشعری(۲) به این سرزمین و سکونت در آن و ساختن خانه ها و پیوستن حصارهای موجود بهم ، در سال ۸۳ه . ق(۳) موجودیّت یافت و نام قم بر آن نهاده شد .

در این جا لازم است در خصوص مهاجرت اعراب اشعری به این سرزمین توضیح بیشتری داده شود :

« خاندان اشعری » به خاطر ناسازگاری با « حجّاج » حاکم کوفه و کشته شدن یکی از افراد برجسته آن خانواده و احساس ناامنی ، جلاء وطن نمودند و به سوی ایران حرکت کردند ; در مسیر حرکت خود به نهاوند رسیدند و عدّه ای از آنها در اثر

ابتلای به وبا از دنیا رفتند ، به همین جهت از آنجا حرکت کردند و به تدریج راهپیمایی نموده تا به سرزمین قم رسیدند .

پاورقی

۱ گنجینه آثار قم ، عباس فیض ، ج۱ ، ص۷۰ .

۲ این قبیله در آغاز بعثت رسولخدا(صلی الله علیه وآله وسلم) از یمن به مدینه هجرت کردند و به آن حضرت ایمان آوردند و بزرگ آنها « مالک بن عامر بن هانی » است که در جنگ قادسیه از خود رشادتها نشان داد و ایشان جدّ عبدالله و احوص می باشد که آن دو از بنیانگذاران شهر قم به عنوان پایگاه شیعه بودند . « گنجینه آثار قم ، ج۱ ، ص۱۳۷ » .

۳ معجم البلدان ، ج۴ ، ص۳۹۷ .

صفحه۱۲

این که علّت آمدن آنها به قم چه بود مطلبی است که باید آن را در فتوحات جدّ ایشان « مالک » در نبرد قادسیه جستجو کرد :

مالک بعد از فتح فراهان و تفرش و آشتیان و ساوه ، با قوم دیلم که دست به چپاول اموال و تجاوز به نوامیس ساکنین آن نواحی گشوده بودند وارد نبرد شد و آنها را ریشه کن و نابود کرده و نوامیس به اسارت برده شده را آزاد کرد . مردم آن سامان که خود را آزاد شده مالک می دانستند از این حادثه همیشه خاطره شیرینی داشتند .

قبیله اشعری هم که با نام این دیار آشنا بودند ، برای پیدا کردن مرتع و چراگاه احشام راهی این سرزمین شدند وقتی که به تَقَرود از نواحی ساوه رسیدند احوص آنجا را سرزمینی سرسبز و مناسب برای احشام خود یافت و

در فکر توطّن در آنجا برآمد .

منزلگاه اعراب در دامنه کوه یزدان (میانه تقرود و قم) بود . به همین جهت به تدریج خبر ورود خاندان اشعری به یزدان پایدار (یزدانفاذار) رئیس زردتشیان رسید .

او از ورود آنان بسیار خرسند شد و تصمیم گرفت برای حفظ و حمایت سرزمین خویش از حمله دیلمان آنها را در سرزمین قم منزل و مأوی دهـد ، که سرکوبی قوم چپاولگر دیلم « در حمله مجدّد آنان به آن مناطق » ، به دست احوص و همراهانش او را بر این امر مصّم تر نمود و با شـنیدن خبر پیروزی شـخصاً به اسـتقبال احوص شتافت و به عنوان تقدیر و تشویق بر سر او درهم و زعفران ریخت و قوم او را در میـان چنـد حصار معروف آن زمان جای داد و آنها چادرهای خویش را در فواصل حصارها برپا کرده و برای عبـدالله (برادر احوص) مسـجدی جهت اقامه نماز و بیان مقرّرات نورانی اسـلام بنا کردند و آنچنان زردتشتیان با مسلمانان صمیمیّت و محبّت یافتند که با هم عهدنامه برادری و مواسات و پیمان دفاعی امضاء نمودند .

صفحه۱۳

بـدینسال اعراب مسـلمان ، روز به روز محلّ سـکونت خود را وسـعت داده و خـانه ها و مزارع بسـیاری را خریـداری کردنـد و حصارهای جـدای از هم به واسـطه ساخته شـدن خانه های نوبنیاد ، به هم متّصل شدنـد و شـهری یکپارچه بوجود آمـد و اوّلین مسجد در آن شهر بنا نهاده شد .

پیمان یاد شده تا آخر عمر یزدانفاذار بخوبی اجرا می شد و دو قوم زردتشت و مسلمان با هم زندگی مسالمت آمیزی

داشتند ; ولی پس از او فرزندانش با دیدن حشمت و ثروت روزافزون مسلمانان و خانه های وسیع و مجلّل آنان ، خود را در برابر آنها ذلیل و خوار دیده و در اندیشه ناسازگاری برآمدند و بنا را بر پیمان شکنی گذاشتند و از عبدالله و احوص ، « بزرگان خاندان اشعری » مصرّانه خواستند که با قوم خود از آن سرزمین بیرون روند .

عبدالله و احوص آنها را پند و اندرز فراوان داده و آنها را دعوت به پایبندی به عهد و پیمان برادری نمودند و از عواقب سوء عهدشکنی بر حذر داشتند ، ولی قوم زردتشت همچنان بر خواسته خود پافشاری می کردند و تا چهاردهم سال نو به خاندان اشعری مهلت دادند تا هر چه دارند بفروشند و از آن دیار بروند .

در این فاصله زمانی احوص بعد از مشورت با بزرگان قبیله ، تصمیم گرفت

صفحه۱۴

شب چهارشنبه آخر سال ، آن دیار را از شرّ سران زردتشت و بزرگان حصارهای چهل گانه ، پاک نماید و راه را برای گرویدن مردم پاک سرشت آن سامان به اسلام بگشاید .

لذا چهل نفر را مأمور ساخت که در چنین شبی در هنگامه جشن و شادمانی و میگساری زردتشتیان ، خود را به حصارها رسانده و خدایان حصارها را نابود نمایند .

این نقشه به خوبی اجرا شد و سران فتنه انگیز زردتشتیان آن شهر از میان برداشته شدند و دژهای کفر و لجاجت فروریخت و مردم آن منطقه با احساس آزادی ، گروه گروه به اسلام گرویدند و آتشکده ها یکی پس از دیگری خاموش و به مساجد تبدیل شدند و بدینسان مردم مسلمان

به رهبری احوص و عبدالله اشعری بر این منطقه سروری یافتند(۱) ، و شـهر قم به عنوان شـهری امامی مذهب به وجود آمد ، و مکتب فقه شـیعه امامی به دست « عبدالله بن سـعد » و پسـران او در این شـهر بنا نهاده شد و به مرور زمان قم به عنوان شـهری « پیرو فقه اهل بیت(علیهم السلام) » همچون ستاره ای درخشان بر آسمان عالم اسلام درخشیدن گرفت .

و به تدریج این شهر مأوی و مأمن پیروان امامت و ولایت شد که تعداد شیعیان مهاجر آن به ۶۰۰۰ نفر می رسید(۲) .

پاورقی

۱ تاریخ قدیم قم ، حسن بن محمد بن حسن قمی ، ص۲۴۵ ۲۵۷ با تصرّف .

۲ گنجینه آثار قم ، عباس فیض ، ج۱ ، ص۱۵۴ .

صفحه۱۵

پیشینه فرهنگی ، سیاسی شهر قم

مردم قم چنان اهمیّت و عظمت یافتنـد که گوئی در کشور نیمه مسـتقلّ کوچکی در « قلب دارالاسـلام » زنـدگی می کردنـد ، چنانچه از آغاز ظهور خلفای عباسی در سال ۱۳۲ه . ق تا اواخر دوره خلافت هارون از دادن خراج به حکومت وقت خودداری می کردند و هیچ یک از خلفا توان و جرأت مقابله با آنان را نداشت .

در زمان هارون عباسـی که فرمانروایی اسـلامی ، حدّاکثر توسـعه را یافت و در سال ۱۸۴ه . ق هارون تصـمیم گرفت صحابه و دوستداران اهل بیت(علیهم السلام)را تحت فشار قرار دهد و قم این کانون ضدّ ظلم و ستم را سرکوب نماید .

لذا هارون « عبدالله بن کوشید قمی » را به حکومت اصفهان (که قم از توابع آن بود) گماشت تا مالیات پنجاه و چند ساله قم

را وصول نماید .

او هم برادر خود « عـاصم » را عامل قم قرارداد ، عاصم پس از شـکنجه و اذیّت و آزار مردم حتّی یکـدرهم از مالیات معوّقه را هم وصول نکرد ولی همچنـان بر فشـار خود افزود تا اینکه عـدّه ای از اهالی و بزرگان شـهر زبان به شـفاعت گشودنـد و لی به نتیجه ای نرسیدند .

بعد از بی نتیجه بودن این وساطتها « عاصم » به دست عدّه ای ، از جان گذشته به هلاکت رسید .

همین حـادثه بـاعث عزل عبـدالله از حکومت اصـفهان شـد ولی عبـدالله به دارالخلافه شـتافت و بـا پرداخت یـک میلیون درهم خواسـتار بازگشت به سـمت قبلی خود شد ، به شرط اینکه قم از تابعیّت اصفهان خارج شود . سرانجام با توضیحات قانع کننده او و بیانات « حمزه بن الیسع » از بزرگان قم و عهـده دار شدن خراج شـهر ، هارون اسـتقلال شـهر قم را پذیرفت و بدینسان این شهر استقلال سیاسی یافت و پس از تعیین حدود آن ، مسجد جامع با منبری برای امام جمعه (که نشانه استقلال هر ناحیه بود) در آن ساخته شد .(۱)

صفحه۱۶

هنگـام اسـتقلال در این سـرزمین دو شـهر وجود داشت یکی شـهر جدیـد اسـلامی بنـام « قم » و دیگری شـهر زردتشتیان بنام « کمیدان » که عمّال حکومتی و زندان شهر در آنجا بودند چرا که اهل قم عمّال حکومت را به شهر خود راه نمی دادند .

مبارزه بی امان مردم قم با ستمگران

مردم قم بـا حاکمان سـتمگر زمان خود همیشه سـر ناسازگاری داشـتند ، و در زمانهای مناسب در برابر آنان دست به شورش و انقلاب می زدند

و از پرداخت مالیات و حمایت اقتصادی حکومت مرکزی خودداری می کردند . بعد از شـهادت حضرت رضا(علیه السلام) در سال ۲۰۳ه . ق و پی بردن مردم قم به جنـایت مأمون و دسـتگاه خلافت ، به عنوان اعتراض به این فاجعه عظیم و اعلان حمایت از حریم مقـدّس ولایت و امامت ، مردم دست به انقلابی بی سابقه زدنـد و در برابر حاکمان عباسـی دست به تمرّد زدنـد ، و از دادن خراج و مالیات سالانه شهر خودداری کردند .

پاورقی

۱ گنجینه آثار قم ، عباس فیض ، ج۱ ، ص۱۵۴ .

این انقلاب همگانی حدود ۱۰ سال ادامه داشت و سـرانجام با یورش سپاهیان حکومتی به فرماندهی « علی بن هشام » به شهر ، عدّه ای از سـران شـهر همراه « یحیی بن عمران » بزرگ قمّیّین که این نهضت عظیم مردمی را سازماندهی می کرد کشته شدند و قسمتی از شهر خراب گردید و مالیاتهای گذشته وصول شد. مردم به تدریج به عمران شهر پرداختند و تا سال ۲۱۶ه . ق شهر اوضاع آرامی داشت .

در همین سـال ، « زمـان خلافـت معتصم » بود که مردم به دارالحکومه قم حمله کردنـد و عامـل حکومت (طلحی) را از شـهر بیرون رانده و عَلَم مخالفت برافراشتند .

معتصم به تحریک (طلحی) سـپاهی را به فرماندهی « وصیف ترک » مأمور سرکوبی اهالی کرد ، و او همراه حاکم رانده شده قم به هر حیله ای بود به داخل شـهر رخنه نمود وسپاهیانش به قتل و غارت اهالی پرداختند و خانه ها و باغ های افراد انقلابی را آتش

زدند و شهر را به تلّی از خاکستر مبدّل نمودند .

ولی این همه ، نتیجه ای جز برافروخته شـدن خشم عمومی مردم نـداشت . لـذا پس از مواجه شـدن سپاه با اعتراض و مخالفت مردمی ، فردی به نام « محمّد بن عیسی بادغیسی » که فردی خوشخو و صدیق بود به حکومت قم گماشته شد ; حاکم جدید با درایت خاصّی که داشت رضـایت مردم را جلب نمود و بـذر مودّتی بین آنهـا پاشـید که تا سال ۲۴۵ه . ق در این شـهر حادثه خونینی پیش نیامد .

بالاخره در زمان خلافت متوکّل ، که او فردی جسور و لاابالی بود و از اهانت به مقدّسات دین و بزرگان اسلام هراسی نداشت « مانند تظاهر او به سبّ علی(علیه السـلام) و صدیقه طاهره(علیها السـلام) در مجالس عمومی و تخریب مرقد سیّدالشّـهداء(علیه السـلام) » مردم عاشق ولایت و امامت قم با دیـدن این جسارتها و اهانت ها که به ساحت مقدّس بزرگان دین می شد ، آنچنان برآشـفتند که در فرصت مناسب با تقویت معارضـین حکومت عباسـی همچون حسـین کوکبی که از اشـراف سادات علوی بود دولت علوی کوچکی تشـکیل دادنـد و عمّـال حکومتی را خلع یـد کردنـد و تا سه سال این حکومت برقرار بود . که سـرانجام معتمد عباسـی حاکم « بلاد جبل » را مأمور براندازی حکومت علویّون و سرکوب نهضت قمیون کرد و او با سپاهی فراوان پس از سـرنگون کردن حکومت حسـین کوکبی ، اهالی قم را سـرکوب و سران آنها را کشت و عدّه ای را زندانی کرد و در ظلم و ستم به

مردم تا آنجا پیش رفت که آنها برای در امان ماندن از شرّ او به امام حسن عسکری(علیه السلام)پناهنده شدند و حضرت برای رهایی از این شرّ عظیم دعایی به آنان تعلیم فرمود که در نماز شب بخوانند .

صفحه۱۸

این سرکوبهای خونین هیچ تأثیری در خاموشی شعله های انقلاب و قیام علیه ظلم و ستم نداشت و لذا مردم قم به مجرّد درگیری معتمد با یعقوب لیث (در سال ۲۶۳ه . ق) و ضعف نیروهای تهاجمی او مجدّداً در برابر او به قیام برخاستند .

این انقلاب و شورش گاه و بیگاه وجود داشت تا اینکه در زمان معتضد عباسی ، « یحیی بن اسحاق » که از طائفه امامیه بود به عنوان حاکم قم منصوب شد و او که شخصی ملایم و پرتجربه بود کوشش کرد تا از بغض و کینه مردم نسبت به خلفا بکاهد و از بوجود آمدن شورش های متوالی جلوگیری نماید . او در این راه موفق شد و با آرامش نسبی شهر ، و با همکاری او ، اقدامات اساسی در شهر صورت گرفت که از آن جمله : خاموش کردن آخرین آتشکده این سرزمین و بنای مأذنه و مناره عظیمی در کنار مسجد « ابوالصّدیم اشعری » بود که صدای اذان را به هر دو قسمت شهر می رساند .(۱)

صفحه۱۹

انقلاب فرهنگی ، سیاسی

در همین زمان بود که « علی بن بابویه » با ریاست و مرجعیّت عامّه خود مکتب پربرکت و بی نظیری را در قم تأسیس کرد که آمار تربیت شدگان آن مرکز بزرگ علمی ومحدّثین عصرایشان ، تا دویست هزار تن نقل شده است .(۲)

با طلوع ستاره «

بابویهی » بود که روش مبارزه مردم با دستگاه خلافت تغییر کلّی یافت و آنها به مبارزات اصولی پرداختند ، از طرفی پسران (بویه) را تقویت کرده و با قدرت ایشان خلفا را یکی پس از دیگری برکنار می کردند و حکومتهایی از آل علی(علیه السلام) را در طبرستان به نام ناصر کبیر ، و ناصر صغیر روی کار آوردند . از طرفی گروهی از دانشمندان اسلامی برای تبلیغ و ترویج مبانی و معارف دینی از قم به خدمت امرا شتافته و اکثر ایشان به مقام وزارت و امارت و ریاست رسیدند و نام وزرای قمی ، زینت بخش تاریخ سیاست و حکومت شد .

پاورقی

۱ گنجینه آثار قم ، ج ۱ ، ص۱۵۳ .

۲ همان ، ج ۱ ، ص۱۶۲ .

صفحه ۲۰

وزارت « استاد ابن العمید » در حکومت « رکن الدوله دیلمی » پس از مشورت با مرحوم ابن بابویه و صلاحدید آن بزرگوار بود ; که هجرت علمی مرحوم شیخ صدوق از قم به ری (بنا به دعوت استاد ابن العمید) و آثار گرانقدر علمی ، فرهنگی این هجرت مقدّس همه از برکات این اقدام سیاسی زعیم بزرگ شیعه در آن دوران می باشد .

چنانچه سفر مرحوم « ابن قولویه » به بغداد و تأسیس مکتب فقه جعفری در مسجد « براثا » و دهها اقدامات علمی ، فرهنگی که در سراسر عالم اسلام صورت گرفت همه و همه از برکات مکتب « مرحوم ابن بابویه » در قم بود .

و سرانجام این مکتب پربار بود که انقلاب عظیم فرهنگی ، سیاسی را جایگزین انقلاب های محلّی کرد و پست های

کلیدی سیاست و فرهنگ جامعه را در اختیار تربیت یافتگان مکتب اهل بیت(علیهم السلام) قرار داد تا بشریَت تشنه حکومت عدل و معارف شیعه را به سرچشمه گوارای اسلام حقیقی و تشیّع علوی رهنمون سازند(۱).

و در طول تاریخ همواره قم به عنوان منبع جوشان علم و معارف اسلامی بوده و تربیت یافتگان حوزه پر برکت آن به عنوان پاسداران امین اصالت دینی و فرهنگی ، سیاسی جامعه دینی شناخته شده اند و تا به امروز قم چون ستاره ای نورانی و مشعلی فروزان دلیل راه میلیونها مسلمان بوده و رهپویان راه حقیقت را به سر منزل مقصود رهنمون ساخته است و سرانجام این دیار خون و قیام بود که خاستگاه انقلابی شکوهمند به رهبری قائد عظیم الشأن حضرت امام خمینی شد و ثمره آن نظامی اسلامی گردید که امروز پایگاه عظیم حق طلبان مسلمان و نقطه امید مستضعفان و محرومان سراسر جهان به شمار می آید و اکنون به حقیقت می توان گفت که : ایران اسلامی ام القرای عالم اسلام و قم قبّه الاسلام و حرم اهل بیت و کاشانه آل رسول است .

پاورقی

۱ گنجینه آثار قم ، ج۱ ، ص۱۶۲ «با تصرّف» .

صفحه۲۱

پیشینه درخشان مذهبی شهر قم

جایگاه ممتاز و بی نظیر قم از نظر مذهبی و روحانی غیر قابل انکار است ; چرا که این شهر از آغاز موجودیّت تا امروز در طول سیزده قرن پایتخت شیعه امامیّه خوانده شده و مهد دانش و فضیلت و سرچشمه جوشان حکمت و معرفت بوده است .

خدمات برجسته و مساعی ارزنده دانشمندان قم در راه احیای آیین تشیّع و نشر معارف دینی و فرهنگ پربار اسلامی به حدّی

بود که تاج کرامت ابدی دینی بر تارک شریف آنان نهاده شد که : « لَوْلاَ الْقُمِیُّونَ لَضَاعَ الدِّینُ » .(۱)

آری قم شـهری است که خشت اوّل معنویت آن را گروهی از صحابه و دوستان ائمّه(علیهم السلام) از اعراب اشعری با مصالح ایمان و ملات تولّی بکار گذاشـته و شالوده این شـهر مقـدّس را از سال ۸۳ه . ق(۲) و در دوران امـام باقر و امام صادق(علیهما السلام) طرح ریزی نمودند .

این شـهر در مرکز فرمانروایی اسلامی چون کشوری مستقلّ و با مقرراتی خاص اداره می شد و از مزایا و ویژگیهایی برخوردار بود و حتّی در دوران اختنـاق حاکم بر امامیّه هم مردم قم بـدون تقیّه با کمال آزادی عقیـده در این دیار مقـدّس به جمع آوری آثـار و اخبار آل محمّـد و تـدوین آنها پرداختنـد و در سـرود آسـمانی اذان برفراز ارتفاعات با صـدای رسا بر ولایت علیّ(علیه السـلام)شهادت می دادند . مکتب امامیّه اولین بار توسط اعراب اشعری در قم افتتاح گردید که فقه شیعه به طور رسمی و علنی در آن تـدریس می شـد و مشـعل هـدایت و ارشـاد در این شـهر فروزان گردیـد و تربیت یافتگـان این مکتب الهی بر سایر بلاد اسلامی نور افشانی کردند .(۱)

پاورقی

۱ بحار ، ج ۶۰ ، ص۲۱۷ .

۲ معجم البلدان ، ج۴ ص۳۹۷ .

صفحه۲۲

بـدین جهت اهل قم همیشه مورد عنایات خاصّه ائمّه معصومین(علیهم السـلام)بودند و سـخنان ارزشـمندی را در بیان عظمت و فضیلت قم و اهل آن فرمودند که برگزیده ای از آنها را در اینجا ذکر می کنیم :

۱ قالَ رَسُولُ اللهِ(صلی الله علیه وآله وسلم) : « لَمّا اُسْرِیَ بِی

اِلَى السَّمـآءِ حَمَلَنِى جِبْرَئِيـلُ عَلى كِتْفِهِ الاْـيْمَنِ فَنَظَرْتُ اِلى بُقْعَه بِأَرْضِ الْجَبَلِ حَمْرَآءَ اَحْسَنُ لَوْنـاً مِنَ الزَّعْفَرانِ وَاَطْيَبُ رِيحاً مِنَ الْمِسْكِ ، فَاِذا فِيهَا شَيْخٌ عَلى رَأْسِهِ بُرْنُسٌ ، فَقُلْتُ لِجِبْرَئِيلَ : ما هذِهِ الْبُقْعَهُ الْحَمْرآءُ الَّتِى هِىَ اَحْسَنُ لَوْناً مِنَ الزَّعْفَرانِ وَاَطْيَبُ رِيحاً مِنَ الْمِسْكِ ؟

قَالَ : بُقْعَهُ شِيعَتِکَ وَشِيعَهِ وَصِيِّکَ عَلِيٍّ . فَقُلْتُ : مَنِ الشَّيْخُ صاحِبُ الْبُرْنُسِ ؟

قـالَ : اِبْلِيسُ . قُلتُ : فَمـا يُريـدُ مِنْهُمْ ؟ قالَ : يُرِيـدُ اَنْ يَصُـدَّهُمْ عَنْ وِلايَهِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَـدْعُوهُمْ اِلَى الْفِسْقِ وَالْفُجُورِ . فَقُلْتُ : يا جِبْرَئِيلُ اَهْوِ بِنا اِلَيْهِمْ ، فَاَهْوى بِنا اِلَيْهِمْ اَسْرَعُ مِنَ الْبَرْقِ الْخاطِفِ وَالْبَصَرِ اللاّمِعِ .

فَقُلْتُ : قُمْ يا مَلْعُونُ ! فَشَارِكْ اَعْدائَهُمْ فى اَمْوالِهِمْ وَاَوْلادِهِمْ وَنِسائِهِمْ ، فَإِنَّ شـيعَتى وَشيعَهَ عَلِيٍّ لَيْسَ لَکَ عَلَيْهِمْ سُلْطانٌ . فَسُمِّيَتْ قُمْ » :(۱)

پاورقی

۱ گنجینه آثار قم ، عباس فیض ، ج۱ ، ص۸۸ .

رسول خدا(صلى الله عليه وآله وسلم) مى فرمايد : « هنگامى كه خداوند مرا به آسمانها عروج داد ، جبرئيل مرا بر شانه راستش حمل مى كرد ; در اين هنگام به سرزمينى در « ارض جبل » نگاه كردم كه سرخ رنگ و خوش رنگتر از زعفران و خوشبوتر از مشك بود . ناگهان ديدم در آن سرزمين پيرى قرار دارد كه كلاه درازى بر سر نهاده است . از جبرئيل پرسيدم : اين سرزمين سرخ رنگ و خوش رنگتر از زعفران و خوشبوتر از مشك كجاست ؟ گفت : جايگاه شيعيان تو و شيعيان وصىّ تو على(عليه السلام) است . گفتم : اين پيرمرد كيست ؟ گفت : ابليس است . گفتم : از آنها

چه می خوهد ؟ گفت : می خواهد تا آنان را از دوستی و ولایت امیر المؤمنین(علیه السلام) بازدارد و به نافرمانی و گناه دعوتشان کند .

گفتم : ای جبرئیل ما را به آن مکان ببر . با حرکتی سریع تر از برق ما را به آنجا رساند .

گفتم : ای ملعون برخیز و برو ، و در اموال و اولاد و زنان دشمنان ایشان شرکت کن ، زیرا ، تو را بر شیعیان من و علی فرمانروایی نیست . « از این رو ، آن مکان قم نامیده شد » .

۲ قالَ الإمام الصّادِقُ(علیه السلام) : « اِنَّما سُمِّیَ قُمْ لِاَنَّ اَهْلَهُ یَجْتَمِعُونَ مَعَ قائِمِ آلِ مُحَمَّد وَیَقُومُونَ مَعَهُ وَیَسْتَقِیمُونَ عَلَیْهِ وَیَنْصُرُونَهُ (۲):

امام صادق(علیه السلام) می فرماید : « قم را ، قم نامیده اند زیرا اهل قم ، با قائم آل محمّد(علیه السلام)اجتماع می کنند و با آن حضرت (بر ضدّ طاغوتها) قیام می نمایند ، و با کمال استقامت و استواری به یاری او می پردازند » .

۳ قالَ الامام الْکاظِمُ(علیه السلام) : « قُمْ عُشُّ آلِ مُحَمَّد وَمَأْوَی شیعَتِهِمْ » :(۳)

پاورقی

۱ بحار ، ج ۶۰ ، ص۲۰۷ .

۲ همان ، ص۲۱۶ .

۳ همان ، ص۲۱۴ .

امام کاظم(علیه السلام) فرمود : « قم آشیانه آل محمّد(صلی الله علیه وآله وسلم) و پناهگاه شیعیان آنهاست » .

۴ قالَ الامام الرِّضا(علیه السلام) : « اِنَّ لِلْجَنَّهِ ثَمانِیَهَ اَبْوَاب ، وَلِاَهْلِ قُمْ وَاحِد مِنْهَا ، فَطُوبَی لَهُمْ ، ثُمَّ طُوبَی لَهُمْ ، ثُمَّ طُوبَی لَهُمْ » : (۱)

حضرت رضا(علیه السلام) می فرماید : « بهشت دارای هشت در است

، یکی از آنها برای قمی هاست . پس سه مرتبه فرمود : خوشا به حالشان » .

۵ قالَ الامام الصّادِقُ(علیه السلام) : « سَیَأْتِی زَمانٌ تَکُونُ بَلْدَهُ قُمْ وَاَهْلُها حُجَّهً عَلَی الْخَلائِقِ وَذلِکَ فی زَمانِ غَیْبَهِ قائِمِنا اِلی ظُهُورِهِ » :(۲)

امام صادق(علیه السلام) فرمود : « زمانی می آید که شهر قم و اهل آن حجّت بر تمام مردم خواهند بود و این (موضوع) در زمان غیبت امام زمان(علیه السلام) می باشد تا ظهور آن حضرت » .

۶ قالَ الإمام الصّادِقُ(علیه السلام) : « تُرْبَهُ قُمْ مُقَدَّسَهٌ وَاَهْلُهامِنّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ لایُریدُهُمْ جَبّارٌ بِسُوء اِلاّ عُجِّلَتْ عُقُوبَتُهُ مالَمْ یَخُونُوا اِخْوانَهُمْ » :(۳)

امام صادق(علیه السلام) فرمود : « تربت قم مقدّس است و مردم قم از (شیعیان) ما هستند ، و ما هم از آنها هستیم ، هیچ ستمگری قصد بد ، به اهل قم نمی کند مگر اینکه در عذاب او تعجیل می شود تا وقتی که مردم به برادران (دینی) خود خیانت نکنند » .

۷ قالَ الإمام الصّادِقُ(علیه السلام) : « مَحْشَرُ النّاسِ کُلِّهِمْ اِلَی بَیْتِ الْمَقْدِسِ اِلاّ بُقْعَهً بِاَرْضِ الْجَبَلِ یُقالُ لَها : قُمْ فَإِنَّهُمْ یُحاسَبُونَ فی حُفَرِهِمْ وَیُحْشَرُونَ مِنْ حُفَرِهِمْ اِلی الْجَنَّهِ » :(۴)

امام صادق(علیه السلام) فرمود : « جایگاه حشر همه مردم به سوی بیت المقدس است ; مگر (مردم) سرزمینی از بلاد « جبل » که آن را « قم » گویند ، آنها در قبرهایشان (در همان سرزمین) به حسابشان رسیدگی می شود و از همانجا به سوی بهشت محشور خواهند شد » .

پاورقی

۱ بحار

، ج ۶۰ ، ص۲۱۵ .

۲ همان ، ص۲۱۳ .

۳ همان ، ص۲۱۸ .

۴ همان .

صفحه۲۵

۸ عَنِ الإمام الصّادِقِ(علیه السلام) : (اَنَّهُ(علیه السلام) اَشارَ اِلی عِیسَی بْنِ عَبْدِ اللهِ) فَقالَ : « سَلامُ اللهِ عَلی اَهْلِ قُمْ ، یُسْقِی اللهُ بِلادَهُمْ الْغَیْثَ وَیُنْزِلُ اللهُ عَلَیْهِمُ الْبَرَکاتِ وَیُبَدِّلُ اللهُ سَیِّئاتِهِمْ حَسَنات ، هُمْ اَهْلُ رُکُوع وَسُجُود وَقِیام وقُعُود ، هُمُ الْفُقَهاءُ الْفُهَماءُ ، هُمْ اَهْلُ الدِّرایَهِ وَالرِّوایَهِ وَحُسْنِ الْعِبادَهِ » :(۱)

امام صادق(علیه السلام) (به عیسی بن عبد الله قمی اشاره کرد) و فرمود : « سلام خدا بر اهل قم ، خدا شهرهایشان را از باران رحمتش سیراب گرداند و برکاتش را بر آنان فرود آرد و گناهانشان را به خوبیها و حسنات مبدّل فرماید ، آنها اهل رکوع و سجود و قیام و قعودند . آنان فقیه و دانشمند هستند . آنان اهل درک حقایق و روایت و عبادت نیکو می باشند » .

۹ قالَ اَبُو الصَّلْتِ الْهِرَوِی کُنْتُ عِنْدَ الرِّضا(علیه السلام) فَدَخَلَ عَلَیْهِ قَوْمٌ مِنْ اَهْلِ قُمْ فَسَلَّمُوا عَلَیْهِ فَرَدَّ عَلَیْهِمْ وَقَرَّبَهُمْ . ثُمَّ قالَ لَهُمْ : « مَرْحَباً بِکُمْ وَاَهْلاً ! فَاَنْتُمْ شِیعَتُنا حَقّاً » :(۲)

اباصلت می گوید : خدمت امام رضا(علیه السلام) بودم ، گروهی از اهل قم بر ایشان وارد شدند ، به امام سلام کردند . امام(علیه السلام) جواب سلامشان را داد و آنان را نزدیک خود نشاند سپس فرمود : « مرحبا بر شما ، خوش آمدید ! شما شیعیان راستین ما هستید » .

۱۰ قالَ الإمام الصّادِقُ(علیه السلام) : سَتَخْلُو کُوفَهُ مِنَ الْمُؤْمِنینَ وَیَأْزِرُ عَنْهَا الْعِلْمُ کَما تَأْزِرُ الْحَیَّهُ

فی جُحْرِهَا ، ثُمَّ یَظْهُرُ الْعِلْمُ بِبَلْدَه یُقَالُ لَهَا قُمْ ، وَیَصیرُ مَعْدِناً لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ » :(۳)

امام صادق(علیه السلام) فرمود : « کوفه بزودی از مؤمنان خالی می شود و علم از آن جمع می شود

پاورقی

۱ بحار ، ج۶۰ ، ص۲۱۷ .

۲ همان ، ص۲۳۱ .

۳ همان ، ص۲۱۳ .

همانطور که مار در لانه اش جمع می شود ، سپس علم و دانش در شهری که به آن « قم » می گویند ، ظاهر می شود و آنجا مرکز علم و فضیلت می گردد » .

۱۱ رَوی بَعْضُ اَصْحابِنا قالَ : کُنْتُ عِنْدَ اَبی عَبْدِاللهِ(علیه السلام) جالِساً اِذْ قَرَءَ هذِهِ الْآیَهَ : « فَاِذا جاءَ وَعْدُ اُولیهُما بَعَثْنا عَلَیْکُمْ عِباداً لَنا اُولی بَأْس شَدید فَجاسُوا خِلالَ الدِّیارِ وَکانَ وَعْداً مَفْعُولاً »(۱) . فَقُلْنا : جُعِلْنا فِداکَ ، مَنْ هؤُلاءِ ؟ فَقالَ ثَلاثَ مَرّات : « هُمْ وَاللهِ اَهْلُ قُمْ » :(۲)

یکی از اصحاب نقل کرده است : خدمت امام صادق(علیه السلام) نشسته بودم . امام(علیه السلام)این آیه را خواند : (فاذا جاءَ وَعْدُ اُولَیهُما . . .) : « هنگامی که نخستین وعده فرارسد مردانی پیکارجو را بر شما (بنی اسرائیل) فرستیم تا شما را سخت درهم کوبند تا بدانجا که برای بدست آوردن مجرمان خانه ها را جستجو کنند ، و این وعده قطعی الهی است » .

پس ما گفتیم : فدای شما شویم ، این پیکارجویان الهی کیانند ؟ امام سه بار فرمود : « بخدا قسم آنان مردم قم خواهند بود » .

۱۲ قالَ الإمام الکاظِمُ(علیه السلام) : « رَجُلٌ مِنْ اَهْلِ

قُمْ يَدْعُو النّاسَ اِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبَرِ الْحَديدِ ، لاتَزِلُّهُمُ الرِّياحُ الْعَواصِفُ وَلا يَمُلّونَ مِنَ الْحَرْبِ وَلا يَجْبُنُونَ وَعَلَى اللهِ يَتَوَكَّلُونَ وَالْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقينَ » :(۳)

امام کاظم(علیه السلام) فرمود : « مردی از قم ، مردم را بسوی حق دعوت می کند ، گروهی با او همراه می شوند که همانند پاره های آهن هستند ، تندبادهای حوادث آنان را نلغزاند ، و از جنگ خسته نشوند و نترسند ، و بر خدا توکّل کنند ، و عاقبت خیر برای پرهیزکاران خواهد بود » .

پاورقی

۱ اسراء ، آیه ۵ .

۲ بحار ، ج ۶۰ ، ص۲۱۶ .

۳ همان .

صفحه۲۷

۱۳ قالَ الْإمامُ الصّادِقُ(علیه السلام) : « اِنَّ اللهَ احْتَجَّ بِالْكُوفَهِ عَلى سائِرِ الْبِلادِ وَبِالْمُؤْمِنينَ مِنْ اَهْلِها عَلى غَيْرِهِمْ مِنْ اَهْلِ الْبِلادِ وَاحْتَجَّ بِبَلْدَهِ قُمْ عَلَى سائِرِ الْبِلادِ وَبِاَهْلِها عَلى جَميعِ اَهْلِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإنْسِ وَلَمْ يَدَعِ اللهُ قُمْ وَاَهْلَها مُسْتَضْعَفاً بَلْ وَفَّقَهُمْ وَاَيَّدَهُمْ » :(۱)

امام صادق(علیه السلام) فرمود : « خداوند « کوفه » را بر سایر شهرها حجّت قرارداد و مردم با ایمان آن را برای مردم دیگر شهرها حجّت قرار داده ، و شهر قم را حجّت بر شهرهای دیگر و مردم آن را حجّت بر تمام مردم مشرق و مغرب (از جنّ و انس) قرارداد ، خداوند قم و مردم آن را رها نکرده تا مستضعف (فکری و فرهنگی) شوند بلکه آنان را موفق و تأیید کرده است » .

۱۴ قالَ الْإمامُ الصّادِقُ(علیه السلام) : « اِنَّ لِلّهِ حَرَماً وَهُوَ مَكَّهُ وَاِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَماً وَهُوَ الْمَدينَهُ ، وَاِنَّ لِاَميرِ الْمُؤْمِنينَ حَرَماً وَهُوَ

الْكَوفَهُ وَاِنَّ لَنا حَرَماً وَهُوَ قُمْ وَسَـتُدْفَنُ فيها اِمْرَأَهٌ مِنْ اَوْلادِی تُسَمّی فَاطِمَهَ ، فَمَنْ زارَها وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّهُ» . (قالَ الرّاوِی : وَکانَ هذَا الْکَلامُ مِنْهُ قَبْلَ اَنْ یُولَدَ الْکاظِمُ(علیه السلام)) :(۲)

امـام صـادق(علیـه السـلام) فرمـود : « براسـتی برای خـدا حرمی اسـت و آن مکّـه اسـت و برای رسولخـدا(صـلی الله علیـه وآله وسـلم)حرمی است و آن مـدینه می باشـد ، و برای امیر المؤمنین(علیه السـلام) حرمی است و آن کوفه است ، و برای مـا حرمی می باشـد و آن شـهر قم است . و در آینده ای نزدیک زنی از فرزندان من « به نام فاطمه » در آنجا دفن می شود ، کسـی که او را زیارت کند بهشت بر او واجب می شود » .

راوی می گوید : این فرمایش حضرت زمانی بود که هنوز موسی بن جعفر(علیه السلام) به دنیا نیامده بود .

پاورقی

۱ بحار ، ج ۶۰ ، ص۲۱۳ .

۲ همان ، ص۲۱۶ .

صفحه۲۸

علاوه بر این روایات ، ائمّه معصومین(علیهم السـلام) اهل قم و بعض بزرگان آنها را مورد عنایات خاصه خود قرار می دادند و برای آنـان هـدایا و خلعتی هـایی مثـل انگشتری و پارچه کفنی می فرسـتادند ،(۱) و درباره بعضـی از بزرگان آن دیار سـخنان ارزنده ای فرمودند که به نمونه هایی از آنها اشاره می شود :

۱ حضـرت رضـا(علیـه السـلام) بـه زکریّا بن آدم ، که قصـد بیرون رفتن از شـهر قم را داشت فرمـود : « از قم بیرون نرو همـانا خداوند به خاطر تو بلا را از اهل قم دور می سازد همانطور که به وجود مبارک موسی بن جعفر(علیه

السلام) ، بلا را از اهل بغداد دور نمود » .(۲)

۲ امام صادق(علیه السلام) درباره عیسی بن عبدالله قمی فرمود : « تو از ما اهل بیتی » .

و باز حضرت فرمود : « عیسی بن عبدالله ، مردی است که زندگی و مرگ او با زندگی و مرگ ما هماهنگ بوده و گره خورده است » .(۳)

۳ امام صادق(علیه السلام) به عمران بن عبدالله قمی فرمود : « از خدا می خواهم که تو را و خانواده ات را در روز قیامت (که هیچ سایه ای نیست) در زیر سایه « رحمت » خود قرار دهد » .(۴)

پاورقی

۱ سفینه البحار ، ج۲ ، ص۴۴۷ .

۲ بحار ، ج ۶۰ ، ص۲۱۷ .

۳ معجم رجال الحدیث ، ج۱۳ ، ص۲۱۴ .

۴ همان ، ص۱۵۸ .

صفحه۲۹

بخش دوم : اجمالی از زندگانی حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)

اشاره

صفحه۳۰

دل در کنار حرمش عطر و بوی مدینه استشمام می کند و گویی در مکه بین صفا و مروه به دیدار یار رفته است . بوی بهشت دل و جان هر زائری را شاداب و با نشاط می کند . در حرمش همیشه بهار است ; بهار قرآن و دعا ، بهار ذکر و صلوات ، بهار یادآور شبهای قدر ، بهار گلدسته های نیایش و نیاز و سیراب نمودن جانهای تشنه ، هر مسافر خسته ای بعد از زیارت با خستگی بیگانه می شود . هر رهگذری با قدم نهادن در این حرم دیگر غریبه نیست ; همه او را می شناسند ، او آشنای دلهاست . اگر حرمش و گنبد و گلدسته های آن چشم را نوازش می دهد ، محبت

و عشقش ، نام و یادش ، جانها و دلها را آرامش می بخشد . چرا که این حرم ، حرم اهل بیت ، مدفن یادگار رسول ، نور چشم موسی بن جعفر (علیهما السلام) ، آینه تمام نمای عفاف و پاکی ، فاطمه ثانی است . او که خود دانش آموخته مکتب علوی و سرّی از اسرار خاندان نبوی بود که قبل از ولادت ، صادق آل محمّد (علیهم السلام) آمدنش را نوید داد .

دختری از تبار زهرا (علیها السلام) و چون او حامی ولایت و امامت و چونان زینب ، قافله سالاری شایسته . اگر فریاد زینب بنی امیه را رسوا کرد ، فریاد فاطمه معصومه بنی عباس را ; حرکت سیاسی الهی حضرت از مدینه به سوی مرو و خراسان حرکتی بود علیه طاغوت دوران ، هر چند به زیارت برادر و امام زمانش نائل نشد ولی ابلاغ پیام کرد :

صفحه ۳۱

او با حرکت از مدینه به همراه عده ای از خاندان پیامبر و ارادتمندان اهل بیت (علیهم السلام) ثابت کرد که درهمه اعصار قدرتهای مادی وطاغوتی دربرابر پرورش یافتگان اسلام ناب کوچکند . چنانکه زینب سلام الله علیها بر یزید خروش آورد « انّی استصغرک »: «من به تو به دیده حقارت می نگرم» ; این حرکت الهی ، سیاسی گر چه ناتمام ماند و بالاخره دختر آفتاب در این سفر پر برکت خویش به دیدار حق شتافت و با مرگ شهادت گونه اش همه را سوگوار ساخت . اما دیری نپایید که همه شاهد ثمرات ارزشمند این سفر مبارک شدند . آنگاه که از این کوثر بی کران عترت ، چشمه

هـای جوشـان علوم و معارف جوشـیدن گرفت و قم این حریم مقـدس فاطمی مرکز نشـر معارف حیاتبخش اسـلامی گردیـد و محور قیامها و خیزش های دینی بر علیه سـتم پیشـگان روزگار . و سـرانجام در قرن حاضر این حرم اهل بیت و قم همیشه بیدار بود که خاستگاه قیامی الهی به رهبری بزرگ تربیت یافته مکتب ولایت حضرت امام خمینی (رحمه الله) بر علیه ستمگران زمان گردید ; که ثمره آن انقلاب عظیم ، نظام مقدسی شد که نقطه امید مستضعفان وملجأ وپناهگاه مظلومان عالم شد.

این همه می طلبـد که مقـام والاـی این بـانوی بزرگ به همگـان بـویژه نسـل جوان معرفی شود و مـا مفتخریم که در این راسـتا اجمالی از زندگی و فضایل آن بزرگوار را در این بخش از کتاب جمع آوری نموده و به شـیفتگان خاندان عصمت تقدیم می نماییم .

صفحه ۳۲

فاطمه معصومه (علیها السلام) کیست ؟

نـام شـریف آن بزرگوار فـاطمه و القـاب ایشـان « معصومه » ، « کریمه اهلـبیت » ، « سـتّی » ، و « فـاطمه کبری » است . پـدرش حضرت موسی بن جعفر(علیه السلام) و مادرش نجمه خاتون مادر حضرت رضا(علیه السلام) است .(۱)

از ولادت تا هجرت

آن حضـرت اوّل ذی القعده سال ۱۷۳ه . ق در مـدینه منوّره به دنیا آمـد . و در سنّ ۲۸ سالگی در روز دهم(۲) یا دوازدهم(۳) ربیع الثّانی سال ۲۰۱ه . ق در شهر قم از دنیا رفت .

سفر مقدّس به شهر مقدّس

در سال ۲۰۱ه . ق ، یک سال پس از سـفر تبعیدگونه حضـرت رضا(علیه السـلام)به شـهر « مرو » حضرت فاطمه معصومه(علیها السـلام)همراه عـدّه ای از برادران خود برای دیـدار برادر و تجدید عهد با امام زمان خویش راهی دیار غربت شد . در طول راه به شـهر ساوه رسـیدند ، ولی در آنجا عده ای از مخالفین اهل بیت با مأموران حکومتی همراهی نموده و با همراهان حضرت به نبرد و جنگ پرداختند که عدّه ای از همراهان حضرت در این حادثه غم انگیز به شهادت رسیدند(۱) . حضرت در حالی که از غم و حزن بسـیار مریضه بود با احساس ناامنی در شهر ساوه فرمود : مرا به شهر قم ببرید ، زیرا از پدرم شنیدم که فرمود : « شهر قم مرکز شیعیان ما می باشد » ;(۲) سپس حضرت به طرف قم حرکت نمود .

پاورقی

۱ دلائل الامامه ، ص۳۰۹ .

۲ وسیله المعصومیّه ، ص۶۵ به نقل از نزهه الابرار .

۳ مستدرک سفینه البحار ، ج۸ ، ص۲۵۷ .

بزرگـان قم وقتی از این خبر مسـرّت بخش مطّلع شدنـد به اسـتقبال آن حضـرت شـتافتند و در حـالی که « موسـی بن الخزرج » بزرگ خاندان « اشـعری » زمام شتر آن مکرّمه را به دوش می کشـید ; ایشان در میان شور و احساسات مردم قم وارد آن شـهر مقدّس شد

و در منزل شخصی « موسی بن الخزرج » اجلال نزول فرمود .(۳)

آن بزرگوار هفده روز در شهر ولایت و امامت به سر برد و در این مدّت مشغول عبادت و راز و نیاز با پروردگار متعال بود و واپسین روزهای عمر پر برکت خویش را با خضوع و خشوع در برابر ذات پاک الهی به پایان رساند .

غروب مهتاب در شهر ستارگان

سرانجام آن همه شوق و شور و شعف ، از اجلال نزول کوکب ولایت و توفیق زیارت بانویی از تبار فاطمه اطهر ، با افول نجمه آسمان عصمت و طهارت ، مبدّل به دنیایی از حزن و اندوه شد ، و این غروب غم انگیز عاشقان امامت و ولایت را در سوک و عزا نشاند .

پاورقی

۱ زندگانی حضرت معصومه ، مهدی منصوری ، ص۱۴ (به نقل از ریاض الانساب ، تألیف ملک الکتّاب شیرازی) .

۲ دریای سخن ، سقازاده تبریزی ، نقل از ودیعه آل محمّد ، محمد صادق انصاری ، ص۱۲ .

۳ تاریخ قدیم قم ، ص۲۱۳ .

صفحه۳۴

در رابطه با علّت مریضی نابهنگام حضرت و مرگ زودرس آن بزرگوار گفته شده است(۱) که زنی در شهر ساوه ایشان را مسموم نمود که این مطلب با توجه به درگیری دشمنان اهل بیت با همراهان حضرت و شهادت عده ای از آنها « در ساوه » و جوّ نامساعد آن شهر و حرکت نابهنگام آن بزرگوار در حال مریضی به سوی شهر قم ، مطلبی قابل قبول می تواند باشد .

آری آن حضرت که می رفت زینبوار با سفر پربرکتش سند گویایی بر حقانیت امامت رهبران راستین و افشاگر چهره نفاق و

تزویر مأمونی باشد ، و هماننـد قهرمان کربلا پیام آور خون سـرخ برادری باشد که این بار مزوّرانه به قتلگاه (بنی عباس) برده می شـد ، ناگاه تقـدیر الهی بر این شـد که مرقـد آن بزرگ حامی خط ولایت و امامت برای همیشه تاریـخ ، فریادگر مبارزه با ظلم و بی عدالتی ستم پیشگان دوران و الهام بخش پیروان راستین تشیّع علوی در طول قرون و اعصار باشد .

مراسم دفن

بعد از وفات شـفیعه روز جزا آن حضـرت را غسل داده و کفن نمودند ، سـپس به سوی قبرستان « بابلان » تشییع کردند ولی به هنگام دفن آن بزرگوار « به خاطر نبودن محرم » « آل سعد » دچار مشکل شدند و سرانجام تصمیم گرفتند که پیرمردی به نام « قادر » این کار را انجام دهد .

پاورقی

۱ وسیله المعصومیّه ، میرزا ابوطالب بیوک ، ص۶۸ . قیام سادات علوی ، علی اکبر تشیّد ، ص۱۶۸ .

ولی قادر و حتّی بزرگان و صـلحاء شـیعه قم هم ، لایق نبودنـد عهـده دار این امر مهم شوند ; چرا که معصومه اهل بیت را باید امام معصوم به خاک سپارد .

مردم منتظر آمـدن « آن پیرمرد صالح » بودند ، که ناگهان دو سواره را دیدند که از جانب ریگزار به سوی آنان می آیند وقتی نزدیک جنازه رسـیدند ، پیاده شـده و بر جنازه نماز خواندنـد و جسم پاک ریحانه رسول خدا را در داخل سـردابی « که از قبل آماده شده بود » دفن کردند و بدون اینکه با کسی تکلّمی نمایند ، سوار شده و رفتند ، و کسی هم

آنها را نشناخت(۱) .

به قول یکی از بزرگان هیچ بعید نیست که این دو بزرگوار ، امامان معصومی باشند که برای این امر مهمّ به قم آمدند .(۲)

پس از به پایان رسیدن مراسم دفن ، موسی بن الخزرج سایبانی از حصیر و بوریا بر قبر شریف آن بزرگوار برافراشت و این سایبان برقرار بود تا زمانی که حضرت زینب دختر امام جواد(علیه السلام) وارد قم شد و قبّه ای آجری بر آن مرقد مطهّر بنا کرد .(۳)

و بدین سان تربت پاک آن بانوی بزرگ اسلام قبله گاه قلوب ارادتمندان به اهلبیت(علیهم السلام) و دارالشّفای دلسوختگان عاشق ولایت و امامت شد .

پاورقی

۱ تاریخ قدیم قم ، ص۲۱۴ .

۲ آیه الله فاضل لنکرانی « دام ظلّه » .

۳ سفینه البحار ، ج۲ ، ص۳۷۶ .

بخش سوم : فضائل و مناقب حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)

اشاره

از آنجا که معرفت و شناخت ائمّه طاهرین و اولیاء دین مبین ، همان شناخت فضائل و کمالات نفسانی آن بزرگواران است نه فقط آشنایی اجمالی با زندگینامه آنها ، در اینجا بعد از بیان اجمالی از زندگی کریمه اهل بیت(علیهم السلام) به ذکر شمّه ای از فضائل و مناقب آن حضرت می پردازیم :

شرافت خانوادگی

یکی از عالیترین فضائل آن حضرت انتساب ایشان به بیت وحی و رسالت و امامت است .

او « بنت رسول الله(صلی الله علیه وآله وسلم) » و « بنت ولیّ الله » و « اخت ولیّ الله » و « عمّه ولیّ الله » است و این امر خود سرچشمه سایر فضائل و کمالات معنوی و روحانی آن بزرگوار می باشد که زندگی در جوار امامان معصومی همچون « موسی بن جعفر » و « علیّ بن موسی الرّضا »(علیهما السلام) و بهره مند بودن از تعالیم عالیه آن رهبران راه نور و سعادت ، خود عامل اساسی در تعالی روح و تکامل درجات علمی و عملی آن حضرت بوده است . بنابر این می توان آن حضرت را الگو و نموداری از فضائل اهل بیت(علیهم السلام)دانست .

عبادت آن حضرت

بنا به تصریح آیه کریمه قرآن ، هدف از خلقت انسان چیزی جز عبادت و بندگی خداوند متعال نیست که : « وَما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ اِلّا لِیَعْبُدُونِ »(۱): « جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند (و از این طریق تکامل یافته و به من نزدیک شوند) » . آنان که به این هدف پی بردند در راه رسیدن به عالیترین مرتبه آن که حصول یقین و اطمینان و نفس مطمئنّه شدن است . سر از پا نمی شناسند و بهترین ساعات زندگی خود را زمان عبادت و راز و نیاز به درگاه ذات بی نیاز می دانند و در خلوت شب سر بر آستان دوست می نهند و راز دل با محبوب خویش می گویند و عاشقانه با او

به گفتگو می نشینند و به این آرزو زنده اند که در حال نماز و راز و نیاز به ملاقات حق بشتابند و مخاطب حضرتش قرار گیرند که : « یا اَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ ارْجِعی اِلی رَبِّکِ راضِیَهً مَرْضِیَّهً »(۲) : « ای روح آرامش یافته ! به سوی پروردگارت برگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است » .

یکی از عالیترین نمونه های عبادت و بندگی خدا از خاندان ولایت و امامت ، کریمه اهل بیت فاطمه معصومه(علیها السلام) است . او که عبادت و شب زنده داری هفده روزه اش در واپسین روزهای عمر شریفش ، گوشه ای از یک عمر عبودیّت و خضوع و خشوع آن زاده عبد صالح خدا در برابر ذات پاک الهی است و این بیت النّور(۱) و معبد و محراب به یادگار مانده آن صفیّه الله است که از برکات راز و نیازهای شبانه آن بضعه موسی(علیه السلام) تا دامنه قیامت هدایتگر و الهام بخش بندگان عاشق عبادت و ولایت می باشد و چه خوش سروده اند اهل ذوق که :

پاورقی

۱ سوره مبارکه ذاریات، آیه ۵۷.

۲ سوره مبارکه فجر ، آیه ۲۸ ۲۷ .

این جایگاه که آنقدر منوّر است

این سجده گاه دختر موسی بن جعفر است

و بر سر در آن مکان مقدّس این دو بیت به چشم می خورد که :

شده بنیاد این کاخ منوّر

به پاس دختر موسی بن جعفر

عبادتگاه معصومه است اینجا

کز اینجا قم شرافت یافت دیگر(۲)

عالمه و محدِّثه اهلبیت (علیهم السلام)

در فرهنگ اسلامی محدّثان راستین همواره از حرمت و منزلت ویژه ای برخوردار بوده اند ; محدّثان

و راویان درحفظ و حراست از گنجینه های معارف و ارزش های دینی و ذخایر گرانمایه مکتب تشیّع و رشد و تعالی فرهنگ غنی اسلامی نقش اوّل را داشته اند و حامل ودایع و امانت های گرانقدر الهی و رازدار اسرار آل رسول بوده اند .

پاورقی

۱ بیت النّور ، همان حجره ای است که آن حضرت در مدّت اقامت هفده روزه اش در منزل موسی بن الخزرج ، در آنجا مشغول عبادت بود که هم اکنون هم این حجره در میدان میر ، خیابان چهارمردان و در کنار مدرسه ستّیه برقرار است و مورد توجّه دوستداران اهل بیت(علیهم السلام)می باشد .

۲ فاطمه بنت موسی بن جعفر(علیه السلام) ، محمّد هادی الامینی ، ص۱۴۱ .

یکی از والاترین عناوینی که نشان دهنده بلندی مرتبه علم و آشنایی کریمه اهل بیت(علیهم السلام) با معارف بلند اسلام و مکتب حیاتبخش تشیّع است ; محدِّثه بودن آن حضرت می باشد که بزرگان علم حدیث احادیث و روایات رسیده از آن حضرت را در کتابهای خود نقل نموده اند ، روایاتی که به خاطر داشتن مضمونی ولایی خود شاهد صدقی بر ولایت محوری بودن آن محدِّثه آل طه و عالمه آل محمد(صلی الله علیه وآله وسلم) می باشند که در جای خود این روایات ذکر خواهند شد .

او معصومه است

گر چه مقام عصمت از گناه و مصون بودن از لغزشها « در عین قدرت بر خطا » مقامی است خاص انبیاء عظام و اوصیاء آنان به ویژه چهارده معصوم پاک(علیهم السلام) ; ولی بودند کسانی که به دلیل طاعت و بندگی مخلصانه پروردگار و اطاعت و پیروی کامل از رهروان

راه پاکی و وارستگی به درجه ای از تقوی و طهارت روحی رسیدند که از معاصی و رذایل اخلاقی دور مانده و دامن روح و جان خویش را از ناپاکی ها زدودند .

فاطمه معصومه(علیها السلام) که خود پرورش یافته مکتب ائمّه طاهرین(علیهم السلام)و یادگار صاحبان آیه تطهیر است ، نمونه عالیی از طهارت و پاکی است به گونه ای که خاصّ و عام او را بعنوان معصومه شناخته اند تا بدانجا که بعضی از بزرگان(۱) ایشان را فردی برخوردار از طهارت ذاتی و تالی تلو معصومین (علیهم السلام) دانسته و حضرت رضا (علیه السلام) به ایشان لقب معصومه داده و فرمود : « مَنْ زارَ الْمَعْصُومَهَ بِقُمْ کَمَنْ زارَنی » :(۱)

پاورقی

۱ آیه الله حسن زاده آملی ، در همایش بررسی شخصیت فاطمه معصومه (علیها السلام) ، دانشگاه قم.

صفحه ۴۲

کسی که « فاطمه معصومه » را در قم زیات کند مثل آن است که مرا زیارت کرده باشد» . و در یکی از فرازهای زیارت دوّم حضرت آمده است که : « السَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الطّاهِرَهُ الْحَمیدَهُ الْبَرَّهُ الرَّشیدَهُ التَّقِیَّهُ النَّقِیَّهُ » :(۲) « سلام بر تو ای بانوی پاک و ستایش شده ، نیکوکردار و هدایت شده ، پرهیزگارِ وارسته » .

کریمه اهلبیت (علیهم السلام)

انسان در اثر عبادت و بندگی خداوند متعال می تواند به جایی برسد که مظهر اراده حق و واسطه فیض الهی گردد ; این ثمره عبودیّت و اطاعت کامل از ذات اقدس الهی است چنانچه خود در حدیث قدسی می فرماید : « یَابْنَ آدَمَ اَنَا اَقُولُ لِلشَّیْءِ کُنْ فَیَکُونُ ، اَطِعْنی فیما اَمَرْتُکَ اَجْعَلُکَ تَقُولُ لِلشَّیْءِ کُنْ فَیَکُونُ » :(۳) « فرزند

آدم . . . مرا اطاعت کن تا تو را چنان نمایم که (به عنایت من) هر آنچه را اراده کنی همان شود » .

امام صادق(علیه السلام) هم می فرماید : « اَلْعُبُودِیَّهُ جَوْهَرَهٌ کُنْهُهَا الرُّبُوبِیَّهُ » :(۴) « بندگی خداوند گوهری است که نهایت و باطن آن فرمانروایی بر موجودات است » .

پاورقی

۱ ناسخ التواریخ ، ج۷ ، ص۳۳۷ .

۲ انوار المشعشعین ، شیخ محمّدعلی قمی ، ص۲۱۱ .

۳ مستدرک الوسائل ، ج۲ ، ص۲۹۸ .

۴ مصباح الشریعه ، باب ۱۰۰ .

اولیاء خداوند متعال که در راه بندگی و اطاعت گوی سبقت را از دیگران ربوده و این راه را خالصانه پیموده اند هم در زندگی پربرکت خویش و هم بعد از آن ، منشأ کرامات و عنایاتی بوده اند که آثار یک عمر اخلاص و وارستگی آنها است .

و از دیرزمان آستان قدس فاطمی منشأ هزاران کرامت و عنایت ربّانی بوده است و چه قلب های ناامیدی که سرشار از امید به فضل و کرم الهی و چه دست های تهی که سرشار از رحمت ربوبی و چه انسانهای بریده از همه جا و ناامید از همه کس که با دلی شاد و روحی پیوسته به ابدیت از درگاه پرفیض و کرم این کریمه اهل بیت(علیهم السلام)برگشته و برای خود زندگیی بر اساس ایمانی مستحکم به ولای اولیاء حق ، بنا نهادند .

این ها همه ، نشانه بزرگی و عظمت روح آن بنده شایسته و پیوسته به منبع فیض و کرم بی پایان خدای فیّاض و کریم است . « نمونه هایی از کرامات آن بزرگوار به

زودی ذکر خواهد شد » .

مقام شفاعت آن حضرت

شکّی نیست که داشتن حقّ شفاعت و رسیدن به این مقام عظیم ، شایستگی لازم را می طلبد چرا که خداوند شفاعت کسانی را می پذیرد که مأذون و مجاز از طرف او باشند « یَوْمَئِذ لاتَنْفَعُ الشَّفاعَةُ اِلاّ مَنْ اَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ » :(۱)« روز قیامت شفاعت کسی فایده نبخشد جز آن که خدا اجازه شفاعتش داده باشد » . و این اذن به کسانی داده می شود که به مرتبه عالی از قرب الهی و بندگی خالصانه پروردگار رسیده باشند که در رأس آنها انبیاء و ائمّه معصومین(علیهم السلام)هستند و بعد از آنها این بندگان خالص حق و اولیاء مقرّب درگاه خدایند که هر کدام در حدّ مقام و درجه معنوی خویش حق شفاعت دارند « از علماء و شهداء و فرزندان شایسته امامان معصوم(علیهم السلام) » .

پاورقی

۱ طه ، آیه ۱۰۹ .

از جمله کسانی که به شفیعه بودنش در روایات و آثار دینی تصریح شده است ، فاطمه معصومه(علیها السلام) است :

امام صادق(علیه السلام) می فرماید : « تَدْخُلُ بِشَفاعَتِها شیعَتِیَ الْجَنَّةَ بِاَجْمَعِهِمْ » :(۱) « به شفاعت او (فاطمه معصومه) همه شیعیانم وارد بهشت خواهند شد » .

و در زیارت آن حضرت به « دستور امام معصوم(علیه السلام) » گفته می شود که : « یا فاطِمَةُ اشْفَعی لی فی الْجَنَّهِ » : « ای فاطمه معصومه ! برای من نزد خدا درباره بهشت شفاعت کن » . و این خود نشان دهنده شأن و مقام بسیار عظیم آن شفیعه روز جزا است چنانچه در فراز دیگری از زیارت مخصوص آمده است

که : « فَإنَّ لَکِ عِنْدَ اللهِ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ » .(۲) یعنی : این که ما از تو طلب شفاعت می نماییم به خاطر این است که تو در محضر الهی شأن و منزلت وصف ناپذیر داری ، که بر خاک نشینان این عالم قابل تصوّر نیست و تنها خدا و پیامبر و اوصیاء طاهرینش بر آن واقفند .

پاورقی

۱ سفینه البحار، ج۲، ص۳۷۶.

۲ بحار ، ج۱۰۲ ، ص۲۶۶ .

صفحه۴۵

فضیلت زیارت حضرت

روایات درباره فضیلت زیارت آن بانوی برگزیده اسلام بهترین سند در رابطه با فضایل آن بزرگوار است ، که امامان معصوم پیروان خود را تشویق و توصیه به زیارت مرقد نورانی ایشان فرمودند و پاداش عظیمی برای آن بیان کردند که چنین پاداشی در باب زیارت اولاد موسی بن جعفر(علیه السلام) بعد از حضرت رضا(علیه السلام) بی سابقه است ; ما در اینجا چند روایت را ذکر می کنیم :

۱ امام رضا(علیه السلام) فرمود : « مَنْ زارَها فَلَهُ الْجَنَّهُ » :(۱) « کسی که (فاطمه معصومه) را زیارت کند سزاوار بهشت خواهد بود » .

۲ امام جواد(علیه السلام) فرمود : « مَنْ زارَ قَبْرَ عَمَّتِی بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّهُ » :(۲) « کسی که قبر عمّه ام را در قم زیارت کند سزاوار بهشت است » .

۳ امام رضا(علیه السلام) فرمود : « مَنْ زارَها عارِفاً بِحَقِّها فَلَهُ الْجَنَّهُ » :(۳) « کسی که (فاطمه معصومه) را زیارت کند (در حالی که معرفت به حق او داشته باشد) پاداش او بهشت است» .

۴ امام صادق(علیه السلام) فرمود : « اِنَّ لِلّهِ حَرَماً وَهُوَ

مَكّهُ وَلِلرَّسُولِ حَرَماً وَهُوَ الْمَدينَهُ ، وَلِاَميرِ الْمُؤْمِنينَ حَرَماً وَهُوَ الْكَوفَهُ وَلَنا حَرَماً وَهُوَ قُمْ وَسَتُدْفَنُ فيها اِمْرَأَهٌ مِنْ وُلْدى تُسَمّى فاطِمَهَ ، مَنْ زارَها وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّهُ » :(۱) « برای خدا حرمی است و آن مکّه است و برای رسولخدا(صلی الله علیه وآله وسلم)حرمی است و آن مدینه می باشد و برای امیرالمؤمنین(علیه السلام)حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن شهر قم می باشد و بزودی زنی از فرزندان من در آنجا دفن خواهد شد که نامش (فاطمه) است ; هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب خواهد شد » .

پاورقی

۱ بحار ، ج۱۰۲ ، ص۲۶۵ .

۲ همان .

۳ همان ، ص۲۶۶ .

صفحه۴۶

این روایت با توجه به اینکه قبل از ولادت موسی بن جعفر(علیه السلام) از امام صادق(علیه السلام) صادر شده است دلیل بسیار روشنی است بر اینکه آمدن حضرت فاطمه معصومه به قم و دفن آن بزرگوار در حرم اهل بیت جزء اسرار غیبی بوده و تحقّق آن خود دلیل روشنی بر حقّانیّت مکتب امامان معصوم(علیهم السلام)می باشد .

پاورقی

۱ همان ، ص۲۶۷ .

صفحه۴۷

بخش چهارم : روایاتی از حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)

اشاره

قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) :

« اِنّی تارِکٌ فِیْکُمُ الثِّقْلَیْنِ أَما إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِما لَنْ تَضِلُّوا کِتابَ اللهِ وَعِتْرَتی . . . » (۱).

پیامبر اسلام در واپسین روزهای عمر خویش در حالی که امواج سهمگین فتنه و نفاق را فرا روی امّت اسلامی نظاره می کرد و نگران آینده جامعه اسلامی بود با ابلاغ پیامی هدایتگر پرده های فریب و نفاق را کنار زد و کشتی نجات را به گاه هجوم

امواج فتنه ها معرّفی فرمود و ساحل نجات را بر همگان ارائه نمود .

آخرین پیام حضرت چیزی جز همان حدیث ثقلین نبود ; که در آن هدایت رهروان خویش را در گرو تمسّک به قرآن و عترت قرارداد و آن دو را تنها محور اساسی شریعت و یگانه عامل بقای دیانت دانست .

این همه نبود جز برای این که راه دست یابی به احکام و معارف نورانی قرآن کریم روشن شود و راه ورود بدعت ها و اندیشه های شیطانی دنیا پرستان در متن دین مسدود گردد . چرا که این معارف قرآنی برگرفته از عارفان راستین حقایق دینی است که جامعه دینی را از سرچشمه حیاتبخش آن کتاب انسان ساز سیراب و منافقان و دین سازان طول تاریخ را از رسیدن به اهداف شوم خود محروم می سازد .

پاورقی

۱ بحار ، ج۲۳ ، ص۱۴۱ .

با این همه ، شب پرستان روزگار نبوی بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به همراهی و همآوایی مردمانی سست باور ، ندای شوم « حسبنا کتاب الله » سردادند و از همراهی قرآن و عترت جلوگیری کردند و در راه نیل به اهداف شیطانی ایشان چه سخنان نورانی نبوی که سوخته شد و چه دُرهای گرانبهایی که ناگفته در سینه ها ماند و چه فریادگران حدیث نور که از جور زمانه لب فروبسته و از دیار وحی رانده شده و در صحرای غربت جان سپردند . زبان بریده میثم بر دار رفته و پیکر بی دست و پای رشید هجری و تن تفتیده ابوذر در غربت آباد ربذَه خود گواه بی نهایت ستمی است

که در حقّ اهل بیت و پیروان راستینش روا داشتند .

امّا در این دوران غمبارِ غربت عترت هم ، منادیان حقّ و راویان آگاه شیعه از پای ننشسته و چوبه دار بر دوش سخنان نورانی و فضایل اهل بیت را ترویج می نمودند . تا آن که دوران جدایی قرآن و عترت به سر آمد و هر کدام جایگاه حقیقی خویش را یافت و برای حاملان راستین وحی الهی فرصتی فراهم آمد و در عصر صادقین (علیهما السلام) سرچشمه فیاض علوم اهل بیت جوشیدن گرفت و تشنگان معارف الهی از آب زلال کوثرِ قرآن و عترت سیراب گردیدند .

از آن دوران ، تربیت یافتگان مکتب امامت بر ثبت و نشر سخنان درربار خاندان رسالت همّت گماشتند و با ترویج آثار ارزشمند امامان معصوم (علیهم السلام)مبانی اعتقادی جامعه و پایگاه ارزشهای دینی را تحکیم بخشیدند ، و در طول قرون و اعصار هویت دینی امّت مسلمان را حفظ و از شریعت نبوی و مکتب علوی پاسداری نمودند .

صفحه ۵۰

که از جمله این پاسداران امین گنجینه های گرانقدر ولایت و امامت محدِّثه آل طه حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) است که چندین روایت را درباره ولایت نقل فرموده است که به بیان آنها می پردازیم :

حدیث غدیر و منزلت

۱ . . . عَنْ فاطِمَهَ بِنْتِ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضا ، حَدَّثَتْنی فاطِمَهُ وَزَیْنَبُ وَاُمُّ کُلْثُوم بَناتُ مُوسَی بْنِ جَعْفَر(علیه السلام) قُلْنَ حَدَّثَتْنا فاطِمَهُ بِنْتُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّد الصّادِقِ ، حَدَّثَتْنی فاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ ، حَدَّثَتْنی فاطِمَهُ بِنْتُ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ ، حَدَّثَتْنی فاطِمَهُ وَسَکینَهُ اِبْنَتا الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ اُمِّ کُلْثُوم بِنْتِ فاطِمَهَ بِنْتِ النَّبِیِّ(صلی الله علیه

وآله وسلم) عَنْ فاطِمَهَ بِنْتِ رَسُولِ اللهِ(صلی الله علیه وآله وسلم) . . . قالَتْ : « اَنَسیتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللهِ(صلی الله علیه وآله وسلم) یَوْمَ غَدیرِ خُمٍّ : « مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ » . وَقَوْلَهُ(صلی الله علیه وآله وسلم) : « اَنْتَ مِنِّی بِمَنْزِلَهِ هارُونَ مِنْ مُوسی » :(۱) « فاطمه دختر حضرت رضا نقل می کند از فاطمه (معصومه(علیها السلام)) و زینب و امّ کلثوم (دختران موسی بن جعفر(علیه السلام)) و آنها از فاطمه (دختر امام صادق(علیه السلام)) و او از فاطمه (دختر امام باقر(علیه السلام)) و ایشان از فاطمه (دختر امام سجّاد(علیه السلام)) و او از فاطمه و سکینه (دختران امام حسین(علیه السلام)) و آنها از امّ کلثوم (دختر فاطمه زهراء(علیها السلام)) و او از فاطمه زهراء(علیها السلام) نقل می کند که آن حضرت (به مردم) فرمود : « آیا فراموش کردید فرمایش رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) را « در روز غدیر » ؟ که (به شما) فرمود : هرکس من مولی (و رهبر) اویم پس علی (بعد از من) مولی (و رهبر) اوست . و آیا فراموش کردید این فرمایش حضرت را ؟ که فرمود : (یا علی) نسبت تو به من همانند نسبت هارون به موسی(علیه السلام) است » . (یعنی : تویی وصیّ و جانشین من) .

پاورقی

۱ الغدیر ، ج۱ ، ص۱۹۶ .

حدیث دوستی آل محمّد (علیهم السلام)

۲ حضرت فاطمه معصومه(علیها السلام) از فاطمه دختر امام صادق(علیه السلام) و

او از فاطمه دختر امام باقر(علیه السلام) و او از فاطمه دختر امام سجّاد(علیه السلام) و او از فاطمه دختر امام حسین(علیه السلام) و او از زینب دختر امیرالمؤمنین(علیه السلام) و او از فاطمه زهراء(علیها السلام) نقل می کند که رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : « اَلا مَنْ ماتَ عَلَی حُبِّ الِ مُحَمَّد ماتَ شَهیداً » :(۱) « بدانید که هرکس با محبّت آل محمّد بمیرد ، شهید مرده است » .

مقام و منزلت امام علی (علیه السلام) و شیعیان آن حضرت

۳ فاطمه معصومه(علیها السلام) (به همان سند روایت اوّل) نقل می کند از فاطمه زهراء(علیها السلام) که پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : « در شب معراج ، داخل بهشت شدم ، آنجا قصری دیدم از دُرّ میان خالی ، که دارای دری بود آراسته به دُرّ و یاقوت و بر آن در پرده ای آویخته بود ; من سرم را بلند کردم ، دیدم بر آن نوشته شده است : « لا اِلهَ اِلاّ اللهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ ، عَلِیٌّ وَلِیُّ الْقَوْمِ » : « خدایی جز خدای یکتا نیست ; محمّد فرستاده خدا است ; علیّ ولیّ (و رهبر) مردم است » .

پاورقی

۱ آثار الحجه ، محمّد رازی ، ص۹ ، به نقل از اللؤلؤه الثمینه ، ص۲۱۷ .

و بر پرده نوشته بود : « بَخٍّ ، بَخٍّ ، مَنْ مِثْلُ شیعَهِ عَلِیٍّ ؟ » : « بَه ، بَه ، کیست مانند شیعه علی(علیه السلام) ؟ » ; داخل آن قصر شدم ، در آنجا قصری از عقیق سرخ میان خالی دیدم که دری داشت از نقره که

به « زبرجد » سبز مزیّن بود و بر آن در نیز پرده ای آویخته بود ، به بالا نگاه کردم ، دیدم بر آن در نوشته شده : « مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ ، عَلِیٌّ وَصِیُّ الْمُصْطَفی » : « محمّد رسول خداست ، علی جانشین « محمّد » مصطفی است » . و بر پرده نوشته شده بود : « بَشِّرْ شیعَةَ عَلِیٍّ بِطیبِ الْمَوْلِدِ . . . » . « بشارت بده شیعیان علی را به (حلال زادگی) » ; داخل آن قصر شدم ، قصری از زبرجد سبز میان خالی دیدم که بهتر از آن ندیده بودم ; این قصر دری داشت از یاقوت سرخ که آراسته به لؤلؤ بود و بر آن در پرده ای آویخته بود ; سرم را بلند کردم ، دیدم بر پرده نوشته شده : « شیعَةُ عَلِیٍّ هُمُ الْفائِزُونَ » . « تنها شیعیان علی رستگارند » . گفتم : ای جبرئیل این قصر برای کیست ؟ گفت : برای پسر عمو و جانشین تو علی بن ابی طالب است و همه مردم در روز قیامت عریان و پابرهنه محشور می شوند مگر شیعیان علیّ . . . »(۱) .

قم دیار ابرار

۴ حضرت معصومه(علیها السلام) وقتی در ساوه مریض شد به همراهانش فرمود : مرا به قم ببرید زیرا از پدرم شنیدم که فرمود : « قم مرکز شیعیان ما می باشد » .(۲)

پاورقی

۱ بحار ، ج۶۸ ، ص۷۶ .

۲ ودیعه آل محمّد ، ص۱۲ ; به نقل از : دریای سخن ، سقازاده تبریزی .

بخش پنجم : کرامات کریمه اهلبیت (علیهم السلام)

کرامات کریمه اهلبیت (علیهم السلام)

از آنجا که فاطمه معصومه(علیها السلام) از خاندانی است که در زیارت جامعه خطاب به ایشان آمده است : « عادَتُکُمْ الاِْحْسانُ وَسَجِیَّتُکُمُ الْکَرَمُ »(۱) کرامات و عنایات آستان مقدّسش فراوان و شامل حال خاص و عام بوده است : از بزرگانی همچون ملاّ صدرا و آیه الله بروجردی گرفته تا آن مسلمان عاشقی که از دور افتاده ترین کشور اسلامی به عشق زیارت و به امید عنایت به حریم قدس او راه یافته ، همگی را مورد لطف و عنایت کریمانه خود قرار داده است ; ولی با کمال تأسف این کرامات تا کنون ثبت و ضبط نشده است ، ما هم نمونه هایی برگزیده از کرامات آن حضرت را در اینجا می آوریم ; به امید آن که مجموع کرامات آن حضرت در اثری مستقل گردآوری شود .

کراماتی به نقل از آیه الله العظمی اراکی (رحمه الله)

* ایشان درباره خودشان فرمودند : « دستم ورم می کرد و پوست آن ترک برمی داشت به طوری که نمی توانستم وضو بگیرم

و ناچـار بودم برای نمـاز تیمم کنم و معالجـات هم بی اثر بود تا اینکه به حضـرت معصومه(علیها السـلام)متوسل شـدم و به من الهام شد که دستکش بدست کنم ، همین کار را کردم ; دستم خوب شد » .

پاورقی

۱ بحار ، ج۱۰۲ ، ص۱۳۲ .

صفحه۵۵

* ایشان فرمودنـد : « آقا حسن احتشام (فرزند مرحوم سـید جعفر احتشام که هر دو از منبری های قم بودند) نقل می کرد از آ شیـخ ابراهیم صاحب الزمانی تبریزی (که مرد با اخلاصـی بود) که من شبی در خواب دیدم بحرم مشـرف شدم خواسـتم وارد شوم گفتند حرم قرق

است برای اینکه فاطمه زهرا(علیها السلام) و حضرت معصومه(علیها السلام) در سر ضریح خلوت کرده اند و کسی را راه نمی دهند . من گفتم : مادرم سیّده است و من محرم هستم ، به من اجازه دادند ، رفتم دیدم که بله این دو نشسته اند و در بالای ضریح با هم صحبت می کنند از جمله صحبت ها این بود که حضرت معصومه(علیها السلام) به حضرت زهرا(علیها السلام) عرض کرد : حاج سید جعفر احتشام برای من مدحی گفته است و ظاهراً آن مدح را برای حضرت می خواند .

آ شیخ ابراهیم این خواب را در جلسه دوره ای اهل منبر که حاج سید جعفر احتشام هم در آن حضور داشت نقل می کند ; حاج احتشام می گوید : از آن شعرها چیزی یادت هست ؟ گفت : بله در آخر آن شعر داشت (دخت موسی بن جعفر) تا این را گفت ، حاج احتشام شروع کرد بگریه کردن و گفت : بله توی اشعار من این کلمه است » .(۱)

« حاج سید جعفر احتشام منبری با حالی بود و موقع روضه خواندن خودش هم گریه می کرد و بکّاء بود و بسیار گریه می کرد » .

پاورقی

۱ سروده ایشان در بخش اشعار ، خواهد آمد .

آقا حسن احتشام فرزند ایشان می گوید : « به ایشان گفتیم شما در آخر شعرتان یک تخلّصی داشته باشید مانند سایر شعرا » ، قبول نکرد تا با اصرار این شعر را گفت :

ای فاطمه بجان عزیز برادرت

بر احتشام لطف نما قصر اخضری

ایشان گفت : « قصر اخضر را لطف کردند »

. گفتم : « چطور ؟ » گفت : « همانجا که آقای مرعشی(رحمه الله) سجاده می انداختند ، آنجا را گچ کاری کردند و سنگ مرمر سبز رنگ قراردادند ، و قبر حاج احتشام در همان قسمت از مسجد بالاسر است این بود قصر اخضری که به ایشان عطا شد » .

* آقای حاج شیخ حسن علی تهرانی(رحمه الله) (جدّ مادری آقای مروارید) که از علماء بزرگ و شاگردان فاضل میرزای شیرازی محسوب می شدند و حدود ۵۰ سال در نجف به تحصیل علوم اشتغال داشتند ، ایشان برادری داشت بنام حاج حسین علی شال فروش که از تجار بازار بوده در تمام مدّتی که حاج شیخ مشغول تحصیل بودند ایشان ماهی ۵۰ تومان به او شهریه می داد تا اینکه برادر تاجر فوت می کند و جنازه او را به قم حمل می کنند و در آنجا دفن می نمایند .

حاج شیخ حسن علی (که در اواخر عمر در مشهد ساکن بودند) تلگرافی از فوت برادر مطلع می شود ، به حرم مشرف شده و به حضرت رضا عرض می کنند : « من خدمت برادرم را یکبار هم نتوانستم جبران نمایم جز همین که بیایم اینجا و از شما خواهش کنم که به خواهرتان حضرت معصومه(علیها السلام)سفارش ایشان را بفرمایید : تا کمک کاری ، بکند از برادرم » .

همان شب یکی از تجار که از قضیه اطلاع نداشت خواب می بیند که به حرم حضرت معصومه(علیها السلام) مشرف شده و آنجا می گویند : که حضرت رضا (رضی الله عنه) هم به قم تشریف آوردند : یکی

جهت زیارت خواهرشان ، و یکی جهت سفارش برادر حاج شیخ حسنعلی به حضرت معصومه(علیها السلام) .

او معنای خواب را نمی فهمد و آن را با حاج شیخ حسنعلی در میان می گذارد و ایشان می فرمایند: «همان شب که شما خواب دیدی من (در رابطه با برادرم) به حضرت رضا متوسل شدم و این خواب شما درست است » .

« مرحوم آقا سید محمدتقی خوانساری پس از شنیدن این خواب فرمود : از این خواب استفاده می شود که قم در حریم حضرت معصومه(علیها السلام)است ; باید حضرت امام رضا(علیه السلام) به قم تشریف فرما شوند و سفارش برادر حاج شیخ حسنعلی را به حضرت بفرمایند و الاّ خود حضرت امام رضا(علیه السلام)مستقیماً در کار مداخله نمی کند چون این در محدوده حضرت معصومه است و مداخله در این محیط نمی شود » .(۱)

جلال و جبروت فاطمه زهرا (علیها السلام)

آقای شیخ عبدالله موسیانی(۲) نقل فرمودند به این که حضرت آیه الله مرعشی نجفی به طلاّب می فرمود : « علّت آمدن من به قم این بود که پدر آسید محمود مرعشی نجفی (که از زهّاد و عبّاد معروف بود) چهل شب در حرم حضرت امیر(علیه السلام) بیتوته نمود که آن حضرت را ببیند ، شبی در (حال مکاشفه) حضرت را دیده بود که به ایشان می فرماید : سید محمود چه می خواهی ؟ عرض می کند : می خواهم بدانم قبر فاطمه زهراء(علیها السلام)کجاست ؟ تا آن را زیارت کنم

پاورقی

۱ ضبط صوتی ، تصویری این کرامات به نقل آیه الله اراکی در واحد فرهنگی آستانه موجود است .

۲ ایشان از

شاگردان آیه الله مرعشی(قدس سره) بودند .

حضرت فرموده بود : من که نمی توانم « بر خلاف وصیت آن حضرت » ، قبر او را معلوم کنم .

عرض کرد : پس من هنگام زیارت چکنم ؟ حضرت فرمود : خدا جلال و جبروت حضرت فاطمه(علیها السلام) را به فاطمه معصومه(علیها السلام) عنایت فرموده است ، هر کس بخواهد ثواب زیارت حضرت زهرا(علیها السلام) را درک کند به زیارت فاطمه معصومه(علیها السلام) برود .

آیه الله مرعشی می فرمودند : پدرم مرا سفارش می کرد که من قادر به زیارت ایشان نیستم امّا تو به زیارت آن حضرت برو ، لذا من به خاطر همین سفارش ، برای زیارت فاطمه معصومه(علیها السلام) و ثامن الأئمّه(علیهم السلام)آمدم و به اصرار مؤسس حوزه علمیه قم ، حضرت آیه الله حائری در قم ماندگار شدم .

آیه الله مرعشی در آن زمان می فرمودند : « شصت سال است که هر روز من اوّل زائر حضرتم » .

عنایت حضرت به زوّار مرقدش

آقای شیخ عبدالله موسیانی نقل کردند از حضرت آیه الله مرعشی نجفی : « که شب زمستانیی بود که من دچار بی خوابی شدم ; خواستم حرم بروم ، دیدم بی موقع است ، آمدم خوابیدم و دست خود را زیر سرم گذاشتم که اگر خوابم برد خواب نمانم ، در عالم خواب دیدم خانمی وارد اطاق شد « که قیافه او را به خوبی دیدم ولی آن را توصیف نمی کنم » به من فرمود : سیّد شهاب ! بلند شو و به حرم برو ; عدّه ای از زوّار من پشت در حرم از سرما هلاک می شوند ، آنها را

ایشان می فرمایند : من به طرف حرم راه افتادم ، دیدم پشت در شمالی حرم (طرف میدان آستانه) عدّه ای زوّار اهل پاکستان یا هندوستان (با آن لباسهای مخصوص خودشان) در اثر سردی هوا پشت در حرم دارند به خود می لرزند ، در را زدم ، حاج آقا حبیب (که جزء خدّام حضرت بود) با اصرار من در را باز کرد ، من از مقابل و آنها هم پشت سر من وارد حرم شدند و در کنار ضریح آن حضرت به زیارت و عرض ادب پرداختند ; من هم آب خواستم و برای نماز شب و تهجّد وضو ساختم » .

عنایت حضرت به زائر برادر

آقای شیخ عبدالله موسیانی نقل می کند : « که ما عازم مشهد مقدّس بودیم در حالی که در آنجا به جهت جمعیّت زیاد زوّار ، منزل به سختی پیدا می شد . من با اطّلاع از این جهت به حرم حضرت معصومه(علیها السلام)مشرّف شدم و خیلی خودمانی گفتم : بی بی جان ما عازم زیارت برادر شماییم ، خودتان عنایتی بفرمائید . ما عازم مشهد شدیم ، دیدیم منزل بسیار کمیاب است نزدیک حرم از تاکسی پیاده شدیم ، ناگهان دیدم جوانی از داخل کوچه به طرف من آمد و به من گفت : منزل می خواهید ؟ گفتم : بله ، گفت دنبال من بیا ، با او رفتم مرا داخل خانه اش برد ، اطاق بزرگ و خوبی را به ما داد ، ما وقتی در آنجا مشغول جابجایی وسایل بودیم ، خانم ایشان ما را برای نهار دعوت کرد ، بعد

از تشرّف به حرم و زیارت و نماز ، نهار را با آنها خوردیم .

صبح روز بعد ، خانم از ما سؤال کرد : شما چند روز در اینجا هستید ؟ گفتم ده روز . گفت ما به تهران می رویم ، این کلید خانه ، هر وقت که خواستید بروید ، کلید را بدهید به همسایه ما آقای رضوی (یا رضوانی) .

گفتم کرایه منزل چه می شود ؟ گفت ما صحبت آن را کرده ایم .

ما خیال کردیم مقصود ایشان صحبت درباره کرایه است با آقایی که بنا شد کلید را به او بدهیم .

چند روزی گذشت کسی آمد در خانه و گفت : من رضوی (یا رضوانی) هستم ، شما هر وقت که خواستید به قم بروید ، کلید را پشت آینه داخل اطاق بگذارید و در منزل را ببندید و بروید .

گفتیم : کرایه چه می شود ؟ گفت درباره کرایه با من صحبتی نکردند .

ده روز ما تمام شد ، خواستیم برگردیم ، دیدیم بلیط ماشین را باید چند روز پیش تهیه می کردیم و الآن تهیّه بلیط امکان ندارد ، خیلی ناراحت بودیم که من از صاحب ماشینی (که در نزدیک منزل ما ، ماشین خودش را پارک می کرد و در مسیر « تهران مشهد » مسافر جا به جا می کرد) خواستم ما را هم با خودش تا تهران ببرد . او گفت : من فردا حرکت نمی کنم ولی فردا شما را به قم می فرستم ; فردا ما را تا گاراژ ماشین برد و به مسئول دفتر گفت :

اینها از ما هستند و می خواهند به قم بروند ، او هم موافقت کرد و در بهترین جای ماشین به ما تعداد صندلی مورد نیازمان را داد و ناباورانه « بی بی » وسیله برگشت مان را هم مانند « منزل در مشهد » فراهم کرد » .(۱)

صفحه ۶۱

شفای طلبه جوان نخجوانی

حضرت آیه الله مکارم شیرازی « دام ظلّه » می فرماید : « بعد از فروپاشی شوروی سابق و آزاد شدن جمهوریهای مسلمان نشین (و از آن جمله جمهوری نخجوان) مردم شیعه نخجوان تقاضا کردند ، که عدّه ای از جوانان خود را به حوزه علمیه قم بفرستند تا برای تبلیغ در آن منطقه تربیت شوند . مقدّمات کار فراهم شد و استقبال عجیبی از این امر به عمل آمد . از بین (سیصد نفر داوطلب) پنجاه نفری که معدّل بالایی داشتند و جامعترین آنها بودند برای اعزام به حوزه علمیه قم انتخاب شدند . در این میان جوانی که با داشتن معدّل بالا ، به سبب اشکالی که در یکی از چشمانش وجود داشت انتخاب نشده بود با اصرار فراوان پدر ایشان ، مسئول مربوطه ناچار از قبول ایشان شد ، ولی هنگام فیلمبرداری از مراسم بدرقه از این کاروان علمی ، مسئول فیلمبرداری دوربین را روی چشم معیوب این جوان متمرکز کرده و تصویر برجسته ای از آن را به نمایش گذاشت . جوان با دیدن این منظره بسیار ناراحت و دل شکسته شد . وقتی کاروان به قم رسید و در مدرسه مربوطه ساکن شدند این جوان به حرم مشرّف شده و با اخلاص تمام متوسّل به

حضـرت می شود ، و در همـان حال خوابش می برد . در خواب عوالمی را مشاهـده کرده و بعـد از بیـداری می بینـد چشـمش سالم و بی عیب است .

پاورقی

۱ کرامات نقل شده از آقای شیخ عبدالله موسیانی توسط واحد سمعی ، بصری حرم ضبط صوتی ، تصویری شده است .

او بعد از شـفا یافتن به مدرسه برمی گردد ، دوسـتان او با مشاهده این کرامت و امر معجزه آسا ، دسـته جمعی به حرم حضـرت معصومه(علیها السلام)مشرّف شده و ساعتها مشغول دعا و توسّل می شوند .

وقتی این خبر به نخجوان می رسد آنها مصرّانه خواهان این می شوند که این جوان بعد از شفا یافتن و سلامتی چشمش به آنجا برگردد که باعث بیداری و هدایت دیگران و استحکام عقیده مسلمین گردد » .(۱)

منبع فیض الهی

مرحوم محـدّث قمی می فرمایـد از بعض اساتیـد خود شـنیدم که : « مرحوم ملاصـدرای شـیرازی به خاطر بعضـی مشـکلات از شیراز به قم مهاجرت فرمود و در قریه کهک اقامت نمود ; آن حکیم فرزانه هرگاه مطالب علمی بر او مشکل می شد به زیارت حضـرت فـاطمه معصومه می آمـد و با توسل به آن بزرگوار مشـکلات علمی برای ایشان حلّ می شـد و از آن منبع فیض الهی مورد عنایت قرار می گرفت » .(۲)

پاورقی

۱ ضبط صوتی ، تصویری این کرامت به نقل حضرت آیه الله مکارم « دام ظلّه » در واحد فرهنگی آستانه موجود است .

۲ فوائد الرضویه ، ص۳۷۹ ، با تصرف .

شفای مرد نصرانی

مرحوم محدّث نوری نقل فرمودند که : « در بغداد مردی نصرانی به نام « یعقوب » مبتلا به مرض استسقاء بود که از معالجه آن ناامیـد شده بودند و به طوری بدنش ضـعیف شده بود که توان راه رفتن نداشت . او می گوید : مکرّر از خدا مرگم را خواسـته بودم تا آنکه در سال ۱۲۸۰ه . ق در عالم خواب سیّد جلیل القدر نورانی را دیدم که کنار تختم ایسـتاده ، و به من گفت : اگر شفا می خواهی بایـد به زیارت کاظمین بیایی . از خواب بیدار شدم و خوابم را به مادرم گفتم . مادرم که مسیحی بود گفت : این خواب شیطانی است . دو مرتبه خوابم برد . این مرتبه زنی را در خواب دیدم با چادر و روپوش که به من گفت : برخیز که

صبح شد آیا پدرم با شما شرط نکرد که او را

زیارت کنی و ترا شفا بخشد ؟ گفتم پدر شما کیست ؟ گفت : « موسی بن جعفر » . گفتم شما کیستی ؟ فرمود : من معصومه خواهر رضا هستم . از خواب بیدار شدم و متحیّر بودم که به کجا بروم ; به ذهنم آمد که بخدمت « سیّد راضی بغدادی » بروم . به بغداد رفتم تا به در خانه او رسیدم ، در زدم ، صدا آمد کیستی ؟ گفتم در را باز کن . همین که سیّد صدایم را شنید به دخترش گفت : در را باز کن که یک نفر نصرانی است آمده مسلمان شود . وقتی بر او وارد شدم گفتم : از کجا دانستید که من چنین قصدی دارم ؟ فرمود : جدّم در خواب مرا از قضیّه خبر داد . او مرا به کاظمین نزد شیخ عبدالحسین تهرانی برد ; داستان خود را برایش گفتم ، دستور داد مرا به حرم مطهر حضرت کاظم(علیه السلام) بردند و مرا دور ضریح طواف دادند عنایتی نشد ; از حرم بیرون آمدم احساس تشنگی کردم ; آب آشامیدم ،

حالم منقلب شد و روی زمین افتادم ، گویا کوهی بر پشتم بود و از سنگینی آن راحت شدم . ورم بدنم از بین رفت و زردی صورتم به سرخی مبدّل شد و دیگر اثری از آن مرض ندیدم . خدمت شیخ بزرگوار رفتم و به دست ایشان مسلمان شدم . . . » (۱).

شفای مفلوج

حجه الاسلام والمسلمین آقای شیخ محمود علمی اراکی نقل کرد که : «من خودم مکرّر دیدم شخصی را که « از پا عاجز و ناتوان بود

که پاهایش جمع نمی شد وقسمت پایین بدن را روی زمین می کشید و با تکیه به دو دست حرکت می کرد » از حالش پرسیدم اهل یکی از شهرهای قفقاز شوروی بود ، گفت : رگهای پایم خشکیده است و قادر به راه رفتن نیستم ; رفتم مشهد از حضرت رضا شفا بگیرم نتیجه ای نگرفتم ; آمده ام اینجا (قم) انشاء الله شفا بگیرم .

در یکی از شبهای ماه رمضان بود ، شنیدیم نقارخانه حرم (طبق معمول) به صدا درآمد و گفتند : بی بی شخص فلجی را شفا داده است ; ما که بعداً با درشکه با چند نفر از همراهان به اراک می رفتیم در شش فرسخی اراک ، همان شخص ناتوان را دیدم که با پاهای صحیح و سالم عازم کربلا است و معلوم شد که آن روز او بوده که شفا گرفته ، او را به درشکه سوار کردیم و تا اراک همراه ما بود » .(۲)

پاورقی

۱ دار السّلام ، ج۲ ، ص۱۶۹ .

۲ زندگانی حضرت معصومه ، سیّد مهدی صحفی ، ص۴۷ .

شفای پادرد و تقدیر از عزاداری اهل بیت (علیهم السلام)

حضرت آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری نقل فرمودند که : « شخصی بود به نام آقا جمال ، معروف به « هژبر » ، دچار پادرد سختی شده بود به طوری که برای شرکت در مجالس ، بایستی کسی او را به دوش می گرفت و کمک می کرد ، عصر تاسوعا آقای هژبر به روضه ای که در مدرسه فیضیه از طرف آیه الله حائری تشکیل شده بود ، آمد . آقا سید علی سیف (خدمتگزار

مرحوم آیه الله حـائری) که نگاهش به او افتاد به او پرخاش کرد که : سیّد این چه بساطی است که درآورده ای ، مزاحم مردم می شوی ، اگر واقعاً سیّدی برو از بی بی شـفا بگیر . آقـا هژبر تحت تأثیر قرار گرفت و در پایان مجلس به همراه خود گفت : مرا به حرم مطهّر بـبر ، پس از زیـارت و عرض ادب بـا دل شکسـته حـال تـوجّه و توسّـلی پیـدا کرد و سیّد را خواب ربود . در خواب دیـد کسـی به او می گویـد : بلنـد شو . گفت : نمی توانم . گفته شد : می توانی بلند شو و عمارتی را به او نشان داده و گفت : این بنا از حاج سیّد حسین آقاست که برای ما روضه خوانی می کند ، این نامه را هم به او بده . آقای هژبر ناگهان خود را ایسـتاده دید که نامه ای در دست دارد و نامه را به صاحبش رساند و می گفت : ترسـیدم اگر نامه را نرسانم دردپا برگردد و کسـی از مضـمون نامه مطّلع نشـد حتّی آیه الله حائری ، ایشان فرمودنـد : که از آن به بعد آقای هژبر عوض شد گوئی از جهان دیگریست و غالباً در حال سکوت و یا ذکر خدا بود » .(۱)

پاورقی

۱ همان ، ص۴۵ .

صفحه۶۶

نجات گمشده و عنایت به زائرین

خـادم و کلیـددار حرم و مکـبّر مرحـوم آقـای روحـانی (کـه از علمـای قـم و امـام جمـاعت مسـجد امـام حسـن عسـکری(علیه السلام)بوده اند) می گوید : « شبی از شبهای سرد زمستان در خواب حضرت معصومه(علیها السلام) را دیدم که

فرمود : بلند شو و بر سر مناره ها چراغ روشن کن . من از خواب بیدار شدم ولی توجّهی نکردم . مرتبه دوّم همان خواب تکرار شد و من بی توجهی کردم در مرتبه سوّم حضرت فرمود : مگر نمی گویم بلند شو و بر سر مناره چراغ روشن کن ! من هم از خواب بلند شده بدون آنکه علّت آنرا بدانم در نیمه شب بالای مناره رفته و چراغ را روشن کردم و برگشته خوابیدم .

صبح بلند شدم و درب های حرم را باز کردم و بعد از طلوع آفتاب از حرم بیرون آمدم با رفقایم کنار دیوار و زیر آفتاب زمستانی نشسته ، صحبت می کردیم که متوجّه صحبت چند نفر زائر شدم که به یکدیگر می گفتند : معجزه و کرامت این خانم را دیدید ؟ ! اگر دیشب در این هوای سرد و با این برف زیاد ، چراغ مناره حرم این خانم روشن نمی شد ما هرگز راه را نمی یافتیم و در بیابان هلاك می شدیم .

خادم می گوید : من نزد خود متوجّه کرامت و معجزه حضرت و نهایت محبّت و لطف او به زائرینش شدم » .(۱)

پاورقی

۱ ودیعه آل محمّد ، محمّد صادق انصاری ، ص۱۴ .

صفحه۶۷

مبتلای به جنون

آقای میرسیّد علی برقعی فرمودند : « مردی اظهار می داشت که من در ایّامی که سفیر ایران در عراق بودم ، عیالم مبتلا به جنون شد به طوری که کُند به پاهایش زدیم ؛ روزی از سفارتخانه به منزل آمدم حال او را بسیار منقلب و آشفته دیدم ، داخل اطاق مخصوص خود شدم و از همانجا

متوسّل شدم به مولا اميرالمؤمنين(عليه السلام) و عرض كردم يا على چند سال است كه در خدمت شما هستم و غريب و تنهايم شفاى همسرم را از شما مى خواهم . همين طور در حال تحيّر بودم كه خدايا چه بكنم ؟ ! كه يك مرتبه خادمه منزل دويد و گفت : آقا بياييد ، گفتم همسرم فوت كرد ؟ گفت : خير بهتر شد . من با عجله نزد عيالم رفتم ، ديدم با حال طبيعى نشسته ، عيالم به من گفت : اين چه وضع است ، چرا به پاهاى من كُند زديد ؟ ! براى او توضيح دادم بعد گفتم چه شد كه شما يكمرتبه بهتر شديد ؟ گفت : در همين ساعات خانم مجلّله اى داخل اطاق شد گفتم : شما كيستيد؟ فرمود : من معصومه دختر موسى بن جعفر(عليه السلام)هستم . جدّم اميرالمؤمنين على(عليه السلام)امر فرمودند من شما را شفا بدهم و شما خوب شديد . . . » .(۱)

ضعف چشم

حاج آقا مهدى صاحب مقبره اعلم السّلطنه (بين صحن جديد و عتيق)

پاورقى

۱ بشاره المؤمنين ، آ شيخ قوام اسلامى جاسبى ، ص۴۳ .

صفحه۶۸

نقل كرده كه : « من چندى قبل به ضعف چشم مبتلا شدم ; بعد از مراجعه به اطبّاء ، اظهار داشتند كه چشم شما آب آورده بايد برسد تا آن را عمل كنيم . او مى گويد : بعد از آن هر وقت كه به حرم مشرّف مى شدم مختصرى از گرد و غبار ضريح را بچشمانم مى كشيدم و اين عمل باعث شد كه ضعف چشم من برطرف شود به طورى كه الآن

بدون عینک ، قرآن و مفاتیح می خوانم » .(۱)

دختر لال

حجه الاسلام آقای حاج آقا حسن امامی چنین نوشته اند که : « روز پنجشنبه دهم رجب ۱۳۸۵ه . ق دختری ۱۳ ساله از اهالی « آب روشن آستارا » به اتفاق پدر و مادرش به قم آمدند در حالی که دختر در اثر مرضی دچار عارضه لالی شده بود و قوّه گویایی خود را از دست داده بود و با مراجعه به اطباء هم معالجه نشده بود ، در حالی که از دکترها مأیوس بودند به کنار قبر مطهّر فاطمه معصومه(علیها السلام) پناهنده شدند .

به مدّت دو شب در کنار ضریح مبارک نشسته گاهی در حال گریه و گاهی با زبان بی زبانی مشغول راز و نیاز بود که یک مرتبه همه چراغ های حرم خاموش گردید . در همان حال دختر مذکور مورد عنایت بی منتهای حضرت قرار گرفت و صیحه عجیبی کشید که خدّام و زائرین شنیدند . جمعیت هجوم آوردند تا مقداری از لباس او را به عنوان تبرّک بگیرند . خدّام دختر را به کشیک خانه بردند تا جمعیت متفرّق شدند . دختر گفت : در همان وقت خاموشی چراغهای حرم ، چنان روشنایی و نوری دیدم که در تمام عمرم مثل آن را ندیده بودم و حضرت را دیدم که فرمود : خوب شدی و دیگر می توانی سخن بگویی و حرف بزنی ; من فریاد زدم ، دیدم زبانم باز شده است . . . » .(۱)

پاورقی

۱ بشاره المؤمنین ، آ شیخ قوام اسلامی چاسبی ، ص۴۳ .

صفحه۶۹

مبتلا به سِل

حاج آقا مهدی صاحب مقبره اعلم السّلطنه می گوید : « مردی از دهات خلجستان قم دچار مرض سِل

می شود . به اطباء قم مراجعه می کند ولی نتیجه ای نمی گیرد . به طهران می رود و مشغول معالجه می شود تا وقتی که تمام داراییش را خرج می کند امّا به نتیجه ای نمی رسد ، مأیوس و تهیدست به وطن برمی گردد . در آنجا هم اهالی به او می گویند : تو که در اینجا چیزی نداری ، مرضی هم که به آن مبتلا هستی مرضی است مُسری ، ماندن تو در اینجا باعث گرفتاری سایر اهالی می شود ، پس از اینجا برو .

به ناچار از وطن آواره و با دستی تهی و بدنی رنجور وارد قم می شود و در صحن جدید در ایوان یکی از مقبره های حرم مطهّر در حالی که دل از همه جا بریده و دل به عنایات فاطمه معصومه(علیها السلام)بسته بود خوابش می برد ، در اثر عنایات بی بی وقتی از خواب بیدار می شود هیچگونه اثری از بیماری در خود نمی بیند » .(۲)

پاورقی

۱ همان ، ص۴۹ .

۲ همان ، ص ۵۱ .

اداء دین و گشایش در زندگی

حاج آقا تقی کمالی ، از خدّام آستانه مقدّسه می گوید : « در سال ۱۳۰۲ه . ق . در آستانه مقدّسه متحصن شده و پناهنده به آن بانوی معظّمه بودم و در یکی از حجرات صحن نو منزل داشتم ; روزگارم به تلخی و سختی سپری می شد و کاملاً تحت فشار بی پولی و نداری قرار گرفته بودم ; زندگانی را با قرض از کسبه اطراف حرم می گذراندم تا اینکه یک روز بعد از ادای فریضه صبح خدمت بی بی مشرّف شده و

وضع خود را به عرض رسانـدم ; در این حال دیـدم کیسه پولی روی دامنم افتاد ; مـدّتی صبر کردم به خیال این که شایـد این کیسه پول مـال زوّار محترم باشـد تـا به صاحبش ردّ نمایم ; دیـدم خبری نشـد فهمیـدم که مرحمتی خانم است ، به حجره خود برگشتم وقتی کیسه را باز کردم مبلغ ۴ تومان در آن بود . ابتدا بدهی هایم را پرداختم و به مدّت چهارده ماه خرج می کردم و تمام نمی شد تا آنکه روزی « حضـرت حجه الاسـلام و المسلمین آقای حسین حرم پناهی » تشریف آوردند و از وضع زندگی من جویا شدند ، من موضوع را اظهار نمودم در همان ایّام به آن عطیّه خاتمه داده شد » .(۱)

شفای یکی از خدّام حرم

این کرامت که به حدّ تواتُر رسـیده از این قرار است که : « یکی از خدّام آن حضـرت به نام « میرزا اسدالله » به سـبب ابتلای به مرضـی انگشـتان پایش سـیاه شـده بود ; جرّاحان اتفاق نظر داشـتند که بایـد پای او بریده شود تا مرض به بالاتر از آن سـرایت نکنـد ، قرار شـد که فردای آن روز پـای او را جرّاحی نماینـد . میرزا اسـدالله گفت : حال که چنین است امشب مرا ببریـد حرم مطهّر دختر موسی بن جعفر(علیه السلام) . او را به حرم بردند ، شب هنگام خدّام در حرم را بستند و او پای ضریح از دردپا می نالید تا نزدیک صـبح ، ناگهان خدّام صدای میرزا را شـنیدند که می گوید : در حرم را باز کنید حضـرت مرا شـفا داده ، در را باز کردند

دیدنـد او خوشـحال و خندان است . او گفت : در عالم خواب دیدم خانمی مجلّله آمد به نزد من و گفت : تو را چه می شود ؟ عرض کردم که : این مرض مرا عاجز نموده و از خدا شـفای دردم یا مرگ را می خواهم ، آن مجلّله گوشه مقنعه خود را چند دفعه بر روی پای من کشـید و فرمود : تو را شـفا دادیم . عرض کردم شـما کیستیـد ؟ فرمود : مرا نمی شناسـی ؟ ! و حال آنکه نوکری مرا می کنی ، من فاطمه دختر موسـی بن جعفرم . میرزا اسد الله بعد از بیدار شدن ، قدری پنبه در آنجا می بیند و آن را بر می دارد ; و به هر مریضـی که ذرّه ای از آن را می دهد و به محل درد می کشد ، شـفا پیدا می کند . او می گوید : آن پنبه در خانه ما بود تا آن وقتی که سیلابی آمد و خانه ما را خراب کرد و آن پنبه از بین رفت و دیگر پیدا نشد » .(۱)

پاورقی

۱ بشاره المؤمنین ، آ شیخ قوام اسلامی ، ۲ .

شفای چشم دختر ده ساله

آقای حیدری کاشانی (واعظ) نقل می کند که : « یکی از رفقای روحانی ایشان در محضـر آیه الله بهاءالدّینی « دام ظلّه » نقل می کرد : که روزی دیـدیم بر روی مردمـک چشم دختر ده ساله ما دانه کوچکی پیـدا شـده ، وقتی به دکتر متخصّـِص مراجعه کردیم ; بعد از معاینه ، ایشان اظهار نمودند که باید عمل شود ولی عمل خطر دارد

.

پاورقی

۱ انوار المشعشعین ، حاج شیخ محمدعلی قمی ، ص۲۱۶ .

صفحه ۷۲

دختر ، وقتی این را شنید بنا کرد ناراحتی کردن و اینکه من عمل نمی خواهم و می گفت : مرا به حرم حضرت معصومه(علیها السلام)ببرید . این را گفت و با سرعت به طرف حرم دوید ، ما هم به دنبال او آمدیم تا رسید به حرم ، شروع کرد به گریه کردن و خطاب به بی بی گفت : « یا حضرت معصومه(علیها السلام)من عمل نمی خواهم » و چشم خود را به ضریح حضرت می مالید و حال عجیبی داشت ، ما هم از دیدن این منظره منقلب شدیم ، بعد از این حالت توسّل ، او را بغل کردم و دلداری دادم و به او گفتم : خوب خواهی شد ، او را داخل صحن حرم مطهّر بردم ، ناگهان نگاهم بچشم او افتاد دیدم هیچ گونه اثری از آن دانه خطرناك وجود ندارد » .

عطای مخارج میهمانی

آقای حیدری کاشانی می فرماید : « روزی که ما در منزل چیزی برای پذیرایی نداشتیم عدّه ای از کسانی که در شهرستان محلّ تبعید ما (بیرجند) با ما آشنا بودند ، به منزل ما آمدند ، من متحیّر بودم که چکنم ؟ آمدم حرم و همان داخل صحن عرض کردم : بی بی جان ! خودتان وضع ما را می دانید ، این را که گفتم در حالی که وسط حرم در حال حرکت بودم صدای خانمی را که مرا صدا می کرد شنیدم ، ایستادم ، او مبلغی پول به من داد و گفت : این مال شماست

. من به حرکت خود ادامه دادم ، مجدّداً آن خانم مرا صدا زد و مبلغ دیگری پول بمن داد و گفت : اینهم مال شماست . اینجا بود که رو کردم به گنبد حضرت و عرض کردم : بی بی جان ! بسیار متشکّرم . برگشتم به خانه و با آن مبلغ وسایل پذیرایی لازم را فراهم نمودم . خانم ما (که از بی پولی ما مطّلع بود) گفت : اینها را از کجا تهیّه کردی ؟ گفتم : فاطمه معصومه(علیها السلام)عنایت فرمود

صفحه۷۳

حضرت رضا (علیه السلام) مریض را به حرم خواهر می فرستد

آقای حیدری کاشانی می گوید : « بعد از یک دهه سخنرانی در مسجد گوهرشاد ، خانمی پیش من آمد و گفت : پسر جوان مریضی داشتم که شبی حضرت رضا(علیه السلام) را در خواب دیدم ، حضرت فرمود : یکی از دو مریضی جوانت را شفا دادم ، مریضی دوّم (او را خواهرم در قم شفا خواهد داد) به نزد خواهرم در قم برو . حال که شما عازم قم هستید این شصت تومان را داخل ضریح حضرت بینداز ; من چند روز دیگر به قم خواهم آمد . من به او گفتم : شما موقع آمدنتان به مشهد به قم نرفتید ؟ گفت : نه .

گفتم : این فرمایش حضرت گلایه ای بوده از شما که چرا در طول راه مسافرت به مشهد ، به زیارت خواهر ایشان نرفته اید ؟ » (۱).

پاورقی

۱ کرامات نقل شده از آقای حیدری کاشانی ضبط صوتی و تصویری شده و در واحد سمعی ، بصری آستانه مقدّسه موجود است .

صفحه۷۴

نزول رحمت الهی

بار دیگر شبانگاهان دست فیّاض الهی از آستین کریمه اهل بیت به در آمد و چراغی به روشنی خورشید ولایت فراروی عاشقان دلسوخته برافروخت : سخن از گذشته های دور نمی باشد بلکه حقیقتی است محقّق در جمعه شب ۲۳/۲/۷۳ آری بار دیگر در آن شب شاهد گشوده شدن خزائن غیب گشتیم و نزول رحمت الهی : « آن که مورد عنایت قرار گرفت مسافری بود از راه دور ، دختری چهارده ساله از اهالی « شوط » ماکو ، از شهرهای آذربایجان که خود با ما چنین سخن می گوید : رقیه امان

الله پور هستم از اهالی « شوط » ماکو ، چهار ماه پیش بر اثر یک نوع سرماخوردگی از هر دو پا فلج شدم ; خانواده ام مرا به بیمارستانهای مختلف در شهرهای ماکو ، خوی و تبریز بردند ، ولی همه پزشکان پس از عکسبرداری و انجام آزمایش مکرّر ، از درمانم عاجز شدند و من دیگر نمی توانستم پاهایم را حرکت دهم تا این که چهارشنبه شب (۲۱/۲/۷۳) در عالم رؤیا دیدم که خانمی سفیدپوش سوار بر اسبی سفید به طرف من آمدند و فرمودند : « چرا از همان ابتدای بیماری پیش من نیامدی تا شفایت دهم ؟ » با اضطراب از خواب پریدم و جریان خواب را با عمو و عمّه ام در میان گذاشتم و آنها نیز بلافاصله مقدّمات سفر به قم را فراهم آوردند

لذا روز جمعه (۲۳/۲/۷۳) ساعت ۳۰/۷ دقیقه بعد از ظهر به حرم مطهّر مشرّف شدیم . پس از نماز ، مشغول خواندن زیارتنامه شدم که ناگهان صدای همان خانمی که در خواب دیده بودم به گوشم رسید که فرمود : « بلند شو ، راه برو ، که شفایت دادم » . من ابتدا توجهی نکردم و باز مجدّداً همان صدا با همان الفاظ تکرار شد ; این بار به خود حرکتی دادم و مشاهده کردم که قادر به حرکت می باشم و مورد لطف آن بی بی دو عالم قرار گرفته ام » .(۱)

نسیم رحمت

خواهر پروین محمّدی اهل باختران در سال سوّم دبیرستان مبتلا به تشنج اعصاب شدند و پس از بی اثر بودن معالجات مکرر و ناامیدی از همه جا

همراه خانواده عازم مشهد مقدس می شوند به امید شفا از امام رضا(علیه السلام) .

مادر ایشان این کرامت را اینگونه بیان می کند :

« وقتی به قم رسیدیم با خود گفتم خوبست اوّل به زیارت خواهر امام رضا(علیه السلام) برویم اگر جواب نداد به مشهد می رویم ; ساعت ۲ بعد از نیمه شب بود که به قم رسیدیم ; ساعت ۹ صبح به حرم مشرّف شدیم و دخترم را که به سختی خوابش می برد و در اثر تشنج اعصاب دچار مشکلاتی می شد با حال توجه و توسل به حضرت معصومه(علیها السلام) ، به نزدیک ضریح بردم و براحتی خوابید .

پس از مدّتی که از نماز ظهر و عصر گذشت بوی عطر عجیبی حرم را گرفت و دیدم دست راست دخترم سه مرتبه به صورتش کشیده شد و رنگ او برافروخته شد و گوشه چادر او را که به ضریح بسته بودم باز شد ; در همین حال دخترم براحتی از خواب بیدار شد و گفت مادر کجایی ؟

پاورقی

۱ این کرامت از زبان فرد شفا یافته با صدا و تصویر توسط سمعی ، بصری آستانه مقدّسه ضبط شده است .

گفتم : حرم حضرت معصومه(علیها السلام) . گفت : مادر ، گرسنه ام ! من که ماهها بود حسرت شنیدن این کلمه را از او داشتم ، گفتم :برویم بیرون حرم ; با هم داخل صحن حرم شدیم از او پرسیدم ; احساس ناراحتی نمی کنی ؟ گفت : نه ، الحمدلله خوب هستم . و من احساس کردم که حالت او طبیعی شده و شفا یافته است و از حضرت معصومه تشکر

نمودم » .(۱)

شربت شفابخش

روز چهاردهم شعبان برابر با ۲۶ دیماه ۱۳۷۳ه . ش . و در آستانه عید بزرگ نیمه شعبان بارگاه ملکوتی کریمه اهل بیت(علیهم السلام) پذیرای میهمانی است که از راه دور آمده ، او همسایه برادر است که به دعوت خواهر او به امید شفا به این بارگاه رو آورده است ، او امیر محمّد کوهی ساکن مشهد و کارمند سابق اداره امور اقتصادی و دارایی آن شهر است که داستان خود را چنین بیان می کند :

« سه سال بود که به بیماری فلج مبتلی بودم و قادر به حرکت نبودم و با ویلچر حرکت می کردم ; پیش اطبّاء متخصّص مشهد و تهران رفتم و مراحل مختلف درمان را (از عکس و آزمایش و سی تی اسکن و غیره) گذراندم و بارها در بیمارستان بستری شدم و در مجالس دعا و توسّل در حرم مطهّر حضرت رضا(علیه السلام)به قصد شفا شرکت کردم ولی عنایتی نشد در همین اواخر به خاطر ناراحتی زیاد « خود و خانواده ام » به حرم مشرّف شدم و با سوز دل عرض کردم : آقا ! شما غیر مسلمانان را محروم نمی کنید پس چرا به من شیعه توجه نمی فرمائید ؟ ! آقا یا جوابم را بده یا می روم قم و به خواهرتان شکایت می کنم و او را واسطه قرار می دهم ; آنگاه خطاب به حضرت معصومه(علیها السلام)عرض کردم : من که همسایه برادر شما هستم و فردی عائله مندم و در عمر خود خیانتی نکردم و در حدّ توان درستکار بودم چرا ایشان مرا شفا نمی دهند ؟

پاورقی

۱

این کرامت توسّط سمعی ، بصری آستانه مقدّسه ضبط شده است .

صفحه۷۷

بعد از این توسل و عرض گلایه در عالم خواب خانمی را دیدم به من فرمود : شما باید به قم بیایی تا شفایت دهم .

عرض کردم شما که به خانه ما آمدی و میهمان ما هستی همینجا شفایم بده ; من پولی ندارم که به قم بیایم .

فرمود : شما باید به قم بیایی .

من خوابم را به عیال و فرزندانم نقل کردم ، پس از مدّتی پسرم به من گفت : پدر ! ما که همه دارایی خود را در راه معالجه شما خرج کردیم ، من مبلغی را از فروختن چند جعبه نوشابه ای که در خانه داشتیم تهیّه نمودم ; این را خرج سفر کنید و به قم بروید ، امیدوارم که شفا پیدا کنید .

من راهی قم شدم ، پس از رسیدن به قم وضو گرفتم و وارد حرم شدم ; از دو نفر تقاضا کردم زیر بغل های مرا گرفته و کنار ضریح ببرند ; مرا کنار ضریح بردند (خسته بودم و ناتوان) بعد از زیارت و التجاء بسیار همان کنار ضریح پتوی خود را به سرکشیده ، خوابم برد .

صفحه۷۸

در عالم خواب خانمی را دیدم با چادر مشکی و روبندی سبزرنگ به من فرمود : پسرم خوش آمدی ! اکنون شفا یافتی ، برخیز ، تو هیچ بیماری نداری . عرض کردم : من بیمار و زمین گیرم . ایشان پیاله گِلی پر از چای را به دست من داد و فرمود : بخور . من چای را خوردم ; ناگهان از

خواب بیـدار شـدم دیدم می توانم روی پا بایسـتم ، از جا برخاسـتم و خود را به ضـریح مقدّس رساندم و بالاخره در این روز ، عیدی خود را از « بی بی » گرفتم » .(۱)

این بود شـمّه ای از الطاف بی شـمار و عنایات بسیار و کرامات فراوان این بانوی بزرگ که به واسطه وجود پاکش سرزمین قم مأوای عاشـقان و سالکان طریق هـدایت و قبله آمال عارفان حقیقت گشـته است . به امید آنکه همین مختصـر ، شـربتی باشد به کام خشـکیده عاشـقان دلسوخته و چراغ راهی گردد برای بیدار شدگان از خواب غفلت ، بدان امید که حضرتش همه را از ره لطف مورد عنایت قرار داده و بر سبیل هدایت رهنمون گردد انشاء الله .

پاورقی

۱ این کرامت ضبط صوتی ، تصویری شده و در سمعی ، بصری آستانه موجود است .

بخش ششم : حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)در شعر شاعران

اشاره

در طول تاریخ ، شـعرای اسـلامی و سرایندگان آزاده شیعه ، سهم به سزایی در ترویج مکتب امامت و ولایت و اشاعه فضایل و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت(علیهم السلام) داشته اند که سروده های حکمت آموز آنان همیشه صفابخش قلوب عاشقان و شـیفتگان خاندان نبوّت و رسالت بوده است و به عنوان سـندی جاوید و ماندگار در طول قرون و اعصار پیام آور مظلومیت و حقّانیّت مکتب سرخ علوی و مبیّن قطره ای از دریای بی کران فضایل اهل بیت(علیهم السلام)بوده اند .

و در همین راسـتا ، عظمت مقـام کریمه اهـل بیت(علیهم السـلام) این شاعران و منادیان حق و آزادی را به اظهار خالصانه ترین تعظیم و تکریم در برابر بارگاه ملکوتی آن بزرگ بانوی اسلام

و سرودن اشعار و قصایدی ژرف و عمیق پیرامون فضایل و مناقب آن بزرگوار وادار نموده است ، که مجموعه آنها خود دیوان مستقلّی خواهد بود ولی در اینجا به برگزیده ای از آنها اکتفا می کنیم :

نورین نیّرین « فاطمه زهرا و فاطمه معصومه (علیهما السلام) »

نور خدا در رسول اکرم پیدا

کرد تجلی ز وی به حیدر صفدر

و ز وی تابان شده به حضرت زهرا

- اینک ظاهر ز دخت موسی جعفر

گر که نگفتی امام هستم بر خلق

موسی جعفر ولیّ حضرت داور

فاش بگفتم که این رسول خدایست

معجزه اش می بود همانا دختر

دختر جز فاطمه نیاید چون این

صلب پدر را وهم مشیمه مادر

دختر چون این دو از مشیمه قدرت

نامد و ناید دگر هماره مقدّر

آن یک امواج علم را شد ، مبدء

وین یک افواج علم را شده مصدر

آن یک بر فرق انبیا شده تارک

وین یک اندر سرْ اولیا را مغفر

آن یک در عالم جلالت « کعبه »

وین یک در ملک کبریایی « مشعر »

آن یک خاک مدینه کرده مزیّن

صفحه قم را نمود این یک انور

خاک قم این کرده از شرافت جنّت

آب مدینه نموده آن یک کوثر

زیبد اگر خاک قم به«عرش»کندفخر

شاید گر « لوح » را بیابد همسر(۱)

پاورقی

۱ گزیده ای از قصیده حضرت امام خمینی(رحمه الله) ، دیوان امام ، ص۲۵۷ ۲۵۴ .

دخت خورشید(۱)

ای دختر عقل و خواهر دین

وی گوهر درج عزّ و تمکین

عصمت شده پای بند مویت

ای علم و عمل مقیم کویت

ای میوه شاخسار توحید

همشیره ماه و دخت خورشید

وی گوهر تاج آدمیّت

فرخنده نگین خاتمیّت

شیطان بخاطب « قم » براندند

پس تخت ترا بقم نشاندند

کاین خانه بهشت و جای حوّاست

ناموس خدای جایش اینجاست

اندر حرم تو عقل ماتست

زین خاک که چشمه حیاتست

جسمی که در این زمین نهان است

جانی است که در تن جهان است

این ماه منیر و مهر تابان

عکسی بود از قم و خراسان

ایران شده نوربخش ارواح

مشکاه صفت به این دو مصباح

از این دو حرم دِلا چه پرسی

حق داند و وصف عرش و کرسی

هر کس

به درت بیک امیدی است

محتاج تر از همه « وحیدی » است

پاورقی

۱ گنجینه دانشمندان ، ج۱ ، ص۱۹ ، « قصیده از آیه الله وحیدی خراسانی » .

صفحه۸۳

فاطمه ثانی(۱)

ای که به خلق جهان تویی سر و سرور

شأن تو از قدر کاینات فزون تر

وقت ثنای تو مات عقل خردمند

گاه مدیح تو محو فکرِ سخنور

طایر وهم ار ، رسد به پایه قدرت

بال و پرش سوزد ار بود چو سمندر

شانه گیسوی توست ، پنجه خورشید

آینه روی توست ماه منوّر

رشحه ای از نور طلعت تو به افلاک

بَر شد و افلاک از آن شدند پُر اختر

عکس زابروی تو هلال چو برداشت

گشت مشارالیه خلق سراسر

بهر وجود تو خلق گشته دو عالم

بهر تو گردیده کاینات مسخّر

پاورقی

۱ گنجینه دانشمندان ، ج۱ ، ص۲۴ ، قصیده ای از آیه الله ثقفی تهرانی میرزا محمّد .

خلقت هستی ، تو داده ای به همه خلق

ز آنرو مهتر تویی بر این همه کهتر

آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی

از مدد فیض تو شدند پیمبر

کفو تو را چون نکرد خلق خداوند

ز آن ننمودی به عمر خویش تو شوهر

خلق جهان جمله اند زوج و خدا فرد

تو چو خدا فردی و نداری همسر

ذرّه ای از عصمت زنان جهان را

گر برسد مریمند جمله و هاجر

شبنمی از جودِ توست رحمت نیسان

سبزه ای از کِشت تو است گنبد اخضر

دست کشیدی مگر تو بر سر آهو

کز وی حاصل شداست نافه اذفر

واللّیل از موی تو شداست مبیَّن

والشّمس از طلعت تو گشته مفسَّر

باب عطایت گشاده بر همه عالم

چشم امید خلایق است بر این در

صفحه۸۵

گرد ضریحت دوای اکمه و ابرص

گرد حریمت شفای عاجز و مضطر

حکم الهی به مهر توست مسجل

امر خدایی به

حبّ تو است مقرّر

بضعه زهرایی و سلاله حیدر

نور دو چشم نبی ، حبیبه داور

فاطمه ثانیی به عالم ظاهر

لیک به معنی تویی همان و نه دیگر

مظهر حقّند خانواده عصمت

جلوه ربّند دودمان مطهّر

بسته لبم لم یلد و گر نه بگویم

دخت خدای است بنت موسی جعفر

عمر تو کوتاه همچو شاخه گل بود

چون تو بزرگی و این سراست محقّر

نیست مرا غیر درگه تو پناهی آخر و اوّل تویی و اوّل و آخر

صفحه۸۶

حبیبه حقّ(۱)

تو ای حبیبه حق جلوه از خدا داری

که سوی خویش همه چشم ماسوی داری

به چرخ حشمت و اجلال بیشتر از مهر

به پیش دیده اهل صفا ضیا داری

تو آشنا نشوی گر چه به کسی از قدر

ولیک در همه عالم تو آشنا داری

به زائرین حریم خود ای ستوده خصال

نظر ز راه محبّت جُدا جُدا داری

به یک نگاه مِس قلب ما طلا سازی

تویی که با نظر خویش کیمیا داری

به هر که می نگرم جانب تو روی آرد

تو خود نظر مگر از لُطف سوی ما داری

از آن که دختر موسی ابن جعفری بخدا

کنند مدح تو گر تا به حشر جا داری

پاورقی

۱ لمعات عشق ، حیدر معجزه ، ص۱۰۶ .

درّ پربهاء(۱)

بالد بر آسمان ز شرف آسمان قم

ساید بر آستان تو سر آسمان قم

درگاه تو است مرکز دارالفنون علم

طلّاب دین کواکبی از کهکشان قم

در پیشگاه حضرت معصومه صبح و شام

بیزد گُهر ، مَدْرَسِ گوهرفشان قم

سبقت ز ساکنان حریم خدا برند

از راه دوستی علی عارفان قم

چون پای اهل علم بر این خاک می رسد

ای دل به جان ببوس تو هم خاکدان قم

ای دُرّ پُر بها به قم گشته ای مکین

کردی ز خلد باز دری در مکان قم

سر عاکفان کعبه یزدان به جان نهند

بر آستان قدس ملک پاسبان قم

الفاظ در معانی مدح تو قاصر است

ای نازنین که جسم تو باشد روان قم

آید اگر خلیل پیمبر در آن حرم

نبوَد شگفت گر شود از عاکفان قم

چشم دلم ز گرد ضریح تو روشن است

آری چو توتیا بود این ارمغان قم

پاورقی

۱ لمعات عشق ، ص۱۱۸ .

جمال و کمال فاطمی (علیها السلام)(۱)

خاک قم گشته مقدّس از جلال فاطمه

نوباران گشته این شهر از جمال فاطمه

گر چه شهر قم شده گنجینه علم و ادب

قطره ای باشد ز دریای کمال فاطمه

تابش شمع و چراغ و کهربای نورها

باشد از نقد جمال بی مثال فاطمه

صافی آیینه ایوان نیکو منظرش

گوشه ای از صافی قلب زلال فاطمه

عطر آگین گشته گر این بارگاه جنّتی

این نسیمی است از عبیر بی همال فاطمه

بر سر ما سایه افکن از کرامت ای بتول

شد سعید آن کس که بُد اندر ظلال فاطمه

آفت دلها غم است بر درگه معصومه ام

حرمت من حرمت عزّ و جلال فاطمه

یارب از غم ها مرا برهان هم از افسردگی

عفو کن ما را به قلب پر ملال فاطمه

کبریا از درگهش کس را نکرده ناامید

خاصّه آنکو داشت پشتیبان مثال فاطمه

پاورقی

۱ گنجینه دانشمندان ، ج۱ ، ص۱۷

.

ریحانه رسول(۱)

رواق دختر موسی بن جعفر است این جا

حریم فاطمه بنت پیمبر است این جا

در بهشت برین گر طلب کنی به خدا

ببوس با ادب آن را که آن در است این جا

زمین قم به مثل چون صدف بود آری

وجود حضرت معصومه گوهر است این جا

ببند عقد نماز اندرین مقام رفیع

که جای گفتن الله اکبر است این جا

مخوان به خلد برینم ز کوی او واعظ

برای من ز دو صد خلد برتر است این جا

حبیبه حق و ریحانه رسول و علی

یگانه دختر زهرای اطهر است این جا

ببوس از سر صدق و صفا ضریحش را

که مورد نظر حیِّ داود است این جا

مسیح زنده شود در حریم این بانو

عجب ز فیض دمش روح پرور است این جا

ز یُمنِ موکبِ اجلالِ فاطمه بنگر

که دُرّ تاج سر هفت کشور است این جا

فروغ روضه او پر تو افکن است به مهر

چرا که مطلع خورشید انور است این جا

پاورقی

۱ لمعات عشق ، ص۵۸ ، دیوان حیدر معجزه .

اگر بدیده ادراک بنگری بینی

که مهر و ماه هم از ذرّه کمتر است این جا

از آن شدند سلاطین مقیم در کویش

که خاک درگه او زیب افسر است این جا

کند بدرگه او سجده صبحدم خورشید

که از فروغ ولایت منوّر است این جا

اگر تجلّی حق بینی از در و دیوار

عجب مدار که دخت پیمبر است این جا

تبارک الله از این روضه بلند رواق

که از تصوّر و از وصف برتر است این جا

برو طهارت دل کن بیا به روضه او

که جای مردم پاک و مطهر است این جا

از آن پناه به کوی تو آرم ای بانو

که فیض روح ز لطفت میسّر است این جا

مرا که نام بود حیدر آمدم

به درت

چرا که نور دو چشمان حیدر است این جا

زمین قم شده روشن از آن به غیب و شهود

که نور حق به جمالت برابر است این جا

ز آفتاب قیامت غمی نخواهد بود

مرا که سایه لطف تو بر سر است این جا

سزد که « معجزه » قم همچنان بهشت بود

چرا که دختر موسی بن جعفر است این جا

صفحه۹۱

بارگاه رفیع فاطمی(۱)

این بارگه که چرخ بر رفعتش گم است

فخر البقاع بقعه معصومه قم است

فخر البُقاع نیست که فخر البَقا بود

این بارگه که چرخ بر رفعتش گم است

با خاک درگهش خضر اندر گه نماز

کاری که فرض عین شمارد تیمّم است

سنگ حریم او فلک النّجم عالم است

ریگ سرای او مَلِک العرش انجم است

سقای او چو آب زند گَردِ ساحتش

از رشک با سرشک قرین چشم قلزم است

در التماس بارقه گنبدش هنوز

در طور روح موسی اندر تکلّم است

از رشکۀ خشتهای زر اندود او مدام

داغی چو شمس بر دل این هفت طارم است

هی پا نهاده زائر او بر پر ملکۀ

بس از ملکۀ به طوف حریمش تهاجم است

پاورقی

۱ از تاج الشّعراء جیحون ، زندگانی حضرت معصومه(علیها السلام) ، ص۸۶ .

حق دارد این مکان زند ار ، دم ز ، لامکان

کو را یگانه گوهر سلطان هفتم است

اخت رضا و دختر موسی که حشمتش

مستور از عفاف ز چشم توهّم است

هم در حسب بزرگ اب اندر پی اب است

هم در نسب سترکۀ اُم اندر پی اُم است

آن کعبه است مرقد فرقد عُلوِّ او

کز پیل حادثات مصون از تهدم است

یا بضعه البتول و یا مهجه الرّسول

ای آنکه رتبه تو ورای توهّم است

از اشتیاق سجده بر خال چهر تو

آدم هنوز روی دلش سوی گندم است

دانند اگر ز آدم و

حوا مؤخرت

من گویمت بر آدم و حوّا تقدّم است

زیرا که جز ثمر نبود مقصد از درخت

وان شاخ و برگش ارچه بود عود و هیزم است

ابلیس را که چنگ ندامت گلو فشرد

بر درگهت امید علاج تندم است

صفحه۹۳

مردم زیارت تو کنند از پی بهشت

وین خود دلیل بر عدم عقل مردم است

زیرا که جز زیارت کویت بهشت نیست

ور هست درب کوی تو آن را تصمم است

با صدق تو صباح دوم را بدون کذب

بر خویش خنده آید و جای تبسّم است

کی شِبْهِ مَریمت کنم از پاک دامنی

کالوده اش ز نفحه روح القدس کم است

آن جا که عصمت تو زند کوس دور باش

پای وجود روح قدس در عدم گم است

گردون به پیش محمل فَرَّت جنیبتی است

کز آفتاب کوی زرش زیور دم است

ذلی که از پی تو بود عین عزّت است

خاری که در ره تو خلد به ز ، قا قُم است

ای بانوی حرم سوی جیحون نظاره ای

کز انقلاب دهر ، همی در تلاطم است

مویم اگر چه شد به معاصی سپید لیک

رویم منه سیاه که دور از ترحم است

صفحه۹۴

روح ایمان(۱)

ولای حضرت معصومه راحت جانست

به چشم مردم آگاه روح ایمانست

کسی به دعوی ایمان خود بود صادق

که پیرو نبی و تابع امامان است

چو اهل بیت نبی گوهران بی مثلند

بهایشان ز شرف فوق درک انسانست

به هر گلی که ز باغ رسالت است و علی

هر آنکه دل ندهد خوار نزد یزدانست

چه جای آن که نباشد محبّ معصومه

که او به چرخ ولا اختر درخشانست

به خاک پای تو ای بنت موسی جعفر

که توتیای ضیابخش اهل عرفانست

اگر حبیبه حق خوانمت از آن باشد

که بر مقام تو عارف خدای سبحانست

پاورقی

۱ لمعات عشق ، ص۱۰۲ .

صفحه۹۵

شافع یوم المعاد(۱)

یا رب این خلد برین یا جنه المأواستی

یا همایون بارگاه بضعه موساستی

این مهین بانو که در برج شرافت اختری است

نسل پاک و زاده انسیه الحوراستی

فاطمه اخت الرّضا ، سلطان دین ، روحی فداه

خاک درگاه تو از عرش علا اعلاستی

ملجأ اهل زمان و شافع یوم المعاد

خواهر سلطان دین و ثانی زهراستی

مرقد نورانیش گویا ریاض جنّت است

تربت پاکش ز مشک و عنبر ساراستی

گو بیاید تا به بیند این همایون بارگاه

آنکه منکر بر وجود جنّت دنیاستی

حضرت ناطق بحق صادق چنین فرموده است

در جزای زائر او جنه المأواستی

ای مهین بانوی کاخ عصمت ، ای مایه وجود

ای که خاک درگهت رشک دم عیساستی

حق ام و اب اگر مانع نبودی گفتمی

هم ز خیل خادمانت آدم و حوّاستی

پاورقی

۱ از سید محمدرضا خادم ، زندگانی حضرت معصومه(علیها السلام) ، ص ۱۰۰ .

صفحه۹۶

طالب دنیا به قم چون طیر اندر مجلس است

ظالم اندر دشت قم چون ملح در دریاستی

هر که از روی خلوص آرد به درگاه تو روی

خوشدل از دنیا و فارغ از غم عقباستی

عقل در احصاء قدرش قاصر است و پا به گل

گرچه چون لقمان

دهر و بوعلی سیناستی

خطه قم شد ز یمن مقدمش رشک جنان

در صفا دار الخلود و از شرف غبراستی

چون بدیدی این بنا را عقل گفتی کاسمان

صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی

بضعه موسی(۱)

آتش موسی عیان از سینه سیناستی

یا که زرّین بارگاه بضعه موساستی

بضعه موسی بن جعفر فاطمه کز روی قدر

خاک درگاهش عبیر طره حوراستی

نوگلی رنگین ز طرف گلشن یاسین بود

آیتی روشن ز صدر نامه طاهاستی

پرتوی از آفتاب اصطفای مصطفی

زهره ای از آسمان عصمت زهراستی

پاورقی

۱ زندگانی حضرت معصومه ، سیدمهدی صحفی ، ص۱۰۲ ، شعر از فتحعلی خان صبا . (این اشعار دور گنبد حضرت نوشته شده است) .

صحن او را هست اقصی پایه عزّت چنان

کز شرف مسجود سقف مسجد اقصاستی

پستی از صحن حریمش را به پاطاق حرم

کین مکان عزت و آن مسکن غبراستی

گلِ گلشن فاطمی(۱)

ز باد حوادث گلی از پیمبر(صلی الله علیه وآله وسلم)

در این خاک عنبرفشان آرمیده

یکی لاله از لاله زار ولایت

به گلزار قم بین چسان آرمیده

گل گلشن فاطمی بین که چونان

ز دست قضا نوجوان آرمیده

در این بارگاه رفیع دل افروز

نهان زیب تاج کیان آرمیده

در این ارض اقدس یکی گوهر پاک

به تقدیر چرخ زمان آرمیده

درخشان مهی دخت موسی بن جعفر

کزو کشوری در امان آرمیده

جبین سا به خاک درش هان که بی شک

در این بقعه جان جهان آرمیده

پاورقی

۱ همان ، ص۸۹ ، قصیده فاضل ارجمند آقای دوانی .

بگرد حریمش بسان کبوتر

هزاران ز روحانیان آرمیده

به پیرامن مشعل پرفروغش

شهان و دو صد عالمان آرمیده

به فردوسیان گو به قم اندر آیند

که زینت ده حوریان آرمیده

کمال و شرف ، علم و جاه و جلالت

به هر سوی این آستان آرمیده

به هر جا که گامی نهی با تأمل

فسرده تنی شادمان آرمیده

قدمها به آرامی این جا فرو نه

که در این زمین گلرخان آرمیده

به عبرت نظر کن که بینی در این جا

هزاران سر و سروران آرمیده

هزاران گل و بلبل و سرو و

سوسن

دو صد نرگس و ارغوان آرمیده

خوش آنان که در قم همی جان سپارند

خوش آن کو در این گل مکان آرمیده

خوش آن روزگاری که در قم گذشت

خوشا حال آن که شبان آرمیده

چه غم دارد از روز محشر (دوانی)

که در ظلِّ این سایبان آرمیده

صفحه۹۹

حریم خدا(۱)

ای خاک پاک قم چه لطیف و معطری

خاکی ولی ز ذوق و صفا بند گوهری

گوهر کجا و شأن تو نبود عجیب اگر

گویم ز قدر و منزلت از عرش برتری

بس باشد این مقام ترا ای زمین قم

مدفن برای دختر موسی بن جعفری

آن بانوی حریم امامت که مام دهر

نازاده بعد فاطمه یک همچو دختری

یا فاطمه ، حریم خدا ، بضعه بتول

محبوبه مکرمه حیّ داوری

هستی تو دخت موسی و اخت رضا یقین

گردون ندیده همچو پدر هم برادری

فخر امام هفتم و هشتم که از شرف

وی را یگانه دختر و آن را تو خواهری

مریم که حق ز جمله زنهاش برگزید

شایسته نیست آنکه کند با تو همسری

از لطف خاص و عام تو ای عصمت اله

بر عاصیان شفیعه فردای محشری

پاورقی

۱ اشعار از مرحوم سید جعفر احتشام .

صفحه ۱۰۰

صد حیف یوم طف نبودی بکربلا

بینی بنات فاطمه با حال مضطری

و آن یک شکسته بازو و آن یک دریده گوش

و آن دیگری به چنگ لئیم ستمگری

زینب کشید ناله که یا ایها الرسول

بین بهر ما نمانده نه اکبر نه اصغری

یا فاطمه بجان عزیز برادرت

بر « احتشام » لطف نما قصر اخضری

نگین قم(۱)

شهرها انگشترند و « قم » نگین

قم ، هماره حجّت روی زمین

تربت قم ، قبله عشق و وفاست

شهر علم و شهر ایمان و صفاست

مرقد « معصومه » چشم شهرِ ما

مهر او جانهای ما را کهربا

دختری از اهل بیت آفتاب

وارثِ دُرّ حیا ، گنج حجاب

در حریمش مرغ دل پر می زند

هر گرفتار آمده ، در می زند

هر دلی اینجاست مجذوب حرم

جان ، اسیر رشته جود و کرم

این حرم باشد ملائک را مطاف

زائران را ارمغان ، عشق و عفاف

آستان بوسش بسی فرزانگان

معرفت آموز ، از این آستان

دیده

پاکان به قبرش دوخته

عصمت و پاکی از آن آموخته

« حوزه قم » هاله ای بر گِردِ آن

فقه و احکام خدا را مرزبان

پاورقی

۱ سروده آقای جواد محدّثی .

قم همیشه رفته راه مستقیم

بوده در مهد هدایتها مقیم

قم نمی بیند مگر خوابِ قیام

تیغ قم بیگانه باشد از نیام

شهرخون ، شهرشرف ، شهرجهاد

شهر فقه و حوزه ، علم و اجتهاد

هر کجا را هر چه سیرت داده اند

اهل قم را هم بصیرت داده اند

نقطه قاف قیامند اهلِ قم

برقِ تیغِ بی نیامند اهل قم

اهل قم ، ز اوّل ولایت داشتند

در دل و در دیده ، « آیت » داشتند

سر نمی سودند ، جز بر پای دین

دل نمی دادند اِلاّ بر یقین

دین ، مطیعِ امر مولا بودن است

راه را با رهنما پیمودن است

دختر « موسی بن جعفر » را درود

کز عنایاتش تراوید این سرود

لطف بی انتها(۱)

آیتی از خداست معصومه

لطف بی انتهاست ، معصومه

جلوه ای از جمال قرآن

چهره ای حق نماست ، معصومه

عطر باغ محمّدی دارد

زاده مصطفی است ، معصومه

پرتوی از تَلَأْلُؤِ زهرا

گوهری پر بهاست ، معصومه

ماه عفّت نقاب آل کسا

دختر مرتضاستد ، معصومه

اختری در مدار شمس شموس

یعنی اُخت الرّضاست ، معصومه

زائران ، یک دَرِ بهشت اینجاست

تربتش با صفاست ، معصومه

در توسّل به عترت و قرآن

باب حاجات ماست ، معصومه

پاورقی

۱ سروده آقای حسان .

از مدینه ، به قصد خطّه طوس

رهروی خسته پاست ، معصومه

تا زیارت کند برادر خویش

فکر و ذکرش دعاست ، معصومه

روز و شب ، عاشقی بیابان گرد

خواهری با وفاست ، معصومه

یا مگر اوست ، زینب دگری

کز برادر جداست ، معصومه

تا بدانی که نیمه ره جان داد

بنگر اکنون کجاست ، معصومه

از وطن دور و از برادر دور

حسرتش غم فزاست ، معصومه

گر

چه نشکسته سینه و پهلویش

در دلش داغهاست ، معصومه

داغ زهرا و داغ اجدادش

وارث کربلاست ، معصومه

هر حسینیّه بیت اوست (حسان)

چونکه صاحب عزاست، معصومه

صفحه۱۰۳

صفحه۱۰۴

بخش هفتم : سیر تحوّلات معماری ، هنری آستانه مقدّسه

اشاره

« فی بُیُوت اَذِنَ اللّهُ اَنْ تُرْفَعَ وَیُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فیها بِالْغُدُوِّ وَالْاصالِ رِجالٌ لاتُلْهیهِمْ تِجارَةٌ وَلابَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللّهِ » .(۱)

« این چراغ پرفروغ الهی در خانه هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد) خانه هایی که نام خدا در آن برده شود و صبح و شام در آن تسبیح گویند مردانی که تجارت و خرید و فروش آنها را از یاد خدا باز نمی دارد » .

بارگاه مطهّر حضرت معصومه(علیها السلام) چون دیگر مشاهد مشرّفه ، پشتوانه ارزشهای اسلام و تشیّع و فرهنگ قرآن است ; و ایران در پناه این بقعه ها ، از حوادث دوران در امان مانده است ; بقای ایران و هویّت ایرانی نیز در پرتو این معنویت ها امکان پذیر شد و ایران در طول اعصار و قرون حادثه خیز تاریخ ، باقی ماند .

این بقعه و بقعه های متبرّکه دیگر ، تجسّم آرمانهای اسلامی و پشتوانه معیارهای تشیّع علوی و ارزش های والای انسانی است ، زیرا مشاهد منوّر آنها نه تنها زیارتگاه که آموزشگاهی بزرگ جهت کسب معارف الهی برای مشتاقان و زائران دلباخته کوی آنها محسوب می شود . هر زائری که با معرفت و شناخت مقام صاحب این مرقد و اهداف آن به زیارت برود از صاحب قبر الهام می گیرد و اصول و تعالیم مکتب را به یاد می آورد

.

پاورقی

۱ نور ، آیه ۳۶.

صفحه۱۰۵

و هر سلام او سرشار از این آموزش ها و الهامها است ; به گونه ای که کژی ها و کاستی های مادّی و معنوی خویش را هموار می کند و از خصلت ها و اعمال و رفتاری که خوشایند امامان و امامزادگان نیست دوری می گزیند و در بهبود اخلاق و رفتار و روابط خویش می کوشد تا با امامان و اولیای الهی خود ، همسانی و همسویی پیدا کند و راه آنان را بپیماید .(۱)

وجود اثر عظیم معنوی و دیگر آثار حیاتبخش این مراکز دینی جای هیچ گونه تردید و تأملی نیست ولی گذشته از این ، این بقاع نورانی را می توان از ذخایر عظیم هنر اسلامی نیز دانست . چرا که هنرمندان اهل ذوق با انگیزه های دینی و به عنوان تجلیل از مقام والای بزرگان دین ، آثار شگفت انگیزی از هنر را خلق کردند که نظر هر بیننده هنرشناسی را به خود جلب نموده و او را به تحسین وادار می نماید .

و در همین راستا به حقیقت می توان گفت : که بارگاه فاطمه معصومه(علیها السلام)همانند دیگر اماکن متبرّکه اسلامی ، تجلّیگاه هنر اصیل اسلامی و حکایتگر پیشینه های درخشان هنری جامعه دینی ملّت ایران محسوب می شود .

به همین جهت ما در این بخش برآنیم که دورنمایی از آثار ارزشمند هنری اماکن متبرّکه حضرت معصومه(علیهما السلام) و سیر تحوّلات هنری ، معماری آن را به دوست داران جلوه های هنر اسلامی ارائه نماییم . « امّا شنیدن کی بود مانند دیدن » بجاست هنرمند ، هنر شناس خود از نزدیک این

همه آثار شگفت انگیز هنری را به نظاره بنشیند تا لطائف و ظرافت های نهفته در این گونه آثار گرانقدر را دریابد و آفرینندگان آن را تحسین نماید .

پاورقی

۱ حضرت معصومه و شهر قم ، محمّد حکیمی ، ص ۵۰ ۴۹ « با تصرّف و اضافات » .

صفحه۱۰۶

دورنمائی از اماکن متبرّکه بارگاه فاطمی (علیها السلام)

(۱) گنبد حرم مطهّر

اوّلین گنبدی که « پس از سایبان حصیری موسی بن الخزرج » برفراز تربت پاک فاطمه معصومه(علیها السلام) بنا شد ، قبه ای برجی شکل بود که به همّت حضرت زینب دختر امام جواد(علیه السلام) از مصالح آجر و سنگ و گچ در اواسط قرن سوّم هجری قمری ساخته شد .

به مرور زمان و پس از دفن جمعی از بانوان علوی در جوار فاطمه معصومه(علیها السلام) دو گنبد دیگر در کنار گنبد اوّل ساخته شد که سوّمین آنها مدفن حضرت زینب(علیها السلام) شد .

این سه گنبد تا سال ۴۴۷ه . ق برقرار بودند تا این که در همان سال « میر ابوالفضل عراقی » (وزیر طغرل کبیر) به تشویق مرحوم شیخ طوسی به جای آن سه گنبد ، گنبد مرتفعی را به قطر داخلی تقریباً ۱۱ و ارتفاع ۱۴ متر ، آراسته به نقش های رنگ آمیزی و تزیینات آجری و کاشی بدون ایوان و حجره ها بنا نهاد ، که تمام قبور سادات را فرا می گرفت .

صفحه۱۰۷

« در سال ۹۲۵ه . ق همین گنبد به همّت « شاه بیگی بیگم » دختر شاه اسماعیل تجدید بنا شد ; با ایوان و دو مناره و صحن (عتیق) و سطح خارجی گنبد با کاشی های معرّق آراسته گردید » .

این گنبد در

سال ۱۲۱۸ه . ق . با خشت هایی زرنگار تزیین شد که تعداد دوازده هزار خشت با پوشش طلائی در آن بکار رفت .

ارتفاع این گنبد از سطح بام ۱۶ متر و از سطح زمین ۳۲ متر و محیطش از خارج ۶/۳۵ و از داخل ۶۶/۲۸ و قطرش ۱۲ متر و بلندی عنق استوانه ای آن ۶ متر است ; قسمت پایین آن از سطح بام تا نود سانتیمتر از آجر تراش و روی آن یک متر کاشی خشتی فیروزه ای و بالای آن (تمام جدار) مزیّن به خشت هایی با پوشش طلا است .

و در گلوگاه ساق گنبد ، کتیبه ای است که اشعاری از « فتحعلی خان صبا » در آن به خط نستعلیق قالب ریزی شده است که آن اشعار عبارتند از :

آتش موسی عیان از سینه سیناستی

یا که زرّین بارگاه بضعه موساستی

بضعه موسی بن جعفر ، فاطمه کز روی قدر

خاک درگاهش عبیر طرّه حوراستی

نوگلی رنگین ز طُرف گلشن یاسین بود

آیتی روشن به صدر نامه طاهاستی

پرتوی از آفتاب اصطفای مصطفی

زُهره ای از آسمان عصمت زهراستی

صفحه۱۰۸

صحن او را هست اقصی پایه عزّت چنان

کز شرف مسجود سقف مسجد اقصاستی

پستی از صحن حریمش را به پاطاق حرم

کین مکان عزّت و آن مسکن غبراستی(۱)

این بود سیر تاریخی بنای گنبد بارگاه ملکوتی کریمه اهل بیت(علیهم السلام)از آغاز تاکنون که خود یکی از شاهکارهای معماری ، هنری اسلامی و از بناهای کم نظیر در بین عتبات مقدّسه است

(۲) مرقد مطهّر حضرت

مرقـد شـریف حضـرت فاطمه(علیها السـلام) (در میان بقعه مبارکه) با بلندی ۲۰/۱ و طـول و عرض ۹۵/۲ ، در ۲۰/۱ متر قرار گرفته و با کاشی

های نفیس و زیبای زرفام (آغاز قرن هفتم) پوشیده شده است .

گرداگرد مرقد منوّر ، دیواری به بلندی دو متر و طول و عرض تقریبی (۸۰/۴ ، در ۴۰/۴) قرار دارد که در سال ۹۵۰ بنا گردید و با کاشی معرّق آراسته شد ، که اکنون این دیوار با ضریح مشبّک از جنس نقره پوشیده شده است .(۲)

سیر تاریخی مرقد پاک آن حضرت از این قرار است :

در سال ۶۰۵ه . ق « امیر مظفر احمد بن اسماعیل » بزرگ خاندان آل مظفر ، بزرگترین استاد کاشی ساز آن زمان « محمّد بن ابی طاهر کاشی قمی » را به کار ساخت و پرداخت کاشی های متنوّع مرقد واداشت . او به مدّت ۸ سال به این کار مشغول بود تا سرانجام در سال ۶۱۳ کاشی های مرقد آماده و کارگذاشته شد .

پاورقی

۱ گنجینه آثار قم ، ج ۱ ، ص۴۰۷ .

۲ تربت پاکان ، مدرّسی طباطبایی ، ج ۱ ، ص۴۶ و ۵۰ .

در سال ۹۶۵ه . ق شاه تهماسب صفوی ، در چهار طرف مرقد سابق ضریحی آجری آراسته به کاشی های هفت رنگ (با نقش و نگار) و کتیبه های معرّق بنا نمود و در اطراف آن منافذی باز بود تا هم مرقد دیده شود و هم زائران نذورات خود را داخل مرقد بریزند .(۱)

بعد از آن به دستور شاه مذکور ضریحی از فولاد سفید و شفّاف در جلو ضریح آجری قرار داده شد که طول آن ۲۵/۵ و عرض آن ۷۳/۴ و ارتفاعش ۱۰/۲ و دارای بیست درگاه مشبّک و مضلّع بود .

در سال ۱۲۳۰ه .

ق فتحعلی شاه همان ضـریح را نقره پوش کرد ; که این ضـریح به مرور زمان فرسوده شد و در سال ۱۲۸۰ ضریحی که از نقره ضریح سابق و نقره های موجود در خزانه ساخته شده بود به جای آن نصب گردید .

این ضـریح چندین مرتبه تجدید بنا و اصـلاح شد و سالهای متمادی روی مرقد حضـرت باقی بود تا اینکه در سال ۱۳۶۸ه . ق . برابر سال ۱۳۴۸ ه . ش . به دسـتور تولیت آن زمان شـکل ضـریح را تغییر دادنـد و ضـریح کنونی را (با ظرایف و شاهکارهای هنری ویژه ای که دارد) به جای آن نصب نمودند که آن ضریح همچنان برفراز تربت نورانی حضرت برقرار است .(۲)

پاورقی

۱ گنجینه آثار قم ، ج ۱ ، ص ۴۱۶ .

۲ همان ، ج ۱ ، ص ۴۷۵ .

صفحه ۱۱۰

(۳) ایوان های حرم مطهّر

ایوان طلا

ایوان طلا و دو ایوان کوچک کنار آن در شمال روضه مقدّسه واقعند که در سال ۹۲۵ه . ق هنگام تجدید بنای گنبد و احداث صحن عتیق و گلدسته های آن در زمان شاه اسماعیل صفوی و با اقدام دختر او ساخته شد .(۱)

این ایوان بـا دهانه ای به طول و عرض ۹×۷۰/۸ متر و بلنـدی چهارده متر ، پایین دیوار آن (در سه طرف) ، تا بلندی ۸۰/۱ متر آراسته به قطعات کوچک کاشی فیروزه ای هشت گوشه ای و در میان آنها قطعات کوچکتر قهوه ای رنگ است که حاشیه ای از کاشـی بـا زمینه (لاجوردی نقش و نگـار) از چهـار طرف آن را احـاطه کرده است و برفراز آن کتیبه ای به ثلث سـفید در زمینه

ای لاجوردی ، گرداگرد ایوان دیده می شود که متن آن را حدیث نورانی : « اَلا وَمَنْ ماتَ عَلی حُبِّ الِ مُحَمَّد ماتَ شَهیداً . . . » تشکیل می دهد .

پس از این کتیبه ، بدنه ایوان تا ارتفاع دو متر دیگر ، آراسته به کاشی های معرّق آغاز عهد صفوی است و بعد از آن کتیبه سراسری دیگری به چشم می خورد و بالای کتیبه (مقرنس های) سقف ایوان با خشت های « زرفام » پوشیده شده است .(۲)

پاورقی

۱ گنجینه آثار قم ، ج۱ ، ص۴۹۰ .

۲ تربت پاکان ، ج۱ ، ص۶۲ .

صفحه۱۱۱

ایوانه های کنار ایوان طلا

دو ایوان در دو طرف ایوان طلا است به بلندی بیش از ده و پهنای دو و دهانه پنج متر ، که از بناهای عهد صفوی می باشند و سراسر بدنه آن ، مانند ایوان طلا به کاشی های معرّق همان دوره آراسته شده است .(۱)

ایوان آینه

در ، جانب شرقی رواق مطهر نیز ایوانی مرتفع به بلندی ایوان طلا و طول و عرض ۹ در ۸۷/۷ متی قراردارد که به خاطر آینه کاری آن ، به ایوان « آینه » معروف است .

پایین دیوار آن به بلندی بیش از یک متر سنگ مرمر به کار رفته که هر بدنه ای با یک قطعه سنگ آراسته شده است و بالای آن همه بدنه ایوان تا سقف آینه کاری است .

در کمربند ایوان کتیبه ای سراسری از سنگ مرمر وجود دارد به پهنای حدود سی سانتیمتر ، که به خط ثلث آیه شریفه (الله نور السّموات والارض . . . » بر

آن نقش بسته است .

میان ایوان و رواق شرقی حرم ایوانچه ای است که مانند ایوان اصلی تزیین شده که بر سر در آن حدیث شریف « مَنْ زارَ فاطِمَةَ بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ » به نستعلیق مشکی ، خوانده می شود . این مجموعه هنری شگفت انگیز از کارهای ارزشمند هنرمند مشهور دوره قاجار (استاد حسن معمار قمی) می باشد که همزمان با بنای صحن نو ، به دستور « میرزا علی اصغر خان صدر اعظم » بنا شد . (۱)

پاورقی

۱ تربت پاکان ، ج۱ ، ص۶۷ .

صفحه۱۱۲

(۴) مناره های صحن عتیق

در صحن عتیق بر فراز ایوان طلا دو مأذنه استوانه ای رفیع به بلندی ۴۰/۱۷ (از سطح بام) و قطر ۵۰/۱ قراردارد .

پوشش مأذنه ها کاشی گرهی به شکل مارپیچ است که در میان پیچ ها نامهای مبارک : « الله » ، « محمّد » ، « علیّ » به خط بنّایی خوانده می شود .

در قسمت بالای مأذنه ها ، « مقرنسی » در سه ردیف پرداخته اند که زیر آن کتیبه ای به خط سفید مشتمل بر آیه « اِنَّ اللّهَ وَمَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ » (در مأذنه غربی) ; « یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ » (بر مأذنه شرقی) قرار دارد .

این مأذنه ها به دستور « محمّد حسین خان شاهسون شهاب الملک » حاکم قم ، در سال ۱۲۸۵ه . ق بنا شدند و قبه آنها در سال ۱۳۰۱ه . ق ، طلاکاری شد .(۲)

پاورقی

۱ تربت پاکان ، ج۱ ، ص۶۹ ۶۸ .

۲ همان ، ج۱ ، ص۶۸ ۶۷

.

صفحه۱۱۳

(۵) مناره های ایوان آینه

برفراز پـایه های دو طرف ایوان دو مأذنه است که هر یک به بلنـدی ۲۸ متر از سـطح بام ، با قطر ۳۰/۳ متر ، از بلندترین بناهای آستانه می باشد .

این مأذنه ها از سطح بام تا ۳ متر هشت ضـلعی متساوی و سـپس نیم متری مقرنس و آن گاه یک متری استوانه ای و بعد از آن تا ۵/۲ متر ، دوازده گوشه برجسـته و پس از همه اینهـا (تـا زیر مـأذنه چوبی) اسـتوانه ای است ، که در بالاـ کتیبه ای با پهنای حـدود یک متر دیده می شود که متن آن در یکی از مأذنه ها « لاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ » و در دیگری « سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلهِ وَلا اِلهَ اِلاّ اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ » است .

سپس مقرنسـی به پهنـای حـدود یک متر و بالای آن مأذنه چوبی و قبّه مأذنه ها واقع شـده است . پوشـش هر دو مأذنه از بالا تا پائین سر تا سر

کاشی گِرهی است که (در میان آنها) نامهای پروردگار متعال خوانده می شود .(۱)

پاورقی

۱ تربت پاکان ، ج۱ ، ص۷۱ .

صفحه۱۱۴

(۶) مساجد حرم مطهّر

مسجد بالا سر

مسـجد بالا سر از وسیعترین بیوتات آستانه و محل تشکیل مجالس عمومی و نماز جماعت است که در دوران صفویه با فضایی به عرض ۶ و طول ۳۵ متر به عنوان میهمانسـرای آسـتانه شـمرده می شد و در عهد قاجاریه از ناحیه « تقی خان حسام الملک » پسـر فتحعلی شاه ساختمان آن تجدیـد بنا شـد و به صورت مسـجدی دارای دو گنبـد ساخته شد و به عنوان بزرگترین مکان از اماکن متبرکه آستانه

به شمار آمد .

در سال ۱۳۳۸ه . ق « با ضمیمه شدن زمینی که در جهت غربی مسجد بود » فضای آن به ۱۴ در ۴۸ متر افزایش یافت که بر سه ستون قطور آجری ۳ در ۲ متر استوار بود .

این بنای مقدّس بر پا بود تا زمانی که مسجد اعظم با آن وسعت و زیبایی خاص ساخته شد .

از آن جایی که دیگر ، بنای قدیمی مسجد بالاسر ، « بین ساختمان عظیم حرم مطهّر و مسجد اعظم نوبنیاد » نمای خوبی نداشت ، متولی وقت ، « آقای سید ابوالفضل تولیت » به تجدید بنای آن اقدام نمود ، ساختمان قدیمی را از سطح زمین برداشت و به جای آن عمارتی رفیع به عرض ۱۴ در ۴۸ متر « فاقد ستون » و با خصوصیات فراوان معماری بنا نمود که امروز یکی از با شکوهترین اماکن متبرکه حرم مطهّر محسوب می شود .(۱)

یادآوری می شود که در جنوب این مسجد قبور فقهاء و استوانه های علم و حکمت واقع شده است : قبور علمای فرزانه ای همچون « مرحوم آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (مؤسس حوزه علمیه قم) و مرحوم آیه الله حاج سیّد محمّدتقی خوانساری و مرحوم آیه الله حاج سید حسن صدر و آیه الله حاج سید احمد خوانساری » و اخیراً دانشمندان و فقهاء بزرگی همچون « مرحوم علاّمه طباطبایی و آیه الله العظمی گلپایگانی و آیه الله العظمی اراکی و آیه الله العظمی بهاءالدینی و آیه الله العظمی آ میرزا هاشم آملی » و از علماء شهید انقلاب اسلامی همچون « استاد شهید آیه الله

مطهّری وشهید محراب آیه الله مدنی » در این تربت پاک آرمیده اند و همچون ستارگانی فروزان در کنار ماه منیر فاطمی فضای ملکوتی این مکان مقدّس را نورباران نموده اند .

مسجد طباطبایی

مسجد طباطبایی ، گنبدی پنجاه ستونی است که به جای صحن زنانه « قدیم » در جنوب روضه مطهّره ساخته شده است .

این گنبد در وسط به دهانه ۱۷ و ارتفاع ۱۷ متر است که با اضافه شدن فضای اطراف آن به ۸۰/۲۴ ، در ۲۰/۲۴ متر افزایش می یابد و دارای رواقی است مثلث شکل که قاعده و ساق آن ۱۵ متر است .

پاورقی

۱ گنجینه آثار قم ، ج ۱ ، ص ۶۲۱ .

این گنبد را بر فراز ده پایه آجری به قطر ۲ ، در ، ۲ متر و ارتفاع ۳۰/۳ متر بنا کردند و بعداً چهار نبش تمام پایه ها را تراش داده و در چهارگوشه هر یک ، ستونی استوانه ای با بتن مسلّح بالا آوردند سپس درون چهار ستون را برچیدند و در نتیجه آن گنبد عظیم بر فراز سی و دو ، تا چهل ستون برقرار شد .

روی ستونهای سیمانی را با قطعاتی از مرمر ماشین تراش به عرض ده و ارتفاع پنچاه سانتیمتر زینت دادند ، به طوری که تمام ستونها مرمرپوش گردیدند و در ساق آنها به جای ته ستون صفحه مدرّجی از « بُرُنْز » صیقلی زیبا ، اضافه نمودند که زیبایی آنها را دو چندان نمود .

تعداد ستونهای این گنبد رفیع به اضافه ستونهای جانبی و ستون های رواق کنار آن به پنچاه ستون می رسد . بانی این گنبد مرتفع و

مسجد با عظمت مرحوم « حجه الاسلام حاج آقا محمّد طباطبایی » فرزند مرحوم آیه الله حاج آقا حسین قمی است که از سال ۱۳۶۰ه . ق ، تا ۱۳۷۰ ه . ق بنایآن طول کشید .(۱)

در زاویه شمال غربی این مکان مقدّس قبور شهداء بزرگی از علماء و فضلای حوزه علمیه واقع است : « قبر مرحوم شهید آیه الله ربّانی شیرازی و شهید ربّانی املشی و شهید محمّد منتظری و شهید آیه الله قدّوسی و شهید محلاّتی » که این خود بر صفا و معنویت این مکان افزوده است .

پاورقی

۱ گنجینه آثار قم ، ج۱ ، ص۶۲۷ ۶۲۶ .

مسجد اعظم

(لمسجد اسس علی التّقوی من اوّل یوم احقّ أن تقوم فیه) .

از آثار دینی با عظمتی که به همت والای مرجع تقلید عالم تشیع حضرت آیه الله العظمی بروجردی (قدس سره) تأسیس گردید ، مسجد اعظم قم بود که در کنار حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) جهت رفاه حال زائرین ساخته شد . این بنای رفیع با شرائط خاص و خصوصیات ممتازی که دارد مسجد منحصر به فردی است که در مجاورت آستان رفیع فاطمی بنا گردیده است .

انگیزه تأسیس مسجد

اساسی ترین انگیزه آن فقیه فرزانه برای بنای چنین مسجد عظیمی این بود ، که آن بزرگوار بارگاه کریمه اهل بیت(علیهم السلام) را فاقد مسجد مناسبی می دید که زائران بتوانند در آنجا از فضای روحانی بیشتری بهره ببرند ، لذا مشاهده این خلاء مکانی بود که ایشان را بر چنین تصمیم والایی واداشت . چنانچه خود ایشان بنا به نقل بعضی از بزرگان(۱) در این رابطه فرموده اند به این که :

« بنا دارم در جوار حرم مطهر حضرت معصومه(علیها السلام) مسجدی چون مسجد گوهرشاد در کنار حرم حضرت علی بن موسی الرضا(علیه السلام) بنا نمایم » . از سوی دیگر پیش بینی آن بزرگوار این بود که ، حوزه مقدسه قم در دراز مدت به فضایی وسیع و مناسب جهت برگزاری دروس حوزویان در سطوح مختلف بویژه دروس خارج مراجع عظام نیاز دارد و چه بهتر که این مرکز در جوار حرم مطهر و با نام مسجد باشد .

پاورقی

۱ حضرت آیت الله فاضل لنکرانی (دام ظلّه) .

چنانچه قرار گرفتن مدفن آن عبد صالح خدا در کنار درب

ورودی این مسجد گواهی صادق ، بر اخلاص و پاکی نیت اوست ، و بحق می توان آن را یکی از مصادیق روشن (لمسجد اسس علی التّقوی من اوّل یوم)(۱) : « مسجدی که از بدو تأسیس بر اساس تقوا و پاکی بنا شده است » ; به شمار آورد .

تاریخ تأسیس

کلنگ بنای این مسجد در روز یازدهم ذیقعده ۱۳۷۳ه . ق . سالروز ولادت با سعادت حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)برابر با بیست و یک تیرماه ۱۳۳۳ه . ق . طی تشریفات خاصی به زمین زده شد .

مشکلات

یکی از مشکلات مهم احداث مسجد در این نقطه محدودیت مکانی زمین و ناموزون بودن آن بود . چون بطوری که مشاهده می شود ، مسجد از یک طرف به آستانه مقدسه و از طرف دیگر به ساحل رودخانه محدود است . و در نتیجه محوطه مسجد به شکل مثلث ناموزونی است که ضلع غربی آن حدود ۱۲۰ متر و قاعده آن حدود ۱۵ متر می باشد . مشکل دیگر وجود خانه هایی بود که در محدوده زمین مسجد قرار داشت که خرید آنها هزینه زیادی را می طلبید ، اما به دستور آن بزرگوار با مشکلات زیادی همه آن خانه ها خریداری و رضایت صاحبان آنها جلب شد . همچنین بیش از ۳۰۰۰ متر از کنار مسجد بالاسر از بیوتات و متعلقات آستانه مقدسه بود که با درایت خاص ایشان در حریم مسجد قرار گرفت . سرانجام با عنایات الهی و رفع مشکلات یاد شده نقشه ساختمانی مسجد زیر نظر مهندسان و معماران کارآزموده ای چون مرحوم لرزاده به طور دقیق و جامع طراحی شد و بر اساس آن ساخت مسجد آغاز گردید و پس از شش سال کار متمادی عمده کارهای ساختمانی آن به پایان رسید و در نیمه اول سال ۱۳۳۹ ه ش با اقامه نماز جماعت توسط حضرت آیه الله العظمی بروجردی(رحمه الله) افتتاح و مورد بهره برداری قرار گرفت .

پاورقی

۱

توبه ، ۱۰۸ .

صفحه۱۱۹

مشخصات ساختمانی مسجد

مجموع مساحت مسـجد تقریباً ۱۲۰۰۰ متر مربع است و کلیه ساختمـان آن بـا بتون مسـلح بنا گردیـده و لـذا این مسـجد از نظر استحکام از بناهای کم نظیر اسلامی به شمار می آید .

مسـجد دارای چهار شبسـتان است که مساحت شبستان زیر گنبد ۴۰۰ متر مربع و شبسـتانهای جانبی آن هر کدام ۹۰۰ متر مربع می باشد و در طرف شـمال مسـجد نیز شبستان زیر ساعت با مساحتی حدود ۳۰۰ متر مربع قرار دارد . ارتفاع سـقف هر یک از شبستانها با سطح آن حدوداً ۱۰ متر مربع است .

صفحه۱۲۰

در ضـلع غربی مسـجد سـرویس بهداشتی و وضوخانه مسجد و یک سالن آسایشگاه برای خادمین احداث شده است . همچنین کتابخانه ای با دو سالن مطالعه و یک سالن مخزن در ضلع غربی صحن مسجد بنا گردیده که درب ورودی آن از طرف راهرو ورودی مسـجد اعظم قراردارد . این مسـجد با عظمت دارای صـحن بزرگی است با درهای ورودی متعـدد ، که وجود حوضـی بسیار زیبا در فضای میانی آن ، نمای آن مکان مقدّس را دیدنی نموده است .

مسـجد به سـبک معماری اسـلامی بنا شده است . که دارای گنبد بسیار بزرگی به قطر ۳۰ متر مربع و به ارتفـاع ۱۵ متر مربع از سطـح پشت بام و به ارتفاع ۳۵ متر مربع از کف شبسـتان می باشد . و دارای گلدسـته هایی بلند به ارتفاع ۲۵ متر مربع از سطح پشت بام و به ارتفاع ۴۵ متر مربع از سطح زمین است . و دارای دو مأذنه به ارتفاع ۵ متر مربع می باشد(۱) . و همچنین یک

برج با ساعت زنگی بزرگ و زیبا در شمال مسجد قرار دارد که از چهار جهت دیده می شود .

این مسجد از نظر تزئینات و کاشیکاری و جلوه های هنر اسلامی از نمونه های بدیع کاشیکاری در قرن اخیر به شمار می رود(۲) .

پاورقی

۱ خاطرات زندگی حضرت آیت الله بروجردی ، سید محمد حسین علوی طباطبایی ، ص۱۰۱ و۱۰۲ .

۲ همان ، ص۱۰۴ .

صفحه ۱۲۱

استفاده بهینه از مسجد اعظم توسط آستانه مقدّسه

پس از پیروزی انقلاب با توجه به اقبال زیاد زائرین محترم ، به حرم مطهر حضرت معصومه(علیها السلام) و احساس نیاز به فضاهای عبادی ، معنوی بیشتر در جوار بارگاه منور حضرت و عدم امکان بهره برداری شایسته از فضا و امکانات وسیع مسجد اعظم و در نتیجه معطل ماندن آن همه امکانات وسیع که با هدف اصلی بنیان گذار عظیم الشأن آن موافقت نداشت . سرانجام در دهه آخر ماه مبارک رمضان سال ۱۳۷۱ه . ش . با رعایت موازین شرعی و قانونی حائل بین مسجد اعظم و مسجد بالاسر برداشته شد و به دنبال آن امور اداری و خدماتی مسجد بر عهده آستانه مقدسه قرار گرفت .

و طبق فرمان مقام معظم رهبری به تولیت محترم آستانه مقدسه ، مسئولین مربوطه موظف شدند بدون بهره برداری و دخالتی در موقوفات مسجد ، اقدام به نگهداری و حفاظت از مسجد و متعلقات آن و تأمین حقوق کارمندان آن نمایند . و هم اکنون این مکان مقدس محیط بسیار مناسبی برای تحصیل دانش پژوهان علوم دینی شده ، به گونه ای که در ایام تحصیلی حوزه اکثر مراجع معظم تقلید در این مکان مقدس تدریس می نمایند و تعداد کثیری

از طلاب و فضلای محترم از فیوضات علمی ایشان بهره مند می شوند . همچنین مراسم مذهبی مختلفی که از شئونات مسجد است با شکوه خاصی در آن برگزار می شود .

(۷) صحن های حرم مطهّر

صحن نو « اتابکی »

صحن نو ، بنایی است وسیع و خوش منظر ، با صفا و معنویت خاصّی که بر شکوه و عظمت بارگاه فاطمی افزوده است .

این صحن زیبا دارای چهار ایوان شمالی ، جنوبی و شرقی و غربی است : ایوان شمالی آن ورودی حرم مطهر از میدان آستانه را و ایوان جنوبی ورودی حرم از خیابان موزه را و ایوان شرقی ورودی صحن نو از خیابان ارم را تشکیل می دهد ; در هر کدام از این ایوان های یاد شده ظرایف و آثار هنری ، معماری خاصّی به کار رفته است که نظر هر بیننده هنر دوست را به خود جلب می نماید.

و ایوان غربی هم همان ایوان آینه است که ورودی روضه مقدّسه از صحن نو محسوب می شود .

وجود این ایوان های مجلّل (به ویژه ایوان آینه) و قرار گرفتن حوض بیضی شکل در وسط صحن مطهّر (با خصوصیّات موجود در آن) زیبایی این مکان مقدّس را دو چندان کرده است .

این صحن از آثار (میرزا علی اصغر خان صدر اعظم) است که از سال ۱۲۹۵ه . ق ، تا سال ۱۳۰۳ بنای آن طول کشیده است . (۱)

پاورقی

۱ گنجینه آثار قم ، ج۱ ، ص ۵۸۰ ۵۷۹ .

در این صحن قبور علما و شهدایی « همانند شهید بزرگ انقلاب مشروطه آیه الله شیخ فضل الله نوری و شهید آیه الله مفتّح و عالم

بزرگ شیعه مرحوم قطب راوندی قرار گرفته ، و بر زائرین تربت پاک فاطمه معصومه(علیها السلام)است که از زیارت این فدائیان راه ولایت و امامت غافل نباشند .

صحن عتیق « قدیم »

صحن عتیق « واقع در شمال روضه مبارکه » اوّلین بنایی است که بر قبّه مبارکه افزوده شد .

این صحن را سه ایوان زیبا فراگرفته است . ایوانی با عظمت در جنوب که همان ایوان طلا « ورودی صحن به روضه مطهّره » می باشد و ایوانی در شمال که ورودی فیضیّه به صحن را تشکیل می دهد و ایوانی در غرب که ورودی مسجداعظم به صحن است . و در شرق دالان ورودی صحن عتیق به صحن نو واقع است . این صحن در عین کوچک بودنش بخاطر داشتن ایوان های مجلّل و حجرات متعدّد اطراف آن از زیبایی خاصی برخوردار است .

این صحن و ایوان های اطراف آن را « شاه بیگی بیگم » دختر شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۲۵ه . ق بنا نمود .(۱)

این بود دورنمایی از آثار هنری ، معماری آستانه مقدّسه حضرت معصومه(علیها السلام) و بر هنرمندان اسلامی است که از نزدیک زیبایی های هنری نهفته در این بنای رفیع را به نظاره بنشینند و آفرینندگان آن را تحسین نمایند .

پاورقی

۱ گنجینه آثار قم ، ج۱ ، ص۵۱۰ .

بخش هشتم : زیارتنامه حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)

یکی از واژه های مقدّس و آشنای در قاموس شیعه ، واژه زیارت است و از جمله آداب و برنامه های دینی که به آن بسیار سفارش شده است رفتن به زیارت تربت پاک و مشاهد شریفه اهل بیت(علیهم السلام) و فرزندان بزرگوار آنهاست

. ائمّه اطهار(علیهم السلام) در روایات و احادیث ، پیروانخود را بر این امر مهمّ تشویق و تحریص فرمودند و اجر و پاداش فراوانی برای آن بیان کرده اند .

چنانچه درباره زیارت امام حسین(علیه السلام) ، امام صادق(علیه السلام) می فرماید : «زیارت آن حضرت برابر است با هزار حج و عمره»(۱) . و حضرت رضا(علیه السلام)درباره زیارت خود فرمود : «هرکس مرا با معرفت زیارت کند من از او شفاعت خواهم کرد»(۲) . و امام جواد(علیه السلام) فرمود : « مَنْ زارَ قَبْرَ عَمَّتِی بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّهُ »(۳) : « کسی که قبر عمه ام « فاطمه معصومه(علیها السلام) » را ، در قم زیارت کند سزاوار بهشت خواهد بود » .

پاورقی

۱ بحار ، ج۱۰۱ ، ص۴۳ .

۲ همان ، ج۱۰۲ ، ص۳۳ .

۳ همان ، ج۱۰۲ ، ص۲۶۵ .

صفحه۱۲۷

و درباره زیارت حضرت عبدالعظیم(علیه السلام) ، امام هادی(علیه السلام) فرمود : «اگر قبر عبدالعظیم را ، زیار می کردی مثل آن بود که امام حسین(علیه السلام) را زیارت کرده باشی »(۱) .

و رسولخدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : « مَنْ زارَنِی اَوْ زارَ اَحَداً مِنْ ذُرِّیَّتِی زُرْتُهُ یَوْمَ الْقِیمَهِ فَاَنْقَذْتُهُ مِنْ اَهْوالِها »(۲) : « کسی که مرا ، یا یکی از فرزندانم را زیارت کند روز قیامت به دیدارش خواهم رفت و او را از ترس های آن روز نجات خواهم داد » .

حال باید توجّه کرد که فلسفه و حکمت این همه فضیلت و پاداش چیست ؟ آیا این اجر و ثواب عظیم فقط برای یک زیارت ظاهری است بدون هیچ اثر و هدفی ؟ یا اینکه همه

اینها در راستای اهداف عالی دینی است که امّت اسلامی با زیارت تربت مطهر این عزیزان ، ره توشه ای برای دنیا و آخرت خویش برگیرد و با اسوه قراردادن این نخبگان خلق خدا و با پیروی از خط مشی آن بزرگواران همواره امّتی نمونه باشد . و با صفا و جلا دادن روح و جان خویش از آفت ها و کجی ها دور بماند و همیشه جامعه ای سرفراز و سعادتمند باشد . و با این تجدید میثاق های مکرّر است که خط مستقیم تشیّع و امامان بحق آن ماندگار و جاوید خواهد ماند .

روشن است که این هدف حاصل نمی شود مگر اینکه زائران آن مشاهد مشرّفه ، عارفِ بحقّ صاحبان آن باشند و با کمال معرفت و شناخت به پابوس آنها شرفیاب شوند .

پاورقی

۱ همان ، ج۱۰۲ ص۲۶۸ .

۲ کامل الزّیارات ، ص۱۱ .

صفحه۱۲۸

چنانچه در روایات این امر مهم را شرط پذیرفته شدن در آستان رفیع اولیای خدا دانسته و برای درک فضیلت زیارت ، بر آن تأکید فرموده اند ، همانطور که امام صادق(علیه السلام) فرمودند :

« مَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ عارِفاً بِحَقِّهِ کانَ کَمَنْ حَجَّ مِأَةَ حَجَّه مَعَ رَسُولِ اللهِ(صلی الله علیه وآله وسلم) »(۱) : « یعنی کسی که با معرفت و شناخت ، قبر امام حسین(علیه السلام) را زیارت کند مثل کسی است که ، صد حج همراه رسولخدا(صلی الله علیه وآله وسلم) انجام داده باشد » .

و امام جواد(علیه السلام) هم درباره زیارت حضرت رضا می فرماید : «بهشت واجب است بر کسی که قبر پدرم را (در طوس) با معرفت زیارت کند

». (۲)

و حضرت رضا (علیه السلام) درباره زیارت حضرت معصومه فرمود : « مَنْ زارَها عارِفاً بِحَقِّها فَلَهُ الْجَنَّهُ »(۳) : « کسی که « فاطمه معصومه » را زیارت کند ، در حالی که « معرفت » به حق او داشته باشد ، سزاوار بهشت است » .

بدیهی است که اگر مسلمان زائر ، معرفت به فضائل و کمالات نفسانی و راه و رسم زندگی این بندگان شایسته خدا داشته باشد ، می تواند از زیارت مرقد شریف آنان توشه ای برگیرد و روح و جان خود را با آن ارواح قدسی هماهنگ نماید ، و با مکتب و مرام الهی آنها آشنا گردد .

به این جهت برای حضرت فاطمه معصومه(علیها السلام) زیارتنامه معتبری نقل شده است . تا زائران مشتاق با خواندن فرازهای نورانی آن در جهت طی طریق رشد و کمال از حضرتش الهام گیرند و با ارتباط یافتن با آن منبع فیض الهی از دریای بی کران رحمت حق توشه ای برگیرند و آن زیارتنامه معروفی است که مرحوم مجلسی در بحارالانوار آن را نقل فرموده است که ما آن را با سند در اینجا می آوریم .

پاورقی

۱ بحار ، ج۱۰۱ ص۴۲ .

۲ همان ، ج۱۰۲ ص۳۷ .

۳ همان ، ج۱۰۲ ص۲۶۶ .

صفحه۱۲۹

متن زیارتنامه با سند

« حَدَّثَ عَلِیُّ بْنُ اِبْراهیمَ عَنْ اَبیهِ عَنْ سَعْد عَنْ عَلیِّ بْنِ مُوسی الرِّضا عَلَیْهِما السَّلامُ ، قالَ : قالَ : یا سَعْدُ ، عِنْدَکُمْ لَنا قَبْرٌ ! قُلْتُ : جُعِلْتُ فِداکَ ، قَبْرُ فاطِمَهَ بِنْتِ مُوسی عَلَیْهِما السَّلامُ ! قالَ : نَعَمْ ، مَنْ زارَها عارِفاً بِحَقِّها فَلَهُ الْجَنَّهُ . فَاِذا رَأَیْتَ الْقَبْرَ فَقُمْ

عِنْدَ رَأْسِها مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَهِ ، فَكَبِّرْ اَرْبَعاً وَثلاثين تَكْبيرَهً وَسَبِّحْ ثَلاثاً وَثلاثين تَسْبيحَهً واحْمِدِ اللّه ثَلاثاً وَثلاثين تَحْميدَهً ، ثُمَّ قُلْ :

« اَلسَّلامُ عَلى آدَمَ صِفْوَهِ اللهِ ، اَلسَّلامُ على نُوح نَبِيِّ اللهِ اَلسَّلامُ على اِبْراهيمَ خَليلِ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلى مُوسى كَليمِ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلى عيسى رُوحِ اللهِ .

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خَيْرَ خَلْقِ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفِيَّ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللهِ خاتَمَ النَّبِيِّينَ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ عَلِيَّ بْنَ اَبى طالِب وَصِيَّ رَسُولِ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَهُ سَيِّدَهَ نِساءِ الْعالَمينَ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُما ياسِبْطَىْ نَبِيِّ الرَّحْمَهِ وَسَيِّدَىْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ الْعابِدينَ وَقُرَّهَ عَيْنِ النّاظِرينَ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ باقِرَ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّد الصّادِقَ الْبارَّ الْأَمينَ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُوسَى بْنَ جَعْفَر الطّاهِرَ الطُّهْرَ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضا الْمُرْتَضى ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيَّ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّد النَّقِيَّ النّاصِحَ الْأَمينَ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ، اَلسَّلامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى نُورِكَ وَسِراجِكَ وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ وَوَصِيِّ وَصِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلى خَلْقِكَ .

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ فاطِمَهَ وَخَديجَهَ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يابِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ وَلِيِّ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا اُخْتَ وَلِيِّ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا عَمَّهَ وَلِيِّ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا

بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَر وَرَحْمَهُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ .

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ ، عَرَّفَ اللهُ بَيْنَنا وَبَيْنَكُمْ فِی الْجَنَّهِ وَحَشَرَنا فی زُمْرَتِکُمْ وَاَوْرَدَنا حَوْضَ نَبِیِّکُمْ وَسَقانا بِکَأْسِ جَدِّکُمْ مِنْ یَدِ عَلِیِّ بْنِ اَبی طالِب صَلَواتُ اللهِ عَلَیْکُمْ .

اَسْئَلُ اللهَ اَنْ یُرِیَنا فِیکُمُ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ وَاَنْ یَجْمَعَنا وَاِیّاکُمْ فی زُمْرَهِ جَدِّکُمْ مُحَمَّد صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَاَنْ لا یَسْلُبَنا مَعْرِفَتَکُمْ اِنَّهُ وَلِیٌّ قَدیرٌ .

اَتَقَرَّبُ اِلَی اللهِ بِحُبِّکُمْ وَالْبَرائَهِ مِنْ اَعْدائِکُمْ وَالتَّسْلیمِ اِلَی اللهِ ، راضِیاً بِهِ غَیْرَ مُنْکِر وَلا مُسْتَکْبِر ، وَعَلی یَقینِ ما اَتی بِهِ مُحَمَّدٌ وبِهِ راض ، نَطْلُبُ بِذلِکَ وَجْهَکَ یا سَیِّدی اَللّهُمَّ وَرِضاکَ وَالدّارَ الْاخِرَهَ .

یا فاطِمَهُ اشْفَعی لی فِی الْجَنَّهِ فَاِنَّ لَکِ عِنْدَ اللهِ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ .

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ اَنْ تَخْتِمَ لی بِالسَّعادَهِ ، فَلا تَسْلُبْ مِنّی ما اَنَا فیهِ ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلاّ بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ .

اَللّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنا وَتَقَبَّلْهُ بِکَرَمِکَ وَعِزَّتِکَ وَبِرَحْمَتِکَ وَعافِیَتِکَ .

وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّد وَآلِهِ اَجْمَعینَ وَسَلَّمَ تَسْلیماً یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ » .(۱)

پاورقی

۱ بحار ، ج۱۰۲ ، ص۲۶۶ ۲۶۵ .

ترجمه زیارتنامه

علی بن ابراهیم از پدرش از سعد از امام علی بن موسی الرّضا(علیهما السلام) نقل می کند که فرمود : ای سعد ! ما نزد شما قبری داریم ! عرض کردم فدایت شوم ، قبر فاطمه دختر امام موسی(علیهما السلام) را می فرمایی ؟ فرمود : آری ، هر که او را با معرفت زیارت کند بهشت سزاوار اوست . هرگاه (به حرم مشرف شده و) قبر را دیدی نزد(۱) سر (حضرت) رو بقبله بایست و سی و چهار مرتبه « اَللّهُ اَکْبَرُ » و سی و سه مرتبه «

سُبْحانَ اللهِ » و سی و سه مرتبه « اَلْحَمْدُ لِلهِ » بگو ، سپس بگو :

«سلام بر حضرت آدم برگزیده خدا ، سلام بر حضرت نوح پیامبر خدا ، سلام بر حضرت ابراهیم دوست خدا ، سلام بر حضرت موسی هم صحبت خدا ، سلام بر حضرت عیسی روح الله ، سلام بر تو ای رسول خدا ، سلام بر تو ای بهترین خلق خدا ، سلام بر تو ای برگزیده خدا ، سلام بر تو ای محمّد بن عبد الله خاتم پیامبران ، سلام بر تو ای امیرمؤمنان علیّ بن ابی طالب وصیّ رسول خدا ، سلام بر تو ای فاطمه ، ای بزرگ بانوی بانوان عالم ، سلام بر شما ای دو سبط پیامبر رحمت ، ای دو سرور جوانان اهل بهشت ، سلام بر تو ای علی بن الحسین ، ای سرور عبادت پیشگان ای فروغ دیده بینندگان ، سلام بر تو ای محمّد بن علی ، ای شکافنده علم بعد از پیامبر ، سلام بر تو ای جعفر بن محمّد ، ای راستگوی نیکوکار امین ، سلام بر تو ای موسی بن جعفر ، ای پاک و پاکیزه ، سلام بر تو ای علی بن موسی ، ای پسندیده ، سلام بر تو ای محمّد بن علی ، ای خویشتن دار ، سلام بر تو ای علی بن محمّد ، ای پاک سرشت و خیر خواه و امین ، سلام بر تو ای حسن بن علی ، سلام بر وصی بعد از او . بارخدایا صلوات بفرست بر نور و چراغ روشنگرت، بر ولیّ ولیّت ، بر وصیِّ وصیّت، بر

حجّت خود بر بنـدگانت ، سـلام بر تو ای دختر رسول خـدا ، سـلام بر تو ای دختر فاطمه و خـدیجه ، سـلام بر تو ای دختر امیر مؤمنان ، سـلام بر تو ای دختر امام حسن و امام حسـین ، سـلام بر تو ای دختر ولیّ خدا ، سلام بر تو ای خواهر ولیّ خدا ، سلام بر تو ای عمّه ولیّ خدا ، سـلام بر تو ای دختر موسـی بن جعفر ، رحمت و برکات خدا بر تو باد . سـلام بر تو ، خداوند آشنایی برقرار کنـد میان ما و شـما در بهشت ، و ما را در زمره شـما محشور فرمایـد ، و ما را بر حوض پیامبر شـما وارد کند ، و ما را با کاسه جدّتان از دست علیّ بن ابی طالب سیراب سازد ، صلوات خدا بر شما باد . از خداوند می خواهم که سرور و فرج شما را به ما بنمایاند ، ما و شما را در زمره جدّ بزرگوارتان حضرت محمّد که درود خدا بر او و آلش باد گرد آورد ، و معرفتِ شما را از ما نگیرد ، که او صاحب اختیار و مقتدر است . به سوی خداوند تقرّب می جویم با محبّت شـما و بیزاری از دشـمنان شما ، و با تسـلیم شـدن به فرمان خـدا ، از روی رضایت ، نه آن که منکر یا نافرمان باشم ، و با یقین به آنچه حضـرت محمّـد(صـلی الله علیه وآله وسلم) آورده و به آن راضی هستم ، با این عقیده عنایت ترا می طلبم ، ای سرور من .

خدایا رضایت ترا و سرای آخرت را خواستارم . ای فاطمه (معصومه) در مورد بهشت از من شفاعت کن ، چون که ترا نزد خدا مقام رفیعی است .

پی نوشتها

۱ مقصود از روایت این است که در شمال ضریح مطهر رو به قبله ، نزد سر حضرت بایستند ، (نه بالای سر و غرب ضریح مطهر) ، چنانچه سیره عملی بزرگانی چون حضرت امام خمینی (رحمه الله) و آیه الله حاج شیخ مرتضی حایری (رحمه الله) و برخی بزرگان دیگر این معنا را تأیید می نماید .

خداوندا ! من از تو می خواهم که عاقبت امر مرا به سعادت ختم کنی ، پس عقایدی که دارم از من نگیر ، که هیچ نیرو و قدرتی جز خداوند بزرگ و والا نیست . خداوندا ! دعایم را مستجاب کن ، و آنرا به کرم و عزت و رحمت و عافیت خود از من قبول فرما . بر محمّد و همه اهلبیت او صلوات فراوان و درود بی پایان فرست ای بخشنده ترین بخشندگان(۱).

پاورقی

۱ کریمه اهلبیت ، علی اکبر مهدی پور ، ص۱۵۹ ۱۵۲ ، با کمی تصرف .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

